

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

شماره ۳۷۵
دوره چهارم سال سی و سوم
اول مهر ۱۳۹۵

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی....

کوله باری بر دوش

مهدی سامع

صفحه ۲

فراموش نمی کنیم و نمی بخشیم

متن سخنرانی مهدی سامع در سمینار

نمایندگان جوامع ایرانی در پاریس

شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ - ۳ سپتامبر ۲۰۱۶

صفحه ۷

تغییر قانون کار علیه نیروی کار

زینت میرهاشمی

صفحه ۴



از فرصت نوار صوتی

باید سود جست

آرش رایجی

صفحه ۲۰

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۸

بورکینی اوج بی اعتنایی است

دی ولت

برگردان: بابک

صفحه ۱۰



برنامه ای از رادیو پیشگام

چرا "نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم"؟

در این برنامه می شنوید:

برنامه ویژه به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد کشتار دسته جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ را می شنوید. در این برنامه رفیق مهدی سامع، سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بانو صابری، همسر یکی از زندانیان اعدامی کشتار ۶۷ و مینا انتظاری، زندانی دهه ۶۰ با ما هستند و به این سوال مطرح که چرا نمی بخشیم و چرا فراموش نمی کنیم پاسخ می دهند.

<http://www.radiopishgam.com/>

=====

کاش آقای منتظری

عمامه به زمین می کوبید

شعله پاکروان

صفحه ۲۱

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

صفحه ۱۴

جنبش دادخواهی ملت ایران

دکتر محمد ملکی

صفحه ۲۲

سرمقاله.....

"أم القُرا" سر زَا

منصور امان

پس از یک دوره دوساله درگیری در میدان بُحران هسته ای و "نرمش قهرمانانه" که با توافق هسته ای در وین و اسقاط پروژۀ بمب به سرانجام رسید، باندهای قدرت جمهوری اسلامی با شدتی مهیب به آوردگاه نبردهای طراز "پسارجام" پرتاب می شوند. دینامیسمی که با به پایان خط رسیدن "قطار بی دنده و ترمز هسته ای" به حرکت درآمده، "نظام" و طرفهای خارجی آن را چند گام دورتر، در ایستگاه تازه ای به ملاقات یکدیگر برده است. هیچ چیز کمتر از یک شاخه دیگر از سیاست بُحران زای رژیم ولایت فقیه، یعنی ماجراجویی منطقه ای آن، در این مرحله روی میز تعیین تکلیف قرار نگرفته است. همچون دور پیشین، این بار نیز هزینه اصلی را باید باند حاکم بپردازد و چونان مُعامله هسته ای، اینک نیز چنین می نماید که جناح میانه حکومت در مُعامله بر سر تخفیف بُحران مُناسبات خارجی "نظام" که به گونه اجتناب ناپذیر از مسیر تضعیف ابزارهای اقتدار باند رقیب اش می گذرد، منافع دو گانه ای را برای خود متصور است.

نشانه های آغاز گذار به "برجام" های بعدی را چه در دستور کارهای تازه در مُناسبات با غرب و چه در واکنش باند حاکم به آن می توان به خوبی مشاهده کرد و همراه با آن رابطه ای که بین تحولات در حال وقوع وجود دارد را بازشناخت.

بقیه در صفحه ۳

چپ اردوگاهی و انقلاب سوریه

لیلا جدیدی

صفحه ۵

کارورزان سلامت

امید برهانی

صفحه ۸

چالشهای معلمان در شهریور ماه

فرنگیس بايقره

صفحه ۱۲

رویدادهای هنری ماه

فتح الله کیائیهها

صفحه ۱۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی

کوله باری بر دوش

مهدی سامع

از وقتی خامنه ای مطمئن شد که آمریکا به عراق حمله خواهد کرد، ناپود کردن سازمان مجاهدین خلق ایران و یا به تسلیم واداشتن آنان را در دستور کار قرار داد. ابتدا به شیطان «اعتماد» کرد و از طریق مذاکره و معامله با دولت‌های آمریکا و انگلیس، آنان را وادار به بمباران پایگاه‌های مجاهدین خلق نمود و این دولت‌ها علیرغم اعلام بی طرفی مجاهدین، با یک اقدام ننگین به بمباران پایگاه‌های این سازمان پرداختند.

با سقوط حکومت صدام حسین و اشغال این کشور به وسیله آمریکا، مساله چگونگی برخورد با مجاهدان ساکن در پایگاه اشرف برای آمریکا نیز در دستور کار قرار گرفت.

بر طبق قوانین بین المللی در مورد جنگ و اشغال، دولت آمریکا به عنوان دولت اشغالگر مسئول امنیت جان و مال ساکنان کمپ اشرف که در موضع خصم نبودند، بود. از آن جا که مجاهدین موضع بی طرفانه در جنگ داشتند، آمریکا باید بلادرنگ تعهد خود به کنوانسیون‌های مربوطه (برای مثال کنوانسیون چهار ژنو) را اعلام می کرد و بدون وقت گذرانی و اما و اگر مفاد آن را اجرا می کرد.

همچنین بر طبق قوانین بین المللی، حاکمیت جدید در عراق باید به تعهدات خارجی حاکمیت قبلی پایبند بوده و اقامت زنان و مردان مجاهد در این کشور را به رسمیت می شناخت و از هرگونه فشار برای وادار کردن ساکنان اشرف به ترک محلی که سالها در آن زندگی کرده بودند، و یا بازگذاشتن دست رژیم ایران برای ضربه زدن به مجاهدین خودداری می کرد.

بدیهی است از حاکمیت جدید در عراق که وزن اصلی و نیروی هژمونیک آن وابسته به دربار خامنه ای بود، انتظار اجرای قانون و پایبندی به تعهد وجود نداشت. البته در جامعه عراق و در سطح نیروهای سیاسی و اجتماعی این کشور که دست نشانده خامنه ای و مجری دستورات سپاه قدس نبودند، حمایت جدی و آشکار از حقوق ساکنان اشرف وجود داشت که در همان زمان به آگاهی عموم رسید و تعدادی از همین فعالان به وسیله مزدوران سپاه قدس ترور و یا مخفیانه سر به نیست شدند.

ایادی رژیم در حاکمیت عراق که خامنه ای نیات خود را به آنان ابلاغ کرده بود، مساله حق حاکمیت را

اشرف، سرانجام آمریکا را وادار کرد که تن به پذیرش کنوانسیون چهارم ژنو در مورد تمامی ساکنان دهد.

تا پایان سال ۲۰۰۸ میلادی آمریکا امنیت کمپ را به عهده گرفت. اما از آغاز سال ۲۰۰۹ میلادی آمریکا با گرفتن تعهد از دولت نوری المالکی مبنی بر عدم تعرض به ساکنان و تامین امنیت آنان، حفاظت از کمپ را تحویل دولت عراق داد. قبل از شروع سال ۲۰۰۹، مزدوران ولی فقیه با هدایت سپاه قدس به توطئه گری پنهان و آشکار و برخی از عملیات ایذایی علیه ساکنان مبادرت می کردند. اما از آغاز سال ۲۰۰۹ میلادی که حفاظت کمپ به مزدوران عراقی سپاه قدس واگذار شد، شرایط برای اجرای نقشه شوم خامنه ای تحقق یافت.

خامنه ای در دیدار جلال طالبانی، رئیس جمهور آن زمان عراق، از تهران با لحنی دستوری اما محترمانه مساله تهاجم و نابودی مجاهدین را مطرح کرد. حرفهای صریح او در روز شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۷ (۲۸ فوریه ۲۰۰۹) جای تردیدی باقی نمی گذاشت که برای نابودی مجاهدین توافقاتی صورت گرفته است. خامنه ای گفت: «انتظار این است که جنابعالی و جناب آقای مالکی نخست وزیر عراق، به صورت جدی عملی شدن توافقاتها و تفاهم‌های دو جانبه را پیگیری نمایند. [در مورد] توافق دو جانبه در خصوص اخراج منافقین از عراق، این تصمیم باید عملی شود و ما منتظر تحقق آن هستیم.» (سایت خامنه ای)

البته مساله «اخراج» اسم رمز سرکوب در حد نابود کردن با همه ابزارها، دستگیری و تحویل دادن به

دژخیمان ولی فقیه و وارد کردن حداکثر فشار برای خسته کردن و به تسلیم واداشتن ساکنان بود. اگر مساله خامنه ای اخراج از عراق به یک کشور دیگر به جز ایران بود، لازم نبود که با انواع حيله ها و استفاده از دیپلماسی فشار و تهدید، در پروسه خروج و باز اسکان اخلاک‌گری کند.

از آن به بعد دولت دست نشانده خامنه ای و مورد اعتماد آمریکا، به طور آشکار به یک سلسله اقدامات جنایتکارانه به طور مستقیم و یا از طریق مزدوران عراقی سپاه قدس دست زدند که طی آن دهها رزمنده

مجاهد خلق به شهادت رسیدند. در این مسیر «موجودیت سازمان و رد تسلیم» دو خط سرخی بود که مجاهدین خلق آن را به عنوان خطوط غیر قابل سازش و مذاکره بارها اعلام کردند. در بقیه موارد که برخی از آنها اهمیت خاص خود را داشت، نمایندگان ساکنان در عراق و در خارج از عراق، اقدام به یک سلسله مذاکرات پیچیده و سخت همراه با «پده و پستان» کردند.

نتیجه حدود ۱۳ سال پایداری، ۱۳ سال ایستادگی بر دو خط سرخ، ۱۳ سال مبارزه در برای جلب حمایت ایرانیان و جهانیان و ۱۳ سال مذاکره سخت و پیچیده در روز جمعه ۹ سپتامبر ۲۰۱۶ (۱۹ شهریور ۱۳۹۵) یک دستاورد ارزنده و یک پیروزی خارق العاده برای مجاهدین و یک شکست برای ولایت خامنه ای را به ثبت رساند. در این روز آخرین گروه از مجاهدان ساکن زندان لیبرتی از عراق خارج شده و به تیرانا در آلبانی وارد شدند.

اما پروسه خروج بسا پیچیده تر از آن بود که بتوان تصور کرد. شاید روزی دست اندرکاران فرصت کرده و آن را برای ثبت در تاریخ منتشر کنند.

بر طبق قوانین بین المللی و بر اساس کنوانسیون‌های حقوق بشر، مجاهدین حق داشتند که در اشرف سکونت داشته باشند. اما آنان با ظلم و زور مجبور به ترک اجباری خانه خود شدند و طی ۱۳ سال از اشرف به لیبرتی و از لیبرتی به آلبانی به طور سازمانیافته و جمعی، بدون تسلیم و با حفظ تشکیلات نقل مکان

کردند.

اما این پایان راه نیست و آنان که در اقبانوسهای طوفانی زندگی می کنند، فن مبارزه با نهنگان را می آموزند. بادبانها همچنان برافراشته است و کوله بارها بر دوش.

ساحل امن تنها ایران آزاد و دمکراتیک است که مردم آن بدون ستم و تبعیض مذهبی، جنسیتی و ملی در کنار هم برای تحقق عدالت تلاش کنند.



مطرح کرده و بنابراین به ساکنان اولتیماتوم دادند که تا پایان سال ۲۰۰۳ عراق را ترک کنند. این تصمیم غیر قابل «اجرا» در حقیقت پوششی برای «اجرایی» کردن نقشه ولی فقیه بود.

از طرف دیگر دولت آمریکا پس از بمباران اولیه، سیاست نابودی نرم (انحلال سازمان) را در پیش گرفت و برای این پروسه تعیین موقعیت (استاتو) ساکنان را کیش می داد. اما پایداری زنان و مردان مجاهد و بی سابقه ترین تلاش جهانی، به شمول تلاشهای شبانه روزی هواداران مقاومت در دفاع از حقوق ساکنان

سرمقاله.....

"أم القرا" سر زا

بقیه از صفحه ۱

یک توافق محرمانه دیگر

آشکارترین نشانه در این چارچوب، گنجانده شدن موضوع مناسبات بانکی جمهوری اسلامی در روند گفتگوها با غرب است.

دُرُست در همان هنگامی که آیت الله خامنه ای و همدستانش یک کارزار سنگین تبلیغاتی علیه دولت جناح میانه حکومت را بر محور پابرجا ماندن تحریمهای بانکی ایالات متحده پیش می بردند، انتشار اخباری پیرامون توافقات دولت با نهاد بین المللی "کار گروه ویژه اقدام مالی" Financial Action Task Force (FATF)، پس از یک بُهت کوتاه مدت، بی درنگ آنها را به موضع دفاعی راند.

در اوایل تیر ماه، نهاد مزبور با انتشار بیانیته ای اعلام کرد با وجود حفظ جمهوری اسلامی در لیست سیاه خود، سطح هشدار در مورد آن را به گونه آزمایشی و برای یک دوره یکساله کاهش خواهد داد. FATF در توضیح این گام خود از "تصویب و تعهد سیاسی سطح بالای ایران به یک برنامه اقدام برای رفع نواقص مربوط به مبارزه با پولشویی و مقابله با حمایت مالی از تروریسم" خبر داد. نهاد ناظر اما پیرامون "برنامه اقدام" مورد اشاره اش جزئیات بیشتری را فاش نساخت و تنها به تاکید بر "تصمیم ایران برای دریافت کمکهای فنی برای اجرای آن" بسنده کرد. آشکار اما این است که "برنامه اقدام" یک دستور کار تعیین شده از جانب نهاد مزبور است و از همان نقشه راهی پیروی می کند که پروسه "توافق جامعه هسته ای" گذر کرد: تخفیف فشار بین المللی بر رژیم مَلاها در برابر عقب نشینی از سیاست و نقشه های خود.

مُرور اهداف و وظایف نهاد یاد شده که در راس آن مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم با حروف دُرُشیت نوشته شده، برای تخمین درجه حساسیت هر توافقی با آن برای رژیم ولایت فقیه کافی است. چرا که کارکرد و مضمون فعالیت FATF، بدون سووتفاهم و وظیفه ای که "نظام" برای رهایی یافتن از تحریمهای مُرتبط با تروریسم و بازگشت به سیستم مالی - بانکی بین المللی در پیش دارد را بیان می کند.

در مقایسه با سنگینی آنچه که در ترازوی محک قرار گرفته، واکنشها در ساختار قدرت بدان به گونه غیرعادی خفیف می نمود. جز چند مخالفت خوانی گذرا و ژورنالیستی، رویکرد کلی جناحها به توافق محرمانه با "کار گروه ویژه"، یک سکوت نسبی بود که نشان می داد پشت سرپرده "خیمه نظام" بحثهای داغی در این باره در جریان است.

در نیمه ماه گذشته (شهریور) اختلاف بر سر این موضوع با سروصدایی کر کننده به صحنه همگانی پا گذاشت. منابع باند ولی فقیه گزارش کردند که دو بانک دولتی "سپه" و "ملت" با استناد به تحریمهای بیم المللی از ارائه "خدمات" به کارتل اقتصادی سپاه پاسداران، قرارگاه خاتم الانبیا، خودداری کرده اند.

در پی این تحول که بُن بست دستگاه قدرت در رسیدن به یک راه حل توافقی را به نمایش می گذاشت، رهبران و پایوران ارشد باندهای حکومتی به تریبونهای عمومی یورش بردند تا با شدیدترین واژه ها و تعریفها یکدیگر را زیر آتش بگیرند.

سمت وسوی جدالها، حتی متد پیشبرد آن، شباهت شگفت آوری به کشمکشهایی دارد که در جریان عقب

نشینی هسته ای درگرفته بود؛ یک نزدیکی در شکل و مضمون که تصادفی نیست. این بار نیز محرمانه بودن سند توافق به نقد کشیده می شود و مُشاجره پیرامون مرجع تصمیم گیری در باره آن (مجلس، دولت، شورای عالی امنیت ملی) در هر گوشه جریان دارد. در این میان آقای خامنه ای هم چوَنان نوبت پیشین، خود را مخفی کرده است.

اخلال در بانک مرکزی تروریسم

بدون نیاز به شنیدن مرثیه خوانی باند ولی فقیه در باره تلاش آمریکا برای "ضربه زدن به سپاه و مقاومت"، "ضربه زدن به حزب الله لبنان" و جُز آن، به روشنی می توان دریافت که شفافیت در نقل و انتقالات مالی مجموعه ای دولتی که آوازه آن به عنوان "بانک مرکزی تروریسم" جهانگیر شده است، تا چه اندازه مُختل کننده ساز و کار آن است. نظارت بین المللی بر گردش پول بین "نظام" و گیرندگان که لیستهای تروریستی اتحادیه ساز و ایالات متحده با نام آنها پُر شده است، آخرین چیزی است که مجموعه مزبور به آن نیاز دارد.

با ورود به این پروسه، منابع پولهایی که برای جنگ سالاران، گروههای شبه نظامی، گانگسترهای مذهبی و مُزدوران مُنفرد بومی در سطح خاورمیانه و آفریقا ارسال می شود، در پس دیوار حاشا دیگر پنهان نخواهد بود و مکانیزم پیچیده کنونی که آمیزه ای از امکانات قانونی و غیرقانونی است، به سطح بانکداری چمدانی سقوط خواهد کرد. ناگفته پیداست که در این صورت، منابع کثیف مالی مانند قاچاق نفت، مواد مُخدِر، اسلحه و کالا که باز گردش خود را مدیون پاکشویی توسط امکانات قانونی هستند، به گونه جُبران ناپذیری محدود خواهد گردید.

پایه و بستر این فعالیتها در هر دو پهنه تامین مالی تروریسم و پولشویی را شبکه ای درهم تنیده از موسسات و بُنگاههای مالی تشکیل می دهد که فعالیتهای غیرقانونی سودآور سیاسی یا اقتصادی را مُمكن می سازد. برای دریافت گستره و ژرفای این دهلیز تاریخ پولی، یک پایور ارشد بانک مرکزی سرخ مُقیدی ارایه داده است. آقای حمید تهرانفر، معاون نظارت بانک مرکزی، از فعالیت "حدود هفت هزار موسسه مالی" در کشور خبر می دهد. همو می افزاید که از این تعداد بیش از شش هزار موسسه "فاقد مُجوز" از نهادهای رسمی ناظر در بازارهای پول، سرمایه و بیمه هستند.

جدال تقسیم

ناگفته پیداست که در جدال بر سر FATF فقط یک مکانیزم مُعین نیست که به موضوع چالش بدل گردیده، بلکه آینده و چگونگی سیاست و برنامه ای روی میز قرار گرفته که به این ساز و کار برای تامین منافع ویژه ای نیاز دارد. پول، بُمب و اسلحه در کنار مکانیزمها و ساختارهای ارسال و تحویل آنها، در حقیقت ابزارهای پیشبرد سیاست مزبور هستند و شرطهای مادی دستیابی به یک چشم انداز را برآورده می کنند.

بنابراین می توان دریافت که نزاع اصلی، زیر پوسته رویکرد به "کار گروه ویژه" پنهان شده است و چیزی کمتر از سیاست منطقه ای "نظام" تحت شرایط "برجام" را در بر نمی گیرد. حال اگر در نظر گرفته شود که هر درجه چرخشی در این سیاست در خارج، برابر با تضعیف و کاهش جایگاه نیرویی است که در داخل با اشتباهی سیری ناپذیر از آن تغذیه می کند، حساسیت بالایی که این گام برای هر دو طرف دارد، آشکار می شود.

"برجام منطقه ای" بی هیچ میان بُر و آرایشی به مفهوم کاهش نقش مادی و عملی دستگاه نظامی و

امنیتی در تولید و تامین اقتدار "نظام" و در پیامد آن، تضعیف پایه ای است که قدرت انحصاری باند ولی فقیه بر آن قرار گرفته است. از طرف دیگر، به میزانی که جناح میانه حکومت بتواند برای "تضمین امنیتی" و به بیان بهتر، تضمین بقای رژیم حاکم، بدلیلهای دیگری را از طریق تنش زایی در سیاست خارجی ارایه کند، به همان اندازه هم موقعیت خود را تثبیت کرده و قادر خواهد از نردبان هیبرارشی قدرت بازهم بالاتر رود.

از این رو زیر پوست کشمکش بر سر FATF، قراردادهای بانکی، "اقتصاد مقاومتی" و جُز آنها، یک جدال کلان طبقاتی، جدال تقسیم شعله ور شده است. لایه های گوناگون طبقه حاکم بر سر چگونگی توزیع ثروت و قدرت علیه یکدیگر صف آرای کرده اند. در حالی که جناح میانه حکومت برای کسب سهم بیشتر گام به جلو گذاشته است، باند ولی فقیه که هر شکلی از تقسیم مُجدد ثروت به گونه بی واسطه از مسیر مُصادره و سلب مالکیت از آن می گذرد، در برابر این مطالبه دست به مقاومت شدیدی زده است.

اگرچه کنترل انحصاری طبقه حاکمه بر منابع ثروت و در راس آن نفت و بازرگانی خارجی، به ظاهر سووال چگونگی توزیع آن را به یک مساله درون طبقه ای و از این زاویه مُماشات پذیر بدل ساخته است، اما شکل انگلی - قهری انباشت سرمایه این طبقه، امکان همزیستی مُطالبات و منافع لایه های گوناگون درون آن را نامُمكن ساخته است.

مُدل خردی از آنچه که مارکس "انباشت اولیه" می نامید، یعنی فرایند قهری گردآوری و تمرکز ثروت خارج از روابط تولیدی سرمایه داری (برای مثال توسط جنگ و مُتصرفات، مُصادره زمین و دارایی)، ویژگی دایمی پروسه گردآوری و تقسیم ثروت را در چارچوب دستگاه قدرت جمهوری اسلامی تشکیل می دهد.

بر این اساس، هر تغییر شیب قدرت در "بالا" در شکل انتقال قهری یا جابه جایی توافقی، همواره با درجه معینی از خلع ید اقتصادی از جناح مغلوب یا کنار رفته همراه است که توازن جدید را مفهومی مادی می بخشد.

آنگاه که آقای رفسنجانی موضوع کاهش حجم نیروی نظامی و هزینه آن به منظور داشتن "اقتصاد مُحکم و آسیب ناپذیر" را به میان می آورد و آلمان و ژاپن را شاهد می گیرد، در حقیقت این جدال تقسیم است که نمود می یابد و سهم لایه های ذی نفع از ثروت را سُبک سنگین می کند.

برآمد

جدالهایی که امروز دستگاه سیاسی رژیم ولایت فقیه را در بر گرفته، درگاه میدانهای ستیز فردا، "برجامهای ۲ و ۳" و غیره، است. مُشخص تر شدن تابلوهای این مسیر برای مثال در قالب FATF، حکایت از گذار "نظام" از این آستانه و پا گذاشتن به یک دوره بی ثبات و پُرچالش دارد.

بدیهی است که در این مرحله هنوز هیچ سُخنی از چرخش پایه ای سیاست چه در داخل و چه در خارج نمی تواند در میان باشد و جدال ناب منافع باندهای قدرت که بر پُشت جایگاه "نظام" در نظم بین المللی حمل می شود نیز نمی تواند کسی را در مورد جوهره جدال به اشتباه بیاندازد.

"برجام منطقه ای" همچون "برجام هسته ای" گذار ساده و مکانیکی از یک سیاست به سیاست جدید نخواهد بود و از جُمله به دلیل دخیل بودن فاکتورهای پُرشمار خارجی در آن با طرفهای گوناگون بین المللی، تحولی سخت، ناهمگون و جانکاه برای رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. پایان این پروسه زایش اما مختم است: "أم القرا" سر زا خواهد رفت!

تغییر قانون کار علیه نیروی کار

زینت میرهاشمی

لایحه تغییر قانون کار ارائه شده از طرف دولت روحانی به مجلس ارتجاع علیرغم واکنشها و اعتراضهای گسترده ای که پیرامون آن شکل گرفته همچنان از طرف پاپوران دولت روحانی توجیه می شود. در پی واکنشهای گسترده، معاون وزیر کار روحانی، سید حسین هفده تن، در گفتگویی با خبرگزاری حکومتی مهر، سه شنبه ۲۳ شهریور، اعلام کرد که «این لایحه توسط دولت قبل تهیه شده بود و شرکای اجتماعی (نمایندگان تشکلهای کارگری و کارفرمایی) در شورای عالی کار اعلام می کنند که در تنظیم لایحه اصلاح قانون کار نقشی نداشته اند.» این حرف بر چند چیز صحنه می گذارد. کارگزاران دولت روحانی در ابتدای نشست بر جایگاه دولت احمدی نژاد، می گفتند ویرانه ای از اقتصاد را تحویل گرفته و مدعی حل آن با کلید روحانی بودند. اما آنها ادامه همان سیاستهای اقتصادی را پیش می برند. شاید هم آنقدر جرات ایستادن در مقابل معترضان را ندارند و همه بلایا را به گردن دولت قبلی می اندازند. دوم، این که وزیر روحانی تایید می کند که در شکل گیری این لایحه، تشکلهای دست ساز خودشان هم نقشی نداشته اند، پس چه کسانی این لایحه را تنظیم کرده اند که حالا امضای رئیس دولت ولی فقیه بر آن نقش بسته است. عجب معمایی!

تدوین قانون کار فعلی بدون مشارکت نمایندگان کارگران و در شرایطی غیر دموکراتیک در سالهای پایانی جنگ صورت گرفت و در سال ۱۳۶۹ از تصویب مجلس تشخیص مصلحت گذشت. در این قانون موارد فراوان وجود دارد که با حقوق اولیه نیروی کار که از جانب سازمان بین المللی کار به رسمیت شناخته شده و حکومت ایران هم به آن متعهد است، در تناقض است. در قانون فعلی حتی کنوانسیونهای بین المللی کار در مورد نیروی کار اجرا نمی شود. در همین قانون ضد کارگری از سال ۱۳۶۹ تا کنون بنا به شرایط به ضرر کارگران تغییراتی داده شده است. به عنوان مثال، خارج کردن کارگاههای زیر ۵ کارکن و بعد از آن زیر ۱۰ کارکن از شمول قانون کار. مواردی از قانون موجود که به حقوق کارگران مربوط می شود رعایت نشده است مانند رعایت سه حانبه گرای در تصمیم گیریهای مربوط به نیروی کار و تعیین حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم.

یک جراحی بزرگ اقتصادی که حرف آن از دوران رفسنجانی آغاز شده بود و توسط گماشته خامنه ای به اجرا گذاشته شد، حذف سوبسیدها از روی کالاهای اساسی است. طرح احمدی نژاد عمل به توصیه های صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی تجارت بود. طرح فوق ضربه ای اساسی به سطح زندگی و وضعیت معاش نیروی کار وارد کرد و خیل بیشتری از نیروی کار را به زیر خط فقر کشانید. در دوران احمدی نژاد تغییر قانون کار مطرح شد. اکنون لایحه تغییر قانون کار پیشنهادی دولت روحانی به مجلس، ادامه همان جراحی اقتصادی، به ضرر نیروی کار و به نفع سرمایه داران، همراه با ارزان سازی نیروی کار است. لایحه پیشنهادی دولت روحانی مانند همه سیاستهای اقتصادی رژیم، همچنان در ادامه اجرای اوامر صندوق بین المللی پول و برای نزدیک شدن به سازمان تجارت جهانی است.

ویژگی تغییرات در قوانین در جمهوری اسلامی این است که هیچگاه به سمت پیشرفت و ترقی اصلاح نمی پذیرد، بلکه همواره تغییرات به سمت عقب بردن

شرایط است. بر همین منظر بخش زیادی از مبارزه نیروی کار برای حفظ وضعیت موجود صرف می شود تا تغییر شرایط به سمت زندگی و معیشت عادلانه تر. تغییرات پیشنهادی دولت روحانی هم نه تغییر به سمت عادلانه تر کردن روابط کار و سرمایه بلکه بورس به وضع موجود و حذف تکه پاره هایی از قانون که حقوق کارگران را در بر می گیرد است. هر گونه تغییراتی که در قانون کار که سرنوشت میلیونها انسان را رقم می زند باید کارشناسانه و با حضور نمایندگان واقعی کارگران صورت گیرد. مخالفتهای گسترده ای که نسبت به لایحه دولت روحانی تا کنون شده، نشان می دهد که در بازنویسی قانون کار حتما نظر نمایندگان شوراهای اسلامی کار، که یک تشکل دولتی و ساخته رژیم است هم مورد توجه قرار نگرفته است.



کدام تغییرات

موارد پایه ای که قرار است در قانون کار تغییر پذیرد و یا مواردی که به آن اضافه و یا جا به جا شود بر محورهایی زیر قرار دارد.

یکی از تغییرات کلیدی کمزنگ کردن و یا حذف نقش سازمان تامین اجتماعی در زندگی کارگران و مزدبگیران است.

سازمان تامین اجتماعی که با پول کارگران جهت بیمه آنها شکل گرفته و تا کنون لقمه ای شیرین برای کلان دزدان حکومتی بوده است، ماجرای پرونده سعید مرتضوی در رابطه با دزدیهایش در صندوق تامین اجتماعی و پرداخت پول توسط وی به تعدادی از مجلس نشینان بر همگان روشن است. البته حمایت سفت و سخت احمدی نژاد از مرتضوی و حمایت خامنه ای از احمدی نژاد جایگاه تامین اجتماعی به عنوان منبعی قابل چپاول را روشن می کند.

در لایحه پیشنهادی حسن روحانی، در تبصره ماده ۲۲، نقش سازمان تامین اجتماعی در پرداخت حق بیمه به کارگران در صورت بیکاری، بازنشستگی و فوت و ...، حذف و به جای آن «صندوق بیمه ای ذی ربط» گنجانیده شده است. این یکی از موارد اعتراض فعالان نیروی کار است. البته صندوق بیمه ای ذی ربط هم مشخص نشده که چه نهادی است؟ اگر این نهاد سازمان تامین اجتماعی نباشد پس نهادهای خصوصی خواهد بود.

مورد دیگر، چگونگی خاتمه دادن به قرارداد نیروی کار است. مواردی که در قانون فعلی به عنوان محاسبه و پرداخت حق سنوات در ازای سالهای کار وجود دارد به ضرر کارگران تغییر خواهد کرد. بر اساس لایحه فوق، اخراج کارگران و یا فسخ قراردادهای کار آسانتر خواهد شد. حل اختلاف بین نیروی کار و کارفرمایان به کمیته های انضباطی سپرده خواهد شد. این بدان معنی است که در این موضوع مشارکت نهادهای دست ساز خودشان را هم کنار گذاشته و موضوع اعتراض نیروی کار کاملاً امنیتی خواهند کرد. با بهانه امنیتی، حرکتیهای اعتراضی و صنفی کارگران بیشتر سرکوب خواهد شد.

یکی از تبصره های گنجانده شده در لایحه تغییر قانون کار، در مورد سرنوشت فعالان کارگری زندانی است. این تبصره تهدیدی جدی برای جلوگیری از پیشرفت جنبش کارگری در مبارزه خود برای خواسته هایش است.

تبصره فوق در ماده ۱۷ چنین آمده است:

چنانچه توقیف کارگر منجر به مجازات سه ماه حبس یا بیشتر شود، کارفرما می تواند قرارداد کار کارگر را با پرداخت حق سنوات به ازای هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق، فسخ نماید.

این تبصره کارگران را در صورت شرکت در حرکتیهای اعتراضی و صنفی به بیکاری و از دست دادن مزایای سابقه کاری شان تهدید می کند.

جوهر تغییرات

اگر این لایحه به سرانجام رسد، نتایج زیر برای نیروی کار حاصل می شود:

آسان کردن فسخ قراردادهای کاری،

سهولت در اخراج کارگران،

کمزنگ کردن نقش سازمان تامین اجتماعی در بیمه کارگران،

کاهش حق سنوات پس از فسخ قرارداد کاری و یا اخراج،

برجسته کردن نقش کمیته های انضباطی و سرکوب بیشتر کارگران،

کمزنگ کردن برخورداری از حداقل دستمزد تعیین شده بر اساس نرخ تورم و ربط دادن دستمزد با شرایط اقتصادی،

این تغییرات در راستای همان سیاست اقتصاد مقاومتی اعلام شده از طرف ولی فقیه است. علت اساسی بحران اقتصادی، قوانین موجود کار نیست که راهبردهای برطرف کردن آن از تغییر در آن به وجود آید. این تغییرات درجه استثمار و چپاولگری را شدت خواهد بخشید، اما امنیت سرمایه در دیکتاتوری ولایت فقیه را تضمین نخواهد کرد. همانگونه که راهگشایی برای جذب سرمایه های خارجی آنگونه که پاپوران رژیم انتظار دارند نخواهد شد. گام مقدم برای غلبه بر بحران اقتصادی یک امر سیاسی است و آن تغییر رژیم ولایت فقیه به یک نظام دموکراتیک و لائیک است.

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۴۴) چپ اردوگاهی و انقلاب سوریه

لیلا جدیدی

این روزها جریانی در چپ به دلیل ناتوانی از فهم صحیح امپریالیسم و ضد امپریالیسم دچار نوعی سرگیجه سیاسی - ایدئولوژیکی شده است. برای نمونه هرکس ادعای مخالفت با امپریالیسم آمریکا را داشته باشد، بی درنگ دوست به شمار می آید. آنها از رژیمهای روسیه و چین و حتی رژیمهای دیکتاتوری چون سوریه و ایران با این توجیه که ضد امپریالیسم آمریکا هستند، دفاع می کنند.

"اشلی سمیت" که عضو "سازمان بین المللی سوسیالیست" و عضو هیات تحریریه نشریه "سوسیالیست رویو" است و همچنین برای "کارگران سوسیالیست" و برخی دیگر از نشریات مقاله می نویسد، در کنفرانس سوسیالیسم بین المللی ۲۰۱۶ که همه ساله در ماه ژوئیه در شیکاگو برگزار می شود، پیرامون مواضع چپ جهانی و انقلاب سوریه سخنرانی کرد. ما، فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در این کنفرانس حضور داشتیم، سخنرانی وی با عنوان "دشمن دشمن من: امپریالیسم و ضد امپریالیسم" را برای انتشار در سطح چپ ایران مفید دانسته که بخشهایی از آن را در زیر می خوانید. اشلی سمیت در سخنان خود بدین امر اشاره کرد که انقلاب سوریه پرشی صریح و روشن در برابر چپ جهانی قرار داده است مبنی بر آنکه در کدام طرف قرار

گرفته اید؟ آیا از مبارزه مردم علیه یک دیکتاتوری و برای دموکراسی حمایت می کنید یا پشتیبان رژیم بی رحم اسد، روسیه حامی امپریالیستی او و متفق منطقه ای اش ایران و نمایندگانش مانند حزب الله لبنان هستید؟ وی افزود، این یک تراژدی بیش نیست که بسیاری در این آزمون رد شده اند.

او در ادامه گفت: "از همان آغاز و حتی پیش از ظهور داعش، بخش وسیعی از چپ، مخالف قیام علیه دیکتاتوری اسد بود که در سال ۲۰۱۱ همراه با بهار عربی آغاز شده بود. از همان آغاز آنها چشم خود را بر کشتار و قتل عام هزاران شهروند سوری می بستند. رژیم اسد از بمباران تا کاربرد سلاح شیمیایی و محاصره وحشیانه شهرها مانند "حلب" را ادامه می داد. امروز افزون بر صدها هزار نفر که جان خود را از دست داده اند، ۱۱ میلیون نفر که نیمی از جمعیت سوریه را تشکیل می دهند نیز آواره شده اند. رژیم اسد مسوول این کشتار و ویرانی است.

آمریکا همواره به دنبال راه حلی بوده که شامل کنار گذاشتن اسد باشد، اما اساس و پایه رژیم او و مهره های اصلی آن را حفظ کند و همزمان به طور ترجیحی اشخاصی از اپوزیسیون که مورد اعتماد و هوادار واشنگتن هستند را نیز در بر گیرد. دولت اوباما مایل است با یافتن چهره هایی در میان مخالفان، نمای جدیدی برای دیکتاتوری در سوریه بسازد. ایالات متحده اگرچه به مبارزان مقدار محدودی کمک رساند، ولی حاضر نشد سلاحهای سنگین و موثری که آنان نیاز داشتند را در اختیارشان قرار دهد. امروز نیز اوباما در عمل با روسیه اتحادی علیه داعش تشکیل داده که در پیامد آن بشار اسد، چهره مورد تنفر مردم سوریه، بر جای باقی می ماند، در حالی که کسانی که برای عدالت و دموکراسی بپا خواسته اند، همچنان قربانی خشونتها خواهند بود."

اشلی سمیت در جای دیگر از مواضع برخی از نیروهای چپ انتقاد کرد و متذکر شد که گروههای استالینیستی

نه به خاطر مرزبندی با خود امپریالیسم آمریکا، بلکه به دلیل قرار داشتن در داخل مرزهای "اردوگاه سوسیالیسم"! اینان همانها هستند که حامی روسیه در تخریب انقلابهای مجارستان در سال ۱۹۵۶، چکسلواکی در بهار پراگ ۱۹۶۸، همبستگی لهستان در ۱۹۸۱ و ماو در چین هستند، هنگامی که کارگران و دهقانان را سرکوب می کرد، تبت را به اشغال درآورده و مردم اش را تحت ستم قرار می داد. آنها از مستبدهای فاسدی مانند "رابرت موگابه" در زیمبابوه به عنوان ضد امپریالیست دفاع می کردند، با وجود آنکه او مخالفان خود را به شدت سرکوب می کرد.

حتی امروزه که بیشتر دولتهای یاد شده به تصرف اردوی سرمایه داری درآمده اند، این نوع چپ از آنها حمایت می کند و آنها را ضد امپریالیسم می خواند، زیرا با ایالات متحده مخالفند. آنها با این منطقی انحرافی که "دشمن دشمن من، دوست من است"، مبارزات و خیزشهای مردمی را رد می کنند و اینگونه داستان سربازی می کنند که این مبارزات را امپریالیسم رهبری می کند.

اشلی سمیت این نوع رویکرد را قرار گرفتن در "اردوگاه" خواند و طرفداران آنها را "اردوگاهی" توصیف کرد و افزود: "تفکر اردوگاهی موجب پراکندگی چپ در حمایت از جنبشهای توده ای شده است. برای نمونه، اینان از جنبش سبز در ایران به این بهانه که کار آمریکا است که قصد برکناری محمود احمدی نژاد از قدرت را دارد، حمایت نکردند. چپهای اردوگاهی در برابر "بهار عرب" نیز رویکرد بسیار نادرستی را پیش گرفتند. نخست آنها در سال ۲۰۱۱ به دفاع از جنبشهای دموکراسی خواهانه در مصر و تونس برخاستند، چرا؟ زیرا رژیمهای حاکم بر این دو کشور دوست و متحد ایالات متحده بودند. اما همانها با جنبش دموکراسی خواهی در لیبی و سوریه به مخالفت برخاستند. این درحالی بود که این جنبشها هم مانند تونس و مصر سرچشمه مشترک اقتصادی و سیاسی داشتند. آنها به دفاع از قذافی و اسد پرداختند، زیرا می توانستند آنها را "ضد امپریالیسم" بخوانند. اما در واقع رژیمهای سوریه و لیبی از دوستان امپریالیستهای غربی بودند که تنها گهگاه علیه هم دسیسه می چیدند.

گذشته از قذافی و خوش خدمتی وی به اروپا، در سوریه نیز پدر بشار اسد، حافظ اسد، جزو نخستین پیوستگان به "اتحاد ملتها" به رهبری آمریکا بود که در سال ۱۹۹۱ یک جنگ ویرانگر را علیه صدام حسین در عراق پیش برد. سپس بشار اسد فرصت یافت تا با بوش در "جنگ علیه ترور" همدست شود. حتی سالها بعد از ۲۰۰۱، اسیران جنگی مخفیانه به زندانهای سوریه منتقل می شدند تا برای کسب اطلاعات شکنجه شوند و سپس به دست آمریکا سپرده شوند. توصیف هیلری کلینتون از بشار اسد گویای کاراکتر رژیم او نیز هست. کلینتون اسد را "اصلاح طلب" یا "رفورمیست" می خواند که ارزش برقراری ارتباط را دارد.

رویکرد چپ اردوگاهی تا حدودی به دلیل تحلیل نادرست آنها از ساختار نظم کنونی جهان و جایگاه آمریکا در آن است. آنها جهان را تک قطبی تصور می کنند و آمریکا را قطب مسلطی می دانند که دارای چنان قدرتی است که تمام جهان و رویدادهای جهانی را هدایت می کند.

آری، آمریکا قدرت غالب امپریالیستی جهان است، اما در نتیجه شکست در عراق و فاکتورهای دیگر این قدرت ضربه خورده است. در حال حاضر واشنگتن در سطح جهانی با چالش رقبای امپریالیستی خود مانند چین و روسیه روبرو است. در نظم امپریالیستی کنونی، آمریکا قدرت کمی برای کنترل جهان دارد.

بقیه در صفحه ۶

مانند "حزب کارگران جهان"، "حزب سوسیالیسم و آزادی" و "سازمان سوسیالیستی راه آزادی" هرگز در حمایت از این یا آن رژیم دیکتاتوری یا مستبد کوتاهی نکرده اند و همواره در توجیه این همشینی، مخالفت آنها با ایالات متحده آمریکا را موعظه کرده اند؛ فرقی هم نداشته تا چه میزان آن رژیمها سرکوبگر و ارتجاعی بوده اند.

اشلی سمیت گفت: "افزون بر این دسته از سازمانها و احزاب، برخی از روزنامه نگاران نیز انقلاب ضد دیکتاتوری مردم سوریه را اختلاف ژئوپولیتیکی منطقه ای بین آمریکا و طرفدارانش در یک سمت و روسیه و اسد و ایران در سمت دیگر توصیف می کنند."

وی یادآور شد: "حتی سازمانهای ضد جنگ مانند "اتحاد جنگ را متوقف کنید" در بریتانیا به طرفداری از اسد پرداخته اند و یک پلاتفرم به متحدهای دیکتاتور داده اند اما طرفداران انقلاب را از همان محروم کرده اند. در آمریکا نیز ائتلاف اتحاد ملی ضد جنگ (UNAC) تظاهراتی به راه انداخت که در آن پرچم رژیم اسد را حمل می کردند. برخی از تظاهرکنندگان حتی تی شرتهایی که چهره بشار اسد بر آن نقش بسته بود، بر تن داشتند. "شورای حزب کمونیست آمریکا" حتی نمایندگانی برای ملاقات با اسد و



مزدوران وی به سوریه فرستاد. آنها سمپاتی خود به اسد را اینگونه توضیح می دهند که وی مخالف امپریالیسم آمریکا است و بنیادگرای آمریکایی تلاش می کند حکومت سوریه را سرنگون کند. آنها ادعا می کنند "اکثریت جامعه سوریه از دولت سکولار اسد حمایت می کند". این کاملاً تحریف واقعیت است و وظیفه ای جز ارایه توجیه برای قرار گرفتن در کنار دیکتاتور اسد، ضد انقلاب سوریه و مداخله گران امپریالیستی ندارد. این اسدپرستان، نیروهای چپ را در چشم مردم سوریه که قهرمانان در کنار انقلاب ایستاده و مبارزه کرده اند، بی اعتبار می کنند.

چپ راستین جهانی باید در کنار مقاومت علیه اسد قرار گیرد؛ علیه تهاجم به خلق سوریه از هر نوع، هم آمریکایی، هم روسی و هم قدرتهای منطقه ای جبهه بندی کند."

به راستی مخالفان امپریالیسم آمریکا چگونه کارشان به اینجا کشید که از بشار اسد حمایت کنند؛ دیکتاتوری که پیشتر با آمریکا در کمین امپریالیستی "جنگ علیه ترور" و برنامه های سازمان سیا در این راستا همدست بوده است؟

در پاسخ به این سوال، اشلی سمیت می گوید: "پاسخ به دوران استالین برمی گردد. این دسته از چپها، حامیان استالین در روسیه و ماو در چین در دوران جنگ سرد هستند. آنها از دولتهای دیکتاتوری و سرمایه داری دولتی مخالف آمریکا حمایت می کردند،

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۴۴)

بقیه از صفحه ۵

چپ اردوگاهی در این تصور نادرست است که سرخ جنبش در سوریه در دست آمریکا است و به طور مضحکی حتی مدعی می شود که آمریکا از داعش حمایت می کند. جالب است که در این ادعا آنها با دونالد ترامپ که تبلیغ می کند اواما و کلینتون بنیان گذار داعش هستند، همسو می شوند.

همه اینها به کنار، چنین استدلالی نمایش متکبرانہ ای است که شباهت زیادی به برخورد ابواب جمعی امپریالیستها دارد که مردم سرکوب شده ای که برای آزادی به پا خواسته اند را تحقیر می کنند.

وی در باره سیاست کنونی آمریکا تاکید کرد: "در واقع آمریکا پس از شکست در جنگ و اشغال عراق از استراتژی "تغییر رژیم" خود در خاورمیانه عقب نشینی کرده است. اولویت اصلی امپریالیسم آمریکا که اواما آنرا هدایت می کند، یافتن آلترناتیوهای است که هم پیمان با او باشند و از بی ثبات کردن رژیمها و هرج و مرج در هراس است."

اشلی سمیت معتقد است که چپ اردوگاهی همچنان در فضای گذشته در جا می زند و آنها به دنبال شواهدی می گردند که نشان دهند آمریکا سیاست تغییر رژیم را تعقیب می کند، در حالی که چنین چیزی نیست. برای مثال کافی ست به واکنش امپریالیسم آمریکا در بهار عرب بعد از اولین موجهای اعتراض نگاهی انداخته شود.

سمیت می گوید: "به هر جهت، در سوریه هدف آمریکا روشن است و مدتهاست که مشخص شده است. واشنگتن "تغییر رژیم" نمی خواهد. شاید چهره مغرور اسد کنار گذاشته شود، اما سیاست از ابتدا این بوده که هسته اصلی آن باقی بماند. چرا؟ برای اینکه آمریکا از نتیجه غیر قابل پیش بینی آن در شکل انقلاب مردمی یا پیشروی داعش هراس دارد

هرکس پیرامون ماهیت انقلاب مردمی سوریه تردید دارد، باید کتاب "رابین یاسر کسب" و "لیلا الشامی" را با نام "کشوری که می سوزد" و یا یک ویرایش کوتاه تر آن در اینترنت از مقاله "مارک بوتروید" به نام "سازماندهی مردمی در انقلاب سوریه" را بخواند تا متوجه شود این جنبشی از پایین است که امپریالیسم همیشه از آن در هراس بوده است.

انقلاب سوریه در روزهای نخست مسالمت آمیز و توده ای بود. اما رفتار وحشیانه، سرکوبگرانه و خشونت آمیز رژیم میلیتاریزه اسد، مردم را به دفاع از خود واداشت. آمریکا اگرچه کمکهای کرد، اما از فرستادن سلاح سنگین و سیستم ضد بمباران هوایی که می توانست به نیروهای دمکراتیک و سکولار توان مبارزه را بدهد، خودداری کرد. بدین طریق میدان برای نیروهای ارتجاعی باز شد.

اسد هم از فرصت استفاده کرد و صدها تن جهادی را از زندانها آزاد کرد. او همزمان رهبران جنبش را دستگیر و شکنجه می کرد. اسد به درستی می دانست که مرتجعان می توانند مانع انقلاب مردم باشند و در انتها آنها مخالفان آسان تری برای او خواهند بود.

امروز هم واشنگتن می خواهد داعش را نابود کرده و به توافقی در سوریه دست یابد که اصل رژیم در قدرت بماند. در کمپ آمریکا قدرتهای منطقه ای عربستان سعودی، قطر و ترکیه سعی کرده اند حتی فراتر بروند. آنها خود برخی از جهادپها را پشتیبانی می کنند تا نقش خویش را در منطقه در برابر اسد، ایران و همچنین کردها تقویت کنند.

اما سوی دیگر رقابتهای جهانی، روسیه است که به شدت پس از پایان جنگ سرد تضعیف شده است و اکنون آرزوی به دست آوردن قدرت امپریالیستی خود



هیلازی کلینتون اقدامات مختصری را در نظر دارد، اما او هم به روشنی از تمایلات و آرزوهای پایه ای مردم سوریه حمایت نمی کند، او نیز سیاست اواما یعنی کنار گذاشتن اسد با حفظ سیستم حکومتی او را در برنامه دارد.

هرکس که در همبستگی با مردم سوریه است، نمی تواند با اینان همسو باشد. چپ جهانی باید امپریالیسم را در هر شکل و شمایل که شامل روسیه نیز می شود، رد کند.

چپ در سیاست بین المللی خود به جای اینکه به فکر اردوگاه قدرتهای امپریالیستی و یا دیکتاتورها باشد، باید خط و برنامه خود را همواره با مبارزات کارگران و زحمتکشان فراسوی مرزها تنظیم کند و به دفاع از منتهای تحت ستم و مبارزات آنان برخیزد.

انقلاب سوریه در حال حاضر درد و رنج یک شکست را در سینه دارد. این در حالیست که جامعه مدنی این کشور همچنان و به هر روش ممکن برای رسیدن به هدف اصلی تلاش می کند. آنها از دو سو زیر تهاجم قرار دارند: از یکطرف ضد انقلاب



در شکل رژیم اسد و متحدان جهانی آن و از طرف دیگر داعش که از همان نخست مایل بود بیشتر آنها را هدف قرار دهد تا رژیم اسد را.

وظیفه چپ جهانی امروز این است که به اعتراض علیه دخالت و تهاجم همه امپریالیستها و قدرتهای منطقه ای برخیزد، استبداد رژیم اسد را رد کند و خواستار باز شدن مرزها به روی کسانی که از خشونت و مرگ گریخته اند، باشد. چپ باید همدست و مدافع انقلابیون سوریه باشد، تفکر اردوگاهی را کنار گذاشته و همبسته با جنبشهای از پایین باشد.

را در سر می پروراند. روسیه برای پیشبرد این هدف می خواهد آمریکا را از میدان بیرون براند و همزمان پایگاهی برای خود در سوریه داشته باشد. در این میان نقش رژیم ایران نیز هست که می خواهد از سرنگونی اسد جلوگیری کند، زیرا نگران از دست دادن یک متفق مفید در منطقه است. اسد مشتاق و فعال در بازی گرفتن همه آنها، از این متحدان جهت ادامه دیکتاتوری خود سود می برد.

این واقعیت عینی که بازیگران مزبور آشکارا منافع و اهداف متفاوتی را تعقیب می کنند، در تضاد با تحلیل پوشالی و ناقص چپ اردوگاهی قرار می گیرد. برای نمونه، روسیه، آمریکا و اسد با هم در جنگ علیه داعش همکاری می کنند. همزمان، جان کری یک اقدام مشترک عملی را با روسیه را پی می گیرد تا به حفظ نظام فعلی بیانجامد. به هر جهت مداخله نظامی روسیه و ایران در سوریه به آن اندازه موفقیت آمیز بوده که اسد ممکن است بتواند موضوع کنار گذاشتن خودش را هم منتفی کند. بعلاوه، دستکم بخشی از دست اندرکاران در سیاست خارجی آمریکا خواهان بر جا ماندن اسد هستند. همین امر به تنهایی چپ اردوگاهی و ادعای ضدامپریالیستی آنها را با شرایط متناقض و سرکبیجه آوری روبرو می سازد.

اشلی سمیت افزود؛ متأسفانه چپ اردوگاهی، حتی آنها که از دیدگاه های استالینیستی کنار گرفته اند مانند "حزب کارگران جهان" هم مواضع شان در مورد سوریه به همین منوال است. نتیجه آنکه بسیاری از انقلابیون سوری و فعالان مدافع آنها به درستی از رویکرد چپ نسبت به انقلاب خود خشمگین هستند.

وی در خاتمه به رویکرد برخی از کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا نسبت به انقلاب سوریه پرداخت و گفت: "کاندیدای حزب سبز در آمریکا، "جیل ستاین" و به ویژه کاندیدای معاونت وی، "جمو باراکا"، اگر چه هر دو به درستی با دخالت آمریکا در سوریه مخالفت می کنند، اما هیچ سخن یا انتقادی به اسد و جنگ او علیه مردم سوریه به زبان نمی آورند؛ بدتر اینکه معاون جیل ستاین در تلویزیون روسی ظاهر شده و در مورد مخالفت خود با نقش آمریکا در سوریه صحبت می کند و درباره پوتین و اسد کاملا سکوت اختیار می کند. این دو در موضوعات مربوط به حقوق بشر و جنگ و غیره دیدگاههای مترقی و حتی سوسیالیستی دارند، اما در رویکرد خود نسبت به سوریه نتوانستند در طرف مردم قرار گیرند.

دیگر نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا هم مواضع یکسانی نسبت به سوریه دارند. دونالد ترامپ از اسد حمایت می کند زیرا "نسبت به داعش بهتر است" و

گفته می شود که نبخشیدن موجب تداوم چرخه خشونت و انتقام گیری کور می شود. به گمانم عکس این ادعا حقیقت دارد. روشن نشدن ابعاد جنایت، مشخص نشدن آمران و عاملان آن و محکوم نشدن اصل جنایت و دست اندرکاران آن است که موجب بازتولید خشونت می شود. ما که نمی بخشیم، طرفدار انتقام نبوده و با مجازات اعدام در مورد همین جنایتکاران نیز مخالفیم و خواستار محاکمه عادلانه



جنایتکاران در دادگاهی ذی صلاح، با حق داشتن وکیل و با حضور هیات منصفه و حضور همه نهادهای زیربند بین المللی و البته حضور خانواده های قربانیان و شاهدان جنایت هستیم. نکته دوم استناد به آفریقای جنوبی پس از سرنگونی رژیم آپارتاید است. واقعیت این است که در آفریقای جنوبی ابتدا کمیته تحقیق تشکیل شد و پس از روشن شدن ابعاد جنایت و همکاری جنایتکاران با کمیته حقیقت یاب و محکوم شدن اصل جنایت، برای مجرمان تخفیف قابل شدند.

در پایان به عنوان کسی که بسیاری از رفقا و آشنایانم را در این

فراموش نمی کنیم و نمی بخشیم

متن سخنرانی مهدی سامع در سمینار نمایندگان جوامع ایرانی در پاریس

شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ - ۳ سپتامبر ۲۰۱۶

خانمها، آقایان، سلام و درود بر شما تشکر می کنم از برگزار کنندگان این سمینار که به من فرصت دادند تا نظراتم را مطرح کنم و به خصوص تشکر می کنم از خانم رجوی که با تلاش پیگیر و با ابتکارات گوناگون نقض ممتد حقوق بشر در ایران تحت ولایت خمینی و خامنه ای را افشا و برای دادخواهی فعالیت شبانه روزی می کنند.

اجازه دهید قبل از هر حرفی ادای احترام کنم به همه شهدای راه آزادی و به ویژه به سربه داران تابستان ۱۳۶۷ و همدردی و همبستگی خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را با خانواده شهدا اعلام کنم واقعیت این است که ابعاد جنایتهای رژیم حاکم بر ایران آن چنان زیاد است که اگر این سمینار یک ماه هم به طور روزمره ادامه داشته باشد، نمی توان همه آن چه بر مردم گذشته و اکنون هم می گذرد را تشریح کرد. من در این فرصت کوتاه فقط در مورد یک مساله مربوط به قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ می پردازم.

ما بارها گفته ایم و تکرار می کنیم که نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم تردیدی نیست که جنایتی در ابعاد آن چه در آن تابستان خونین اتفاق افتاد هرگز فراموش نخواهد شد. انتشار هزاران اسم، سند، کتاب، شهادت شاهدان و بالاخره انتشار فایل صوتی صحبتهای اعتراضی آقای منتظری، جانسین ولی فقیه در آن زمان با هیات مامور به قتل عام، جایی برای فراموشی باقی نمی گذارد.

اما چرا نمی بخشیم؟

در تابستان سال ۱۳۶۷ خورشیدی چند ده هزار تن از زندانیان سیاسی به دستور خمینی به قتل می رسند. آقای رضا ملک که در زمان کشتار در وزارت اطلاعات مسئولیت داشته، تعداد قربانیان را ۳۳ هزار و ۷۰۰ تن اعلام می کند. هرچند ابعاد جنایت از نظر تعداد هنوز به طور کامل مشخص نشده، اما اگر مینا را بر همین رقم تکان دهنده بگذاریم، عمق بربریت برجسته می شود.

علاوه بر وابستگی به سازمان مجاهدین خلق که اکثریت قربانیان را شامل می شود، چند هزار تن از سازمانهای کمونیستی به شمول سازمان چریکهای فدایی خلق و سایر جریانهای چپ، از جریانهای سیاسی فعال در کردستان و فعالان سیاسی سایر ملیتهای ساکن ایران در آن کشتار به قتل رسیده اند.

کسانی که به قتل رسیدن هیچ عمل مجرمانه جدید بر طبق قوانین حکومت انجام نداده بودند. از آنان در مورد عقایدشان سوال می شد و برای مثال پرسیده می شد که آیا سازمان خود را قبول داری و یا هنوز بر افکار خود پایبند هستی؟

بنابراین این کشتار یادآور دو جنایت تاریخی است کشتار در اردوگاههای مرگ در زمان هیتلر و بیدادگاههای تفتیش عقاید در قرون وسطی

به همان گونه که در قرون وسطا ژبو دارنو برنو به خاطر عقایدش بر تلی از آتش سوزانده شده، در نهمین دهه از قرن بیستم، هزاران زن و مرد به طناب دار سپرده شدند. این جنایت یک ظلم در مورد قربانیان، خانواده و بستگان آنان، سازمانهای سیاسی مربوطه و مهمتر از همه در حق جامعه است. بنابراین شاکیان علاوه بر خانواده ها و وابستگان قربانیان، جامعه مدنی نیز هست و تا وقتی ابعاد ظلم روشن نشده و آمران و عاملان آن محاکمه



کشتار ددمنشانه از دست داده ام از همه دولتهای طرفدار رعایت حقوق بشر و از نهادهای جهانی مدافع حقوق بشر و به ویژه از آقای بانکی مون دبیرکل ملل متحد می خواهم که به رژیم ایران برای روشن شدن دو نکته اولیه که کف خواسته همه وابستگان به قربانیان است فشار لازم وارد کنند. اول اعلام نام همه کشته شدگان دوم محلی که آنان به خاک سپرده شدند. سپاسگزارم که به من گوش کردید.

نشوند، جامعه نمی تواند آرامش و تعادل پیدا کند. تصمیم به میزان مجازات و یا بخشش و یا تخفیف مجازات پس از تشکیل دادگاه و محکومیت اصل جنایت و مشخص شدن ابعاد آن، در صلاحیت دادگاه ذی صلاح و درخواست تمام شاکیان است.

اجازه دهید به دو موضوع که عواملی از حکومت ایران و برخی از نا آگاهان برای لاپوشانی ابعاد جنایت مطرح می کنند پردازم.

کارورزان سلامت

امید برهانی

محمد شریفی مقدم با اشاره به صحبت‌های دادستان در مورد بررسی وضعیت حجاب پرستاران اظهار داشت: "حدود چند ماه پیش یکی از رسانه‌ها پرداخت حق آرایش به پرستاران در برخی از بیمارستان‌های خصوصی را منتشر کرد که به دنبال آن پیگیریهایی توسط سازمان نظام پرستاری انجام شد و مشخص شد که صحت ندارد."

او ادامه داد: "سپس وزارت بهداشت و درمان هم آن را پیگیری کرد و متوجه شد که این رسانه مستنداتی در این باره نداشته است، اما چون این موضوع رسانه‌ای شد، به خاطر اهمیت موضوع در دستور کار دادستان تهران قرار گرفت."

شریفی مقدم با اشاره به صحبت‌های اخیر دادستان اعلام کرد: "آن طور که من از صحبت‌های آقای دولت آبادی متوجه شدم، مقرر شده تا تیمی از سوی وزارت بهداشت برای بازرسی پوشش و حجاب پرستاران به بیمارستانها اعزام شود."

قائم مقام سازمان نظام پرستاری کشور تاکید کرد: "پرستاران بیشترین توجه به پوشش را دارند و لباس فرم آنها کاملا مشخص است و نظارت شدیدی هم روی آنها می‌شود، اما اینکه چرا صحبت‌های دادستان این گونه منعکس شده، جای تعجب و تاسف دارد."

وی در پایان افزود: "از دادستان تقاضا داریم جهت شفافیت موضوع و برداشتهای نامناسب رسانه‌ای از صحبت‌های ایشان، صراحتاً اعلام نظر کنند تا نگرانیهای ایجاد شده در خانواده بزرگ پرستاری رفع شود."

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نظام پرستاری، غلامحسین محسنی اژه‌ای در خصوص اقدام زشت و توهین آمیز بررسی پوشش پرستاران با دستور دادستان تهران و واکنش جامعه پرستاری و عمومی به آن، این موضوع را به طور کل از سوی دادستان تکذیب کرد.

خواسته های پرستاری مکتوب به وزیر بهداشت ارایه شد

نظام پرستاری، ۹ شهریور - محمد شریفی مقدم اطلاع داد: "در جلسه‌ای که شورای عالی نظام پرستاری با وزیر بهداشت داشت، ۵ خواسته اصلی جامعه پرستاری کشور توجیه و تشریح شد و ضرورت و اهمیت آن توسط تعدادی از اعضای شورای عالی بیان شد. این خواسته‌ها مکتوب به وزیر بهداشت ارایه شد و عبارتند از:

- ۱- اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری
- ۲- اجرای کامل قانون ارتقا بهره وری و برخورداری مشمولان قانون از مزایای سخت و زیان آور بدون مشاغل
- ۳- توقف ابلاغ اجرای آیین نامه صلاحیت حرفه‌ای و تدوین آیین نامه جدید
- ۴- تدوین شرح وظایف جدید برای پرستاران، به ویژه تعیین تکلیف شرح وظایف کمک پرستار
- ۵- تشکیل کارگروه مشترک فنی مابین وزارت بهداشت و سازمان نظام پرستاری جهت همکاری بیشتر

شریفی مقدم تاکید کرد: "سازمان نظام پرستاری گزارش پیشرفت کار، موانع احتمالی، سرعت و کندی بالآخر روند کار را به طور مستمر به اطلاع جامعه شریف پرستاری خواهد رساند."

بقیه در صفحه ۹

پیوسته اند. همکاران ما در وزارت بهداشت و درمان که یک دوره لیسانس را گذرانده اند، درآمد خود را با جراح قلب یا مغز و اعصاب مقایسه می‌کنند.

این همکاران که اکثریت آنها هم زحمتکش هستند، بهتر است درآمد متخصصان داخلی، عفونی، اطفال، پزشکان عمومی و حتی جراحان عمومی را در نظر بگیرند. آنها برای گذراندن عمر با سنین بالا مجبور به انجام کشیک شب در درمانگاهها و بیمارستانها هستند. همکاران ما که کمپین تشکیل می‌دهند، بهتر است زن و شوهرهای پزشکی را مثال زنند که ازدواج کرده ولی قادر به اجاره کردن سرپناهی نیستند، به پزشکی نگاه کنند که بعد از سالها فعالیت قادر به تهیه جهیزیه برای دخترشان نیستند.

ما امیدواریم وسایل ارتباط جمعی در این راه سعی بیشتر کرده و زندگی اکثریت پزشکان خاموش را که به سختی امرار معاش می‌کنند، به تصویر کشند تا گروههایی که علیه جامعه پزشکی کمپین تشکیل می‌دهند، با دید بازتر و اندیشه بیشتر به این قشر زحمتکش و فرهیخته نگاه کنند."

تجمع اعتراضی درمانگران اعتیاد مقابل ستاد مبارزه با موادمخدر

جوان، ۸ شهریور - درمانگران اعتیاد در اعتراض به توزیع داروی «کسی کدون» و واگذاری نظارت بر مراکز درمانی به بخش خصوصی، در مقابل ساختمان ستاد مبارزه با موادمخدر تجمع کردند. حدود ۳۰۰ درمانگر اعتیاد بعد از آنکه در ۲ روز گذشته نامه‌ای با امضای ۴۴۰۰ پزشک درمانگر اعتیاد خطاب به رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر نوشتند، امروز مقابل ساختمان این ستاد تجمع کردند.

دستور بازرسی از پوشش و حجاب پرستاران و عقب نشینی از آن



نظام پرستاری، ۸ شهریور - قائم مقام سازمان نظام پرستاری کشور گفت: "متأسفانه رسانه‌ها به گونه‌ای موضوع بدحجابی پرستاران را مطرح کردند که گویی این گروه حجاب و پوشش را رعایت نمی‌کنند، در حالی که پرستاران مناسب‌ترین پوشش را دارند و سازمان نظام پرستاری به هر شکل ممکن از حیثیت پرستاری دفاع خواهد کرد."

شاید چالش‌های تازه تر میان جامعه پرستاری و دیوان سالاری وزارت بهداشت را بتوان کم‌رنگ کردن نقش سازمان نظام پرستاری در تایید صلاحیت حرفه‌ای پرستاران از سویی و واکنش این صنف و سازمان به دخالت نابجا و توهین آمیز دادستان قوه قضاییه رژیم به مساله "پرداخت حق آرایش!" از سوی بیمارستانهای خصوصی به پرستاران خود دانست؛ مساله‌ای که از ابتدا تنها شایعه‌ای در دهان بی صاحب مطبوعات حکومتی بود و با واکنش شدید پرستاران و خانه پرستار مواجه شد و شخص محسنی اژه‌ای، سخنگوی این قوه، مجبور به تکذیب آن شد.

تاثیر استرس شغلی پرستاران بر روابط حرفه‌ای و خانوادگی



نظام پزشکی، ۱ شهریور - معاون فنی، آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پرستاری کشور به بررسی رابطه بین فرسودگی شغلی پرستاران و هوش عاطفی پرداخت و گفت: "امروزه به دلیل پیچیدگی ارتباطات در محیط‌های کاری پرستاران، بروز انواع تعارضات، اختلافات و استرس‌های شغلی اجتناب ناپذیر است. چنانچه این اختلافات و استرسها به طور صحیح و علمی مدیریت و حل و فصل نشوند، می‌توانند زمینه ساز مشکلات، مسایل و حتی خشونت‌ها و ظلم‌هایی شوند. پرواضح است که بسیاری از تعارضات و استرسها به طور موثر و خلاقانه بدون مدیریت احساسات حل نخواهد شد."

دکتر ژاله عزتی افزود: "پیشنهاد می‌شود تمامی مراکز درمانی، دانشگاهها، سازمانها، نهادهای آموزشی و... جهت کاهش فرسودگی شغلی پرستاران نسبت به برگزاری دوره‌های آموزش هوش عاطفی و راهکارهای تقویت آن مبادرت ورزند."

۹۰ درصد پزشکان چوب ۱۰ درصد را می‌خورند

روزنامه آرمان، ۱ شهریور - ایرج خسرونی، رییس انجمن متخصصان داخلی ایران نوشت: "متأسفانه در روزگاری که ما زندگی می‌کنیم، افراد و گروههایی وجود دارند که تیشه به ریشه جامعه پزشکی می‌زنند و از هر ناسزا و بدگویی علیه این قشر فرهیخته کوتاهی نمی‌کنند.

این افراد فقط درآمد محدودی از پزشکی را که ۱۰ درصد جامعه پزشکی را تشکیل می‌دهند در نظر می‌گیرند و ۹۰ درصد از پزشکان هم چوب این ۱۰ درصد را می‌خورند. این ناسزاگوییها تا آنجا پیشرفت کرده که همکاران پرستار و کارمندان دولت و حتی وزارت بهداشت و درمان هم به گروههای مخالف

کارورزان سلامت

بقیه از صفحه ۸

تجمع اعتراضی دانشجویان رشته تغذیه در برابر وزارت بهداشت

می‌شوند در حالیکه تخت خالی برای آنها نیست و پرستاران باید پاسخگوی این بی‌نظمی باشند." وی با اشاره به ساعات زیاد کار و شیفت پرستاران خاطر نشان می‌کند: "به دلیل کمبود نیرو پرستاران موظف به شیفت اجباری هستند که خستگی مفرط برای آنها ایجاد می‌کند."

یکی دیگر از پرستاران تصریح می‌کند: "بر اساس قانون بازنشستگی، پرستاران باید با ۲۰ سال کار بازنشسته شوند، که اخیراً بعضی پرستاران با سابقه ۲۸ ساله هم بازنشسته نشده‌اند." این پرستار در ادامه با

علیرضا گنج کوبان با بیان اینکه شیوه احراز صلاحیت حرفه ای هیچ استقلال حرفه‌ای برای پرستاران ندارد، گفت: "در بحث صلاحیت حرفه‌ای باید معاونت پرستاری، بورد پرستاری و سازمان نظام پرستاری دخالت داشته باشند در حالی که در آیین نامه جدید همه دیده شده‌اند، به جز سازمان نظام پرستاری!" وی با اشاره به تدوین آیین نامه جدید و ابلاغ آن به ادارات، آن را تمام قد دولتی دانست و گفت: "در این آیین نامه حتی عضویت در نظام پرستاری لحاظ نشده است. در صنف پزشکی جواز کار و پروانه مطب را سازمان صنفی مربوطه صادر می‌کند، در حالی که در صنف پرستاری چنین نیست."

گنج کوبان یادآور شد: "این آیین نامه بحث صلاحیت حرفه ای را برای فارغ‌التحصیلان ۹۴ به بعد ضروری دانسته و عنوان شده برای فارغ‌التحصیلان ماقبل آن، تا ۵ سال نیاز به اخذ صلاحیت حرفه ای نیست و ظاهراً اعتبار صلاحیتهای حرفه ای صادر شده تا ۵ سال تعیین شده است."

اضافه کار اجباری ۹۹ درصد پرستاران

فارس، چهارشنبه ۱۷ - دبیرکل خانه پرستار، با اشاره به نارضایتیهای پرستاران از تأخیر در پرداخت معوقات آنها، گفت: مشکلات پرستاران باید به صورت ریشه ای حل شود و به جای برخورد با پرستاران با مسوولان مربوطه برخورد کرد که مسبب این مشکلات هستند.

دبیرکل خانه پرستار با اشاره به اعتراض پرستاران در دانشگاه علوم پزشکی گیلان گفت: پرستاران این نارضایتی را که ناشی از تأخیر در پرداخت معوقات بوده به گوش مسوولان و رؤسای دانشگاه مربوطه رسانده‌اند ولی توجهی به آن نشده و این بی‌توجهیها اعتراض آنها را به همراه داشته است.

دبیرکل خانه پرستار با اشاره به اینکه بعد از اجرای طرح تحول کارانه و اضافه کار پرستاران بر اساس طرح مبتنی بر عملکرد به اجبار از یک محل پرداخت می‌شود، افزود: این مساله باعث شده که حتی پرستاران تا ۹ ماه معوقات داشته باشند و نارضایتی در آنها بروز کند.



اشاره با تصویب قانون بهره‌وری در سال ۸۶ ادامه می‌دهد: "قانون مشاغل سخت و زیان آور برای

پرستاران ساهماست تصویب شده، اما متأسفانه هنوز اجرایی نشده است."

استقلال پرستاران با دخالت‌های دولتی زیر سوال می‌رود

ایسنا، ۱۵ شهریور - گروهی از دانشجویان دانش‌آموختگان رشته تغذیه دانشگاههای علوم پزشکی کشور با تجمع در برابر وزارت بهداشت، نسبت به تصمیم این وزارتخانه مبنی بر امکان تحصیل دانشجویان رشته های غیرمرتبط در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی رشته تغذیه تجمع کردند. یکی از معترضان در تشریح علل تجمع اظهار کرد: "در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ تنها فارغ‌التحصیلان چند رشته که در برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد و دکتری تغذیه ذکر شده بود و با رشته تغذیه به نحوی ارتباط داشتند، می‌توانستند وارد رشته تغذیه شوند. اما به تدریج در سالهای بعد، رشته هایی که به هیچ وجه ارتباطی با رشته تغذیه نداشتند، به دلیل غفلت اعضای بورد تغذیه توانستند مجوز ورود به رشته تغذیه را بگیرند."

وی تأکید کرد: "شرکت کنندگان در این تجمع، لغو آیین نامه ورود بدون آزمون دانشجویان رشته پزشکی به رشته های علوم پایه و از جمله رشته علوم تغذیه، تغییر اعضای بورد تغذیه که با آیین نامه مذکور موافقت کرده‌اند و همین طور قرار گرفتن رشته تغذیه تحت پوشش بیمه را خواستار شدند."

در همین رابطه تجمع دیگری نیز در محل برگزاری کنگره تغذیه برگزار شد و برای مدتی روال عادی برنامه های این همایش را مختل کرد. در ماههای گذشته تشکلهای صنفی و علمی دست به شیوه ای نو از اعتراض زده‌اند و به جای مکاتبه و معرفی نماینده و ارایه خواسته‌ها به مسوولان مربوط، دست به برپایی تجمع و اعتصاب می‌زنند.

پای صحبت پرستاران اصفهانی

تسنیم، ۱۵ شهریور - یکی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که نخواست نامش عنوان شود می‌گوید: "تعداد بیمارانی که به بیمارستانها مراجعه می‌کنند، از میزان ظرفیت بیشتر است و متأسفانه پذیرش

مهر، ۱۷ شهریور - عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور با انتقاد از اینکه در موضوع صلاحیت حرفه‌ای فقط صنف پرستاران متفاوت تر از سایر صنوف رفتار می‌کند، اظهار کرد: "در همه صنوف پروانه صلاحیت حرفه ای را سازمان صنفی صادر می‌کند."



وی تصریح کرد: ۹۹ درصد پرستاران تمایل به انجام اضافه کار ندارند ولی به اجبار مجبور به این مساله می‌شوند و با این وجود حتی پرداختی اضافه کار به آنها بسیار با تأخیر صورت می‌گیرد به طوری که معوقه دی ماه سال ۹۴، را حتی برای کسانی که شیفت شب داشته هنوز پرداخت نکرده‌اند.

بورکینی اوج بی اعتنایی است

فیلسوف فرانسوی، بادانتر، "بورکینی" را یک اقدام تحریک آمیز می داند و می گوید باید پیه نامیده شدن به صفت "اسلام ستیز" را به تن مالید. در نبرد علیه اسلام گرایان او یک گروه معین را به اقدام فرا می خواند.

دی ولت

برگردان: بابک

با این حال رسانه های جهانی در برخورد به رسوایی بورکینی ابتدا به خشم آمدند و سپس فرانسه را به ریشخند گرفتند. آیا فرانسویها احساس می کنند بد فهمیده شده اند؟

فرانسه در حال حاضر در یک سوگ جمعی به سر می برد. از بیرون این مساله را نمی توان درک کرد. انگاشت لایبسیته ما هم با عدم تفاهم روبرو می شود، چون تاریخ ما را نمی شناسند. و یک دلیل دیگر هم برای منحصر به فرد بودن شرایط ما وجود دارد: در فرانسه بیش از ۵ میلیون مسلمان زندگی می کنند، این رقم ۱۰ درصد جمعیت را در برمی گیرد. برای سه دهه این مساله مشکل به حساب نمی آمد. مسلمانان آزاد بودند، می توانستند ماه رمضان روزه بگیرند یا نگیرند، دخترها دامن بر تن کنند یا خود را بپوشانند. از دو دهه پیش این وضعیت به پایان رسیده است.

شما یک مدافع دوآتشه لایبسیته هستید. امتیاز آن چیست؟ قدرت اجتماعی اش؟

لایبسیته موجب زیستن با یکدیگر و نه در اجتماعهای جدا در کنار یکدیگر می شود. پیش شرط این امر خویشتن داری معینی است؛ این اصل که مذهب نباید به گونه خودنمایانه به تماشا گذاشته شود. در فرانسه هر کس می تواند به آیینهای مذهب خود عمل کند، تا هنگامی که بر سر راه تقسیم ارزشها، سنتها و قوانین مشترک قرار نگرفته باشد.

شما می گوید باید شهامت شنیدن ناسزای اسلام ستیز را داشت. منظور تان از این حرف چیست؟

این که با این سووقصدها بی تفاوت نباید برخورد کرد. هنگامی که من از ارزشهای جمهوری دفاع می کنم، مساله ای نیست که اسلام ستیز خوانده شوم، به من برخورد نمی کند. ناسزای اسلام ستیز و اسلام هراس قوی ترین سلاحی است که اسلامگراها علیه دگراندیشان به کار می برند. این ناسزایی آزاردهنده و خلع سلاح کننده است و دهان هر کس را می بندد.

شما به گونه خستگی ناپذیر علیه خطر اسلام هشدار می دهید. آیا اسلام ستیز هستید؟

من علیه اسلام گرایان هشدار می دهم و از اسلام دفاع می کنم. این یک تفاوت بزرگ است. اما واژه ها همیشه دوپهلو هستند. من اسلام هراس نیستم و به اسلام مانند هر دین دیگری که آزادی وجدان را بپذیرد، احترام می گذارم.

بقیه در صفحه ۱۱

یک چنین موج ممنوعیتی فقط موجب شکافی ناگوار می شود. این تصویر مرا شوکه می کند. با این حال از این بیشتر شوکه می شوم که فردی در ساحل نیس، جایی که چند متر آن طرف تر ۸۶ نفر به قتل رسیده اند، با چنین لباسی ظاهر می شود.

آیا شما این عمل را اقدامی تحریک آمیز می دانید؟

این اوج بی ادبی و بی اعتنایی است. بورکینی یک لباس فرم اسلامی است که دیده شدن روز افزون آن اینجا در فرانسه تصادفی نیست. تا کنون هیچ کشوری در اروپا به آنچه که ما تجربه می کنیم، یعنی سووقصدهای پی در پی و وحشت ناب دچار نشده است. فرانسویها حالا، پس از یکسال و نیم، به گونه بدی دارند واکنش نشان می دهند. ممنوعیت بورکینی احمقانه است، اما این امر نشان می دهد که ما به پایان خط رسیده ایم؛ ما بیش از این نمی توانیم تحمل کنیم.

اولین قربانی سووقصد نیس، یک زن با پوشش اسلامی بود. آیا شما هم با تحریک آمیز خواندن حضور زن باحجاب در ساحل نیس سهمی در ایجاد شکاف در جامعه ایفا نمی کنید؟

چه کسی می خواهد بین ما شکاف ایجاد کند؟ اسلام گراها، نه من. مسلمانان فرانسوی مرتکب یک خطای بزرگ روانی و سیاسی می شوند. آنها بعد از سووقصد "شارلی ابدو" می گفتند کار ما نیست، به ما ربطی ندارد، به جای اینکه اعلام کنند به طور مشترک علیه ترور مبارزه می کنند. این نخستین شکست مسلمانان فرانسوی در این آزمون بود.

آنها در ۱۳ نوامبر، در برابر سووقصد به دیسکوتک "باتاکلان" و کافه ها که در بین قربانیان مسلمانان هم بودند، نخستین واکنش خود را نشان دادند که تردیدآمیز بود. این واکنش بعد از نیس قوی تر بود و به گونه واقعی تنها زمانی دیده شد که گلوی یک کشیش فرانسوی بریده شد.

آیا این نقطه عطف بود؟

کاملاً. یک خیزش جمهوری خواهی فرانسویهای مسلمان شکل گرفت. آنها دیگر فشار اسلام گرایان و جماعت اسلامی را نمی توانند تحمل کنند. من شاهد آن هستم که زنان مسلمان به گونه روزافزونی در اینترنت لب به سخن باز می کنند، کتاب می نویسند، برمی خیزند و می گویند: طاقت ما تمام شده! این راهی تنگ و طولانی است، اما تنها راه ممکن است. تحول باید درونی باشد. هر چه که از بیرون می آید، جماعت گرایان را بیشتر تقویت می کند.



"الیزابت بادانتر" (Élisabeth Badinter)، فیلسوف و نویسنده، به عنوان وارث معنوی سیمون دیوار شناخته می شود. او که در دانشگاه ممتاز "پلی تکنیک" پاریس تدریس می کند، یک فمینیست پر حرارت و مدافع سرسخت لایبسیته است. بادانتر از حقوق بشر جهانشمول در برابر مذهب گرایان و تفکیک سازان دفاع می کند.

کتابهای او بیشتر به رابطه جنسیتها و هویت جنسیتی و به بیان دیگر، ساختار "زنانگی" و "مردانگی" می پردازد. (۱)

تصویر یک زن باحجاب در ساحل "نیس" که در حال درآوردن روپوش خود است، سراسر جهان را درنوردید و موجب برافروختگی بسیاری شد. مادام بادانتر آیا



شما هم شوکه شدید؟ (۲)

تا حدودی آری. من مدافع آزادی هستم. هر کس باید آنچه مایل است بر تن کند. از این زاویه بورکینی برای من فرقی نمی کند، با وجود آنکه یک مفهوم افراطی مذهبی و از این طریق مفهوم سیاسی دارد. زیرا این زنها بورکینی را به این دلیل نمی پوشند که نامرئی هستند، بلکه می خواهند به چشم بیایند. اما این یک میدان نبرد حاشیه ای است.

در فرانسه آزادی مذهبی افراد به دقت متمایز شده. ممنوعیت پوششهای معین فقط ادارات، مدارس و دانشگاهها را در بر می گیرد. جز آن، مقرر شده که در فضای عمومی، لخت نباید ظاهر شد و نقاب نباید زد.

بورکینی اوج بی اعتنایی است

بقیه از صفحه ۱۰

سویسیها خواهان یک همه پرسی در باره ممنوعیت برقع هستند، در آلمان هم بحث داغی پیرامون این مساله در جریان است. آیا برقع مثل بورکینی یک موضوع حاشیه ای نیست؟

آیا برای شما عادی است که یک زن چهره اش را پنهان کند؟ شما این را عادی می دانید که زنان اینجا در اروپا به سطحی تنزل داده شوند که در افغانستان در آن بسر می برند؟

شش سال قانون ضد برقع در فرانسه نشان داد که ممنوعیت نتایج واژگونی در بر دارد و می تواند موجب آن شود که پوششهای ممنوع شده به ابزار حافظ هویت بدل شوند. چرا نباید آرام تر بود و گفت: این نیز بگذرد؟

تجربه ما نشان داده که هر بار در برابر یک مطالبه گستاخانه عقب نشینی می شود، شش ماه بعد خواسته دیگری مطرح می گردد. تاکتیک سلفیستها این است. اما بی تردید در مورد بسیاری و بیش از همه جوانان، این برخورد ماهیتی عصیانگرانه دارد. این همچون رد چیزی است که در پیرامون شان می گذرد. از این رو برقع هم می تواند نشانه ای از عصیان باشد، همچون کسانی که موهایشان را رنگ قرمز می کنند یا نشانه های دیگری که به ذهنشان می رسد.

مسلمانان فرانسه چگونه با شرایط فعلی که با آنها ستیزه جویانه برخورد می شود و تحت سووژن همگانی قرار دارند، کنار می آیند؟

آنها رنج می کشند، اما شرایط کنونی را پشت سر خواهند گذاشت، زیرا در حال برخاستن هستند و دیگر حاضر نیستند ابزار دست افراطیها قرار بگیرند. من به زنانی که خواهان اسلام دیگری هستند که با قوانین جمهوری سازگاری داشته باشد، باور دارم.

گفته می شود زنان مسلمان، "اسلام فرانسوی" که سیاستمداران سالهاست وعده اش را می دهند، محقق خواهند کرد.

دقیقا، این به همین معناست. اما نه فقط آنها. در سالهای اخیر دهها کتاب خوب توسط زنانی نوشته شده که پیش از این هرگز زبان به سخن نگشوده بودند. آنها خطرات بزرگی را به جان می خورند اما به این وسیله تصویر دیگری از اسلام در فرانسه ارایه می کنند و فرانسویها در انتظار یک چنین چیزی بودند.

چرا اینقدر طول کشید؟

خطای بزرگ سیاسی، واقعیت گریزی بود، هم از سوی چپها و هم محافظه کاران! در دستگاه بوروکراسی یک قانون نانوشته فرمان می راند مبنی بر اینکه: جنجال به پا نکنید، همه چیز را تمیز و مرتب زیر فرش جارو

کنید. من هرچه بگویم که "جبهه ملی" (۳) را واقعیت گریزی تا مرز ترکیدن پروار کرد، باز هم کم گفته ام.

چگونه؟

اگر به کسی دایم گفته شود تو اشباح می بینی، تو اسلام هراس هستی، در انتها دیگر قابل تحمل نیست. انسان یا از فرط خشم دیوانه می شود یا به نومیدی در می افتد. بسیاری از خشمگینها به سوی "جبهه ملی" تغییر جهت دادند. واقعیت گریزی مرگبار بود. این واقعیت که اکنون زنان و مردان جوان جوامع مسلمان می گویند نمی خواهیم اینگونه زندگی کنیم، فشار را کاهش می دهد.

در فرانسه مبارزات پیش انتخاباتی شروع می شود. فضا را چگونه می بینید؟

روشن بگویم: بر بسیاری از فرانسویها ناامیدی فرمان می راند، زیرا ما در دوره سختی بسر می بریم و در چشم انداز، سیاستمداری با استعداد، دارای شخصیت و آینده نگر دیده نمی شود. این بسیار مایوس کننده است. سیاستمداران ما آدمهای متوسطی هستند و در این میان حتی گاهی خطرناک!

چرا در همه این هویت خواهیها و جنگ فرهنگها مساله مرکزی همیشه زنان و بدن آنها است؟ حتی "والس" (۴) هم "ماریان" (۵) سینه برهنه را به جنگ بورکینی می فرستد...



روپوش خود را بیرون آورد تا به ماموران نشان دهد که بورکینی بر تن ندارد
(۳) Front National، حزب راست افراطی فرانسه با جهت گیری بیگانه ستیزی و نژادپرستی
(۴) مانوئل والس، نخست وزیر فرانسه
(۵) تجسم ملی فرانسه، زنی با سینه عریان
(۶) صدها جوان عرب مراکشی، الجزایری و تونسی در جشن خیابانی سال نو (۲۰۱۶) در شهر کلن - آلمان به زنان و دختران حمله ور شده، آنها را مورد آزار جنسی قرار دادند، اموال آنها را به سرقت بردند و در چند مورد دست به تجاوز زدند.

این سووال را باید از نویسنده الجزایری، "کمال داوود"، بپرسیم. او پس از حوادث سال نو در شهر "کلن" (۶)، به صراحت گفت سرکوب غرایز و تنگنای جنسی یک مشکل جهان اسلام است و به خاطر این سخن مورد حملات بسیاری قرار گرفت. من کار و تجربیات او را جدی می گیرم. باید خود را جای این مردان جوان گذاشت که همچون دیگر همسن و سالهای خود دارای غرایز جنسی قوی هستند، اما این تمایلات از جانب نهاد مذهب کثیف و گناه شمرده می شود، مانند دیدگاه کلیسای کاتولیک در گذشته. این مشکل آفرین است.

آیا جنسیت میدان جنگ نبردهای اجتماعی باقی می ماند؟

ما با یک وسواس روبرو هستیم که برای ما در جوامع غربی به کلی بی معنی به نظر می رسد. این واقعیت که دختران در برخی از شهرهای حاشیه دیگر نمی توانند دامن بپوشند، موی خود را پنهان می کنند و به برادران خود باید حساب پس دهند، برای کسانی که رویای جامعه ای دیگر و تساوی حقوق جنسیتها را داشته اند، غیرقابل تحمل است. در کنار جماعتهای اسلامی، یهودی ستیزی به شکل هراس آوری رشد می کند، اما این هم تابویی است که هیچکس در باره اش حرف نمی زند.

یهودی ستیزی، اسلام هراسی، آیا فرانسه - آنگونه که برخی می گویند - در آستانه یک جنگ داخلی است؟

آنچه که می بینم و می شنوم، مرا نگران می کند. دریاچه های تنفر باز شده اند. خشم گسترش می یابد. من گمان می کنم آرامش امروز، فردا بر قرار نخواهد بود. اما اگر خشونت بیشتری رخ ندهد، سووقصدهای بیشتری صورت نگیرد، ما از این مرحله عبور خواهیم کرد.

پانویسها:

(۱) از بادانتر کتاب "زن و مرد XX - XY" به فارسی منتشر شده است
(۲) پلیس نیس در این باره توضیح داد که زن مزبور

چالشهای معلمان در شهریور ماه

فرنگیس بایقوه



قبل از سال ۱۳۹۱ با نهضت سوادآموزی همکاری داشته اند، مشمول تبصره ۱۰ ماده ۱۷ قرار می گیرند. تجمع کنندگان کنونی خواستار رسیدگی مجلس به وضعیت استخدامی خود که پس از سال مذکور (۱۳۹۱) مشغول فعالیت شده اند، هستند.

تجمع معلمان مدارس غیرانتفاعی برای یکسان سازی حقوق مقابل مجلس

ایسنا، ۷ شهریور - معلمان مدارس غیردولتی با تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی خواستار یکسان سازی وضعیت حقوق، دستمزد و بیمه خود شدند.

تجمع معلمان حق التدرسی کلاله مقابل فرمانداری

کلاله خبر، ۸ شهریور - تعدادی از معلمان حق التدریسی آموزش و پرورش کلاله در روز افتتاح متمرکز پروژه های شهرستان با تجمع در مقابل فرمانداری کلاله خواستار مشخص شدن وضعیت خود شدند. تجمع کنندگان خواستار حضور معاون استاندار گلستان، محمود ربیعی، در جمع خود و پاسخ به مطالبات شان شدند.

بدارد. می باید اژدهایی باشد بی مرگ و بی آشتی. و بدین سبب می باید هزار سر داشته باشد و یک سودا. اما اگر یک سرش باشد و هزار سودا، چون مرگ بر او بتازد، گنج بی پاسدار می ماند. صمد سری از این هیولا بود. و کاش ... کاش این هیولا، از آن گونه سر، هزار می داشت؛ هزاران می داشت!"

فساد ۸ هزار میلیارد تومانی در صندوق ذخیره فرهنگیان



ایرنا، ۱۰ شهریور - سخنگوی فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی گفت: نزدیک به ۸۰ هزار میلیارد ریال فساد مالی در صندوق ذخیره فرهنگیان صورت گرفته است.

حسین مقصدی اظهار داشت: "شفاف سازی در صندوق ذخیره فرهنگیان یکی از دلایل اصلی استیضاح وزیر آموزش و پرورش بود که در تحقیقات به عمل آمده در حدود ۸۰ هزار میلیارد ریال فساد مالی در این صندوق گزارش شده است." وی با اعلام خبر بازداشت همسر و فرزند مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان تصریح کرد: "شخص مدیر عامل صندوق ذخیره نیز این فساد را قبول داشته و مبلغ آن ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بیان می کند."

او با اشاره به اینکه فساد مالی زیادی در صندوق ذخیره فرهنگیان وجود دارد، گفت: "فساد در این صندوق مربوط به دولت قبل و دولت فعلی است و ما شاهدیم که مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان وامهای کلانی را به افراد مختلف داده است." سخنگوی فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس گفت: "۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از ابتدای آغاز به کار صندوق ذخیره فرهنگیان به افرادی داده شده که وصول آن مشکل است و حتی لاوصول است."

بقیه در صفحه ۱۳

تجمع مربیان پیش دبستانی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس

خانه ملت، ۲ شهریور - آموزشیاران نهضت سوادآموزی و مربیان پیش دبستانی مقابل مجلس تجمع کردند.

تجمع کنندگان خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود و در اولویت قرار گرفتن لایحه اصلاح ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس شدند.

آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی که به گفته خود بعضاً تا ۱۴ سال سابقه کاری داشتند، خواستار ارتقا خود از آموزش دهنده به آموزشیار هستند.



تصویب قانون در مجلس برای ادامه بالاتکلیفی حق التدریسیها و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی

ایسنا، ۳ شهریور - نمایندگان مجلس در نشست علنی امروز خود کلیات طرح اصلاح تبصره ۱۰ ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش را تصویب کردند.

براساس این ماده واحده، وزارت آموزش و پرورش مکلف است مربیان پیش دبستانی و نیروهای خرید خدمات آموزش را با شرایطی که عبارت است از "ارتباط رشته تحصیلی (منحصر به دوره متوسطه)، مقطع تحصیلی (حداقل کاردانی)، جنسیت، نیاز منطقه ای و سنوات همکاری با آن وزارتخانه"، به کار گیرد."

مصوبه مجلس تاکید کرده است "به کارگیری این نیروها الزامی برای استخدام رسمی نمی باشد" و این معنای دیگری جز ادامه بالاتکلیفی آنها به شکل دیگر و در چارچوب دیگر ندارد.

از سوی دیگر، مجلس این مصوبه را فقط شامل حال بخشی از مربیان می داند و نه همه آنها. کلیه مربیانی که بعد از سال ۱۳۹۱ در نهضت سوادآموزی به کار اشتغال داشته اند، از این مصوبه مستثنی شده اند.

تجمع آموزشیاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به مصوبه مجلس

خانه ملت، ۷ شهریور - جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان مدارس غیرانتفاعی در اعتراض به مصوبه مجلس شورای اسلامی در مقابل ساختمان آن تجمع کردند.

در هفته گذشته کلیات قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی تصویب شد، اما براساس این ماده واحده، فقط نیروهای آموزش دهنده نهضت سوادآموزی که



پس از خودداری مسوول مزبور از روبرو شدن با معلمان، محمد رضا وطنی، مدیرکل آموزش و پرورش گلستان به تجمع کنندگان گفت وضعیت آنها در اول آبان مشخص می شود. وی شرط به کارگیری آنها را "نیازسنجی" اعلام کرد.

آموزش و پرورش شهرستان کلاله دارای حدود ۴۰ معلم حق التدریسی با قرارداد موقت یکساله است

به یاد رفیق صمد بهرنگی

نهم شهریور ۱۳۴۷ پیکر بی جان صمد بر رود ارس کناره گرفت. در رثای معلم بزرگ کودکان و آموزگار عدالت و آزادی، احمد شاملو نوشت:

"شهری است که ویران می شود، نه فرونشستن بامی. باغی است که تاراج می شود، نه پرپر شدن گلی. چلچراغی است که در هم می شکند، نه فرومردن شمعی و سنگری است که تسلیم می شود، نه از پا در آمدن مبارزی!"

صمد چهره حیرت انگیز تعهد بود؛ تعهدی که به حق می باید با مضاف غول و هیولا توصیف شود: "غول تعهد!"، "هیولای تعهد!" چرا که هیچ چیز در هیچ دور و زمانه ای همچون "تعهد روشنفکران و هنرمندان جامعه" خوف انگیز و آسایش بر هم زن و خانه خراب کن کژیها و کاستیها نیست. چرا که تعهد اژدهایی است که گرانبهاترین گنج عالم را پاس می دارد؛ گنجی که نامش آزادی و حق حیات ملتها است. و این اژدهای پاسدار می باید از دسترس مرگ دور بماند تا آن گنج عظیم را از دسترس تاراجیان دور

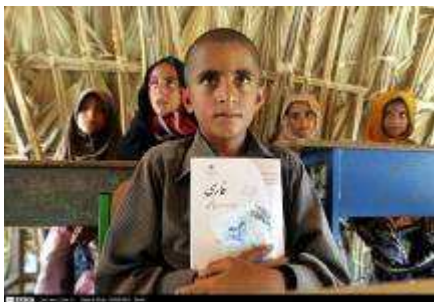
اقتصاد مقاومتی خامنه ای: حقوقهای نجومی، مدارس فرسوده

زینت میرهاشمی

کشته شدن دانش آموزان نه در زلزله ای مهیب بلکه در اثر ریزش دیوار مدرسه، در کشوری که سرشار از نفت و گاز است، بسیار دردناک است. خبر کشته شدن ۴ کودک خردسال در هنگام بازی در روستای بچار بازار منطقه دشتیاری در استان سیستان و بلوچستان نه اولین رویداد این چینی است و نه آخرین آن. این کودکان بر اثر ریزش ستون مدرسه در روز شنبه ۱۳ شهریور جان سپردند.

یکی از کارگزاران اداره آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان در گفتگو با خبرگزاری ایلنا علت مرگ دانش آموزان را «غیر استاندارد بودن حصار مدرسه» دانست و گفت: «تعداد ۲ هزار و ۶۸۲ فضای آموزش غیر استاندارد در این استان وجود دارد که از این میزان ۲ هزار و ۲۰۳ فضای آموزشی فاقد حصار است.» (هرانا، یکشنبه ۱۴ شهریور)

هزینه های کلان نظامی، مخارج دخالت در سوریه برای حفظ بشار اسد، حقوقهای نجومی و جیبهای گشاد آخوندها و رانت خواران، به حکومت امکان تاسیس مدارس استاندارد و بازسازی مدارس فرسوده را



نمی دهد. پایوران رژیم بارها از مردم خواسته اند که برای ایجاد مدارس مشارکت کنند و کار خیریه انجام دهند. اسماعیل دوستی عضو شورای شهر تهران در رابطه با خرابی مدارس تهران گفت: «در تهران ۵۵۰ مدرسه فرسوده نیازمند به تخریب و بازسازی وجود دارد که دولت سالی ۸ میلیارد تومان به تخریب و نوسازی و همچنین بازسازی مدارس شهر تهران اختصاص می دهد و شاید ۱۰۰ سال طول بکشد که این تخریب و نوسازی انجام شود.»

وقتی بازسازی مدارس فرسوده تهران صد سال زمان می برد، معلوم است که در استانهای دیگر وضع از چه قرار است و چه فجایعی در انتظار دانش آموزان، معلمان و کارکنان این مدارس است. اگر این وضعیت را با حقوقهای نجومی، دزدیها و بذل و بخشش



زمینهای چند ده میلیاردی مقایسه کنیم، اقتصاد مقاومتی ولی ققیه بهتر خود را نشان می دهد. فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۷ شهریور

قرار گرفتند و محل نگهداری حیوانات بودند، یکی از این مکانها را به کلاس درس اختصاص داده اند و این جای نگرانی دارد که پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از پیروزی انقلاب چنین فضاهایی برای تعلیم دانش آموزان در کشور وجود داشته باشد.

وی بیان کرد: «متأسفانه اکثر این مناطق از قبیل روستای برده زرد، بنه ارون، قلعه لواء، اوند و سادات محمد ابراهیم هم این مشکلات را دارند که در این سالهای اخیر با گذشت دولتها هیچ نگاهی به این منطقه ها نشده است.»

وی افزود: «به وزیر آموزش و پرورش هشدار می دهم، چه استدلالی وجود دارد که در استان خوزستان باید دانش آموزان در محل نگهداری حیوانات درس بخوانند، آیا در بقیه شهرهای ایران هم چنین است؟» خادمی همچنین گفت: «معلمها از زحمتکشان در جامعه ما هستند و در آینده قطعاً همین معلم یکی از مدیران کلان کشور می شود، اما شما نگاه کنید فضای خواب معلم همین روستا را که این خود برای مسوولان وزارت آموزش و پرورش باید شرم آور باشد. پتو و وسایل شخصی معلم در آن طویله بود و صبح هم بعد از بیداری کلاس را برگزار می کند، حتی وسط کلاس یک حفره برای روشن کردن آتش و گرم کردن به اصطلاح کلاس درس درست شده بود»

اعتراض فرهنگیان وزیر کشور را فراری داد



جوانه ها، ۲۷ شهریور - صبح امروز تعداد زیادی از فرهنگیان با اعتراض نسبت به عدم تعهد آموزش و پرورش در مورد پروژه هزار واحدی مسکن فولادشهر اصفهان از وزیر خواستند که این موضوع را پیگیری نماید.

صبح امروز همزمان با انتشار عزل و برکناری مدیر صندوق ذخیره فرهنگیان و هیات مدیره آن، تعدادی از فرهنگیان در اعتراض به اقدامات مدیرعامل و اعضای هیات مدیره، مقابل ساختمان این صندوق در خیابان قرنی تجمع کردند.

وزیر کشور با حضور در جمع تجمع کنندگان در مورد وزارتخانه تحت امر خود سخنرانی کرد که با اعتراض شدید فرهنگیان استان که حدود ده سال قبل به امید خانه دار شدن سرمایه خود را در پروژه هزار واحدی مسکن فولادشهر داده بودند، روبرو شد.

وزیر کشور نیز پس از شنیدن اعتراض فرهنگیان آسیب دیده، به سرعت سوار خودرو شد و از محل تجمع خارج شد. معلمان، تراکتهای دست نویس خود را جلوی شیشه خودروی وزیر گذاشتند.

گفتنی است، فرهنگیان مزبور از سال ۸۶ در پروژه هزار واحدی فولادشهر ثبت نام کرده اند و قرار بوده است که افراد متقاضی در سال ۱۳۸۹ صاحب خانه بشوند. اما اکنون پس از گذشت ۵ سال از تعهدی که به آنها داده شده، هنوز هیچ اقدام خاصی انجام نشده و تکلیف سرمایه های این افراد نیز مشخص نیست.

چالشهای معلمان در شهریور ماه

بقیه از صفحه ۱۲

مدرسه مخروبه دوباره قربانی گرفت

ایلنا، ۱۴ شهریور - ریزش دیوار یک مدرسه روستایی، جان کودک خردسال ۵ ساله ای را گرفت و سه کودک دیگر را زخمی کرد.

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی اداره آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان پیرامون جزئیات این حادثه که در روستای «بچار بازار» منطقه دشتیاری روی داد گفت: «جمعی از کودکان خردسال در حوالی مدرسه با استفاده از درب آموزشگاه که حصار آن به صورت خودجوش و با مشارکت اهالی ساخته شده، مشغول بازی بودند که بر اثر ریزش ستون به همراه درب متصل به آن، این حادثه دلخراش رخ داد.» محمد علی عسکری خاطر نشان کرد: «تعداد ۲ هزار و ۶۸۲ فضای آموزشی غیر استاندارد در این استان وجود دارد که از این میزان ۲ هزار و ۲۰۳ فضای آموزشی فاقد حصار است.»

وی با اشاره به رشد ۱۱۳ درصدی مشارکت خیرین در سه سال اخیر اظهار کرد: «با بهره گیری از تمامی امکانات و فرصتهای ایجاد شده تلاش گردیده با اقدامات پیشگیرانه مبنی بر شناسایی نقاط آسیب زا تا حد امکان از بروز حوادث احتمالی پیش گیری گردد.»

تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس در

مراوه تپه

پانا، ۱۹ شهریور - جمعی از مربیان پیش دبستانی و معلمان حق التدریس شهرستان مراوه تپه در دفتر فرماندار تجمع کردند. مربیان پیش دبستانی و معلمان حق التدریس شهرستان مراوه تپه در اعتراض به عدم فراخوان برای بکارگیری در سال جدید تجمع کردند. امسال بسیاری از معلمان و مربیان سال گذشته از ورود به کلاسهای درس محروم می شوند. این درحالی است که مربیان و معلمان حق التدریسی می گویند: مدیران شهرستانها از کمبود معلمان خبر می دهند.

تحصیل دانش آموزان روستاهای ایذه در

طویله



تسنیم/ مهر ۲۲ شهریور - یک نماینده مجلس شورای اسلامی از تحصیل دانش آموزان یکی از روستاهای ایذه در طویله خبر داد.

هدایت الله خادمی، نماینده مجلس از ایذه و باغملک در استان خوزستان پس از بازدید از روستاهای سبزی و سید خدر اظهار داشت: «وضعیت مدرسه روستای سید خدر اسف بار است. وقتی به سراغ مدرسه این روستا رقتم، مشاهده کردم در ۲ فضا که در کنار هم

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

صلح بان، سه درصد در واحدهای نظامی و ۱۰ درصد پرسنل پلیس را زنان تشکیل می دهند.

ملاله یوسف زی، خواستار کمک رهبران جهان به آموزش دختران در کمپهای پناهجویان شد

رادیو فردا، ۲۴ شهریور - ملاله یوسف زی، برنده جایزه نوبل صلح، از رهبران جهان خواست برای آموزش دختران در کمپهای پناهجویان تلاش کنند تا از ازدواج زودهنگام آنها یا به کار گرفته شدن شان جلوگیری شود.

بنابراین ملاله یوسف زی ۱۹ ساله، یک هفته پیش از نشست سازمان ملل متحد در زمینه پناهجویان در نیویورک منتشر شد.

کمیساریای عالی پناهجویان سازمان ملل متحد تعداد پناهجویان در دنیا را بیش از ۲۱ میلیون نفر تخمین زده است که نیمی از آنها کودک و بیشتر آنها اتباع سوریه، افغانستان و سودان هستند.

بنا بر اعلام بنیاد ملاله، بیش از هشتاد درصد نوجوانان پناهجو که بیشتر آنها دختر هستند، در مدرسه تحصیل نمی کنند.

ملاله یوسف زی که اهل پاکستان است، حدود چهار سال پیش از ترور طالبان جان سالم به در برد و پس از دریافت جایزه نوبل صلح، برای پیشبرد آموزش دختران در پاکستان فعالیت می کند.

بیکاری بالای ۴۰ درصدی زنان دارای تحصیلات دانشگاهی



ایلنا، ۲۵ شهریور - شهیندخت مولوردی در همایش "توسعه نقش آفرینی زنان معاونگر در کارآفرینی و اشتغال" گفت: اکنون مهمترین چالش اقتصادی ما معضل بیکاری است که معادلات پیچیده ای را برای دولتمردان و دولت زنان به وجود آورده است، به ویژه در خصوص دختران فارغ التحصیل و زنان سرپرست خانوار معضل به چشم می خورد که نه تنها خودشان را متضرر می کنند، بلکه اقتصاد کشور هم به واسطه مغفول ماندن از این ظرفیت انسانی متضرر می شود.

معاون حسن روحانی بیکاری زنان دارای تحصیلات دانشگاهی را بالای ۴۰ درصد اعلام کرد و افزود: "در دهه های اخیر به واسطه رشد تحصیلات دانشگاهی دختران، نمره قابل قبولی گرفته ایم، اما در زمینه تبدیل این دانش آموختگان به نیروی انسانی، هنوز نتوانسته ایم موفق باشیم."

بقیه در صفحه ۱۵

دستکم ۳۰ شهر، بورکینی را در تابستان امسال ممنوع اعلام کردند و بسیاری از شهرهای دیگر هم گفته بودند که همین راه را در پیش خواهند گرفت.

مانوئل والس، نخست وزیر فرانسه، گفته که موافق سراسری شدن ممنوعیت بورکینی نیست، اما با کلیت این قانون موافق است چون بورکینی، نماد "به بردگی کشاندن زنان" است.

ریاست هفت زن بر شوراهای شهر

بی بی سی، ۱۸ شهریور - در انتخابات هیات رییسه آخرین سال شوراهای شهر در ایران، هفت زن در استانهای سیستان و بلوچستان، مازندران، گیلان، خوزستان و کرمانشاه به مقام ریاست شورای شهر رسیده اند.

اختر ویسی در جوانرود - استان کرمانشاه، جمله ملازهی در نیکشهر - سیستان و بلوچستان، شعله مصطفی پور در نوشهر - مازندران، مرمر فیروزپور، در بابل - مازندران، طیبه نیکخو دیلمی در دیلمان - گیلان، مهناز کعیان حسینی در چمران - خوزستان و سیما کمایی در رامهرمز - خوزستان به ریاست شوراهای شهر خود انتخاب شده اند.

بیشتر زنان مزبور مهم ترین هدف خود را از نامزدی برای ریاست شورا "ارتقای جایگاه زنان" عنوان کرده اند.

سازمان ملل به دنبال برقراری توازن جنسیتی در هیاتهای صلح بان



ایسنا، ۱۹ شهریور - رییس صلح بان سازمان ملل گفته است که این بخش به دنبال حفظ توازن جنسیتی صلح بانان و افزایش تعداد زنان در این سازمان است. "هرو لادسوس" گفت: "ما می خواهیم تا سال ۲۰۲۰، تعداد نیروهای زن صلح بان را افزایش دهیم." وی که در جریان نشست وزرای دفاع کشورهای اعزام کننده نیروهای صلح بان در لندن سخن می گفت، افزود: "نقش زنان در هیاتهای صلح بان سازمان ملل در سطح جهان باید در نظر گرفته شود. زنان در امور غیرنظامی ارتشها، اطلاعاتی، نظارت بر جوامع و افزایش آگاهی در زمینه جنسیت نقش فعالی دارند و حضورشان بسیار مهم است."

معاون دبیرکل سازمان ملل در امور صلح بانیه ادامه داد: "تلاشها برای ایجاد توازن جنسیتی در زمینه صلح بانان در سطح جهانی مدهتاست که مد نظر است و این نشست در لندن باعث پیشرفتهایی در زمینه برقراری توازن جنسیتی می شود. ما باید مطمئن شویم که برای چالشهای پیش رو آمادگی داریم و می توانیم با آنها مقابله کنیم."

براساس آمارهای سازمان ملل، در سال ۱۹۹۳ زنان تنها یک درصد از نیروهای اونیفورم پوش صلح بان را تشکیل می دادند. در سال ۲۰۱۴ از ۱۲۵ هزار نیروی

زنان استان کهگیلویه و بویراحمد صدرنشین بیکاری

خبرگزاری فارس، ۳ شهریور - زنان استان کهگیلویه و بویراحمد صدرنشین بیکاری و متحمل آسیبهای متعدد اجتماعی هستند.

فریبا رحمانپور، مدیرکل امور زنان و خانواده در استان کهگیلویه و بویراحمد، ضمن اعلام این خبر گفت: "میانگین سنی زنان سرپرست خانوار در کهگیلویه و بویراحمد بالاتر از ۵۰ سال است و خطرات زیادی آنها را تهدید می کند." وی در مورد شرایط اجتماعی این زنان شرح داد: "بیشتر زنان از نقاط دور و نزدیک به مرکز شهر آمده و جهت گذران زندگی اقدام به دستفروشی یا فروش محصولاتمانند مرغ و تخم مرغ می کنند."

شورای دولتی فرانسه ممنوعیت بورکینی را معلق کرد



رادیو زمانه، ۵ شهریور - شورای دولتی فرانسه حکم داده که ممنوعیت بورکینی در سواحل این کشور غیرقانونی و نقض حقوق اساسی است.

سه قاضی این دادگاه در حکم خود آورده اند که این قانون به طور جدی و آشکار مغایر آزادیهای اساسی مانند آزادی تحرک، آزادی وجدان و آزادیهای شخصی است. این قضات گفته اند که مدرکی مبنی بر لزوم ممنوعیت پوششی که برخی از افراد برای شنا استفاده می کنند، نیافته اند.

یک دادگاه محلی پیش تر حکم داده بود که بورکینی در شهر ساحلی "ویلنو - لوبه" با استناد به قانون جلوگیری از بی نظمی عمومی ممنوع است، اما اتحادیه حقوق بشر (LDH) و جمعیت مبارزه با اسلام هراسی در فرانسه (CCIF) این موضوع را به دادگاه عالی کشاندند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۴

قربانی تجاوزات جنسی "داعش"، سفیر سازمان ملل شد



دویچه وله، ۲۷ شهریور - "نادیا مراد"، دختر ۲۳ ساله ایزدی که موفق شد از دست شبه نظامیان "دولت اسلامی" (داعش) فرار کند، به عنوان نماینده سازمان ملل برای "حفظ کرامت بازماندگان تجارت انسان" انتخاب شد. مراد در حال حاضر در آلمان زندگی می‌کند.

نادیا مراد، از ایزدیهای عراق است که در سال ۲۰۱۴ میلادی در روستایی نزدیکی شهر موصل از سوی بنیادگرایان اسلامی "داعش" ربوده و به عنوان "برده جنسی" به اسارت گرفته شد. بنا به گفته او، زنان و دختران اسیر در مناطق تحت کنترل "دولت اسلامی" پیوسته مورد تجاوز گروهی، خرید و فروش و آزارهای جنسی و بدنی قرار می‌گیرند. مادر و شش برادر مراد در حمله داعش به سنجار در سال ۲۰۱۴ کشته شدند.

فعالتهای نادیا مراد برای پایان دادن به بردگی جنسی زنان و قاچاق انسان پس از فرار او از چنگ بنیادگرایان اسلامی "داعش" آغاز شد. وظیفه مراد به عنوان نماینده سازمان ملل برای "حفظ کرامت بازماندگان تجارت انسان"، روشننگری درباره وضعیت قربانیان تجارت انسان، به ویژه پناهجویان، دختران و زنان خواهد بود.

"امل کلونی"، وکیل معروف حقوق بشری آمریکا و همسر لبنانی تبار "جرج کلونی"، از نادیا مراد در انجام این وظایف پشتیبانی می‌کند. او جنایات "داعش" در حق ایزدیان را "نسل کشی" می‌نامد.

برای اولین بار، یک زن به‌عنوان رهبر حزب دموکراتیک ژاپن انتخاب شد

شرق، ۲۷ شهریور - "رنیو موراتا"، مدل و مجری تلویزیونی سابق، توانست روز پنجشنبه با کسب اکثریت قاطع آرا در انتخاباتی حزبی، اولین زنی باشد که عنوان رهبری حزب اپوزیسیون دموکراتیک در ژاپن را برعهده می‌گیرد.

به گزارش نیویورک تایمز، او که برای بیش از یک دهه در مجلس اعلاای پارلمان ژاپن خدمت کرده، در حالی توانسته با کسب حدود ۶۰ درصد از آرای اعضا و نمایندگان حزب، بر دو رقیب مرد خود غلبه کند که موفقیت پیشین دو چهره زن دیگر در به دست آوردن کرسیهای ارشد سیاسی در دو ماه گذشته نیز، حکایت از یک چرخش جنسیتی جدی در عرصه سیاسی کشوری دارد که سابقه درخشانی در به قدرت رساندن زنان نداشته است.

اگر از انتخاب "یوریکو کویکه" به فرمانداری توکیو، در ماه جولای و انتصاب ماه گذشته "تومومی اینادای"، راست گرا، به سمت وزارت دفاع بگذریم، تلاشهای اخیر موراتا در به دست گرفتن سکان رهبری حزب اپوزیسیون ژاپن، درحالی به ثمر نرفته که بنا بر آمار اتحادیه میان پارلمانی آن کشور، سهم زنان از کرسیهای شورای ملی، کمتر از ۱۵ درصد است. موراتا مهمترین برنامه خود را مبارزه با سیاستهای نو - لیبرالی "آبه"، نخست وزیر، و جلوگیری از تصویب قوانین امنیت ملی در بازگرداندن سایه تهدید جنگ عنوان کرده است.

خامنه ای دوچرخه سواری زنان در خیابان را حرام اعلام کرد

بی بی سی، ۲۸ شهریور - آیت الله علی خامنه ای، رهبر ایران، در حکمی که در سایت رسمی او منتشر شده، دوچرخه سواری زنان در مجامع عمومی را حرام دانسته است.

خامنه ای در وب سایت رسمی خود در پاسخ به سووالی در باره صحت و سقم انتشار خبری از طرف دفترش مبنی بر جایز بودن دوچرخه سواری زنان "با رعایت نکات شرعی" توضیح داده است: "دوچرخه سواری بانوان در مجامع عمومی و نیز در جایی که در معرض دید نامحرم باشد، حرام است."

حدود سه هفته پیش شهیندخت مولاوردی، معاون حس روحانی در امور زنان و خانواده، در توییتر خود اعلام کرده بود: "طبق اعلام دفتر رهبر انقلاب، دوچرخه سواری بانوان با رعایت موازین شرعی بلامانع است."



از شکنجه

افسانه بایزیدی

تا فروش کیلویی خدا

زینت میرهاشمی

سیاهچالهای جمهوری اسلامی، آتش و دود، گرز و تبر، چوبه دار و اعدام، روزانه جریان دارد. برپا دارندگان و نگاهبانان کشتی زهوار رفته ولایت فقیه، با بیش از سه دهه کشتار نتوانسه اند زندانی سیاسی را بی هویت و مقاومت را از او بگیرند و زندان همچنان نمادی از شور، مقاومت و پایداری است.



بیشمار زندانیان سیاسی با گرایشات مختلف همچنان بر سیاست توابع سازی و خشکانیدن امر مبارزه و شورش علیه نظم موجود خط بطلان می‌کشند. تبعید زندانی سیاسی بعد از سالها آزار و شکنجه، تداوم شکنجه برای زندانی است. همانگونه که سلول انفرادی نوعی شکنجه روانی برای زندانی شمرده می‌شود. نامه افشارگرانه زندانی سیاسی، افسانه بایزیدی، دانشجوی کرد از شهر بوکان، در حقیقت نامه ای شرم آور برای رژیم و پشتیبانان آن است. افسانه در نامه اش از رنجها، آزارها، شکنجه و توهینهایی که توسط ماموران شکنجه گر ولایت فقیه بر وی اعمال شده، پرده بر می‌دارد. وی می‌نویسد: «در دوران بازجویی هر بار که کلام خدا را به زبان می‌آوردم بیشتر شکنجه می‌شدم، اما مدام می‌گفتند در اطلاعات خدا وجود ندارد و خدا اینجا کیلویی چند بهت بفروشیم می‌خوای؟»

افسانه بایزیدی که اثرات شکنجه های دژخیمان بر بدن خود را همراه دارد، روایت خود را به «داستان مرگ و زندگی» اش تبدیل کرده که چیزی برای از دست دادن ندارد. وی شجاعانه و به درستی می‌نویسد: «ولی ظلم پایدار نخواهد ماند، بلکه خیلی زود ریشه کن خواهد شد.»

روایت این زندانی سیاسی، واقعیت استبداد مذهبی را بر ملا می‌کند و تا زمانی که آمران و عاملان کشتارهای دهه ۶۰ و به ویژه قتل عام زندانیان سیاسی محاکمه نشوند، شکنجه و اعدام تداوم خواهد داشت.

فراسوی خبر ۲۵ شهریور

رویدادهای هنری ماه

فتح الله کیانیها

گروه چارتار داده شدن روسری به زنان هنگام عکس گرفتن را انکار نکرده است، اما می گوید این پیشنهاد از سوی "دیگر برگزارکنندگان کنسرت" داده شده نه از سوی آنها.

اما یکی از زنانی که در کنسرت این گروه در شهر کلگری کانادا با آرمان گرشاسبی، خواننده چارتار، عکسی به یادگار گرفته، تاکید کرده روسری را خود اعضای گروه چارتار آورده بودند.

انقلاب؛ موضوع جشنواره امسال موسیقی بتهوون



قبل از گذار از خبرهای موسیقی بد نیست گزارش جالب و کوتاهی هم داشته باشیم از "دویچه وله" که در آن آمده است که موضوع جشنواره امسال موسیقی انقلاب خواهد بود.

هر سال جشنواره ای برای بزرگداشت "لودویگ فان بتهوون" در شهر بن آلمان برگزار می شود. فستیوال بتهوون امسال از روز نهم سپتامبر آغاز شده و طی آن برنامه های متنوع موسیقی با حضور ارکسترهای گوناگون از سراسر جهان به اجرا درمی آید. در برنامه امسال جشنواره بتهوون، ارکستر فیلارمونیک "اورال" از "یکساترینبورگ" روسیه طی دو شب آثاری از موسیقیدانان پیش و پس از انقلاب روسیه اجرا می کند. همچنین سمفونی شماره ۳ بتهوون "ارونیکا" توسط ارکستر سمفونیک WDR به رهبری مارک یانوفسکی Marek Janowsky اجرا می شود. Eroica بارزترین انعکاس آوایی انقلاب کبیر فرانسه به شمار می رود.

بخش دیگر به "پهار عرب" اختصاص دارد که در آن "سدا رودر" (Seda Roder)، پیانیست ترک تبار، در یک اجرای رسانه ای تحت عنوان "آوازهای بهاری"، قطعاتی از موسیقی دانان دنیای عرب را معرفی خواهد کرد. در این اجرا انقلابهای دنیای عرب که پیامدهای آن در حال حاضر اروپا را تحت تاثیر قرار داده، از طریق موسیقی، ترانه و رقص بیان خواهند شد.

بقیه در صفحه ۱۷

خانواده های کم درآمد هستند. آنها در مدرسه موسیقی لنی کوردولا گیتار یاد می گیرند.

هنرمندان علیه سرطان



در همان حالی که لنی مشغول آموزش به کودکان افغان می شود، "صدای آمریکا" گزارش کرد که جمعی از خوانندگان آمریکایی در کنسرتی زیر نام "در مقابل سرطان بایستیم"، تعدادی از ترانه های "دیوید بووی"، خواننده فقید انگلیسی، را روز سه شنبه ۱۹ شهریور در تالار "رایمن" در "نشویل" اجرا کردند که این کنسرت از شبکه های مختلف پخش شد.

در این کنسرت "کیت اربن"، گروه Little Big Town و "دیبرکس بنتلی" از جمله ترانه "قهرمانان"، از آثار معروف و بیاد ماندنی دیوید بووی، را اجرا کردند.

همه این هنرمندان، نزدیکان خود را به دلیل ابتلا به سرطان از دست داده اند. کیت اربن پدرش را و یکی از اعضای گروه Little Big Town خواهرش را از دست داده است و خود دیوید بووی هم در زمستان گذشته به دلیل ابتلا به سرطان در گذشت.

لغو کنسرت در کرمانشاه به خاطر سوریه

اگر چه جهان در ماه گذشته چون همه ماههای دیگر در بطن موسیقی زیست، اما از ایران همچنان خبر لغو کنسرتهاست که می شنویم، به طوری که طبق گزارش "راديو زمانه" قرار بود یکشنبه ۲۱ شهریور کنسرت "گروه پالت" در بیستون در استان کرمانشاه برگزار شود، اما به بهانه برگزاری مراسم پاسداران کشته شده از این استان در سوریه، کنسرت مزبور لغو شد.

ترویج حجاب اجباری در کانادا توسط گروه پاپ اعزامی از ایران

راديو زمانه همچنین در گزارش دیگری می گوید گروه موسیقی "چارتار" از زنانی که در کنسرت این گروه در شهر "کلگری" کانادا شرکت کرده و خواسته بودند با آنها عکس یادگاری بگیرند، تقاضا کرده که حجاب داشته باشند و برای این کار روسریهایی را هم به این زنان داده است.

این اقدام گروه موسیقی مزبور واکنشهایی را در شبکه های اجتماعی ایجاد کرده و گروهی از کاربران، هم تقاضای گروه و هم پذیرفتن این خواسته را از سوی زنان مورد انتقاد قرار داده اند.

سخن ماه:

رژیم "قدر قدرت" و وحشت از برگزاری کنسرت موسیقی

در خبرهای ماه اخیر خواندیم که با ممانعت علم الهدی، امام جمعه مشهد، از برگزاری کنسرتهای موسیقی در این شهر و عقب نشینی فضاقت بار وزیر "دولت تدبیر و امید"، بالاخره دولت چاره نهایی را در آن دید که با برنامه ای مشخص و از پیش تعیین شده و با قدرت کامل به صف کانون نویسندگان ایران حمله کرده و مانع از برگزاری نشست سالانه آنها شود. روز جمعه پنجم شهریور ماه ۱۳۹۵، ماموران امنیتی با حضور در محل برگزاری مجمع عمومی سالانه کانون نویسندگان ایران مانع برگزاری این مجمع شدند. رژیم بدین ترتیب در صدد بود که با یک تیر دوشان بزند:

۱- ناتوانی خود در مقابل امامان جماعت را لااوشانی کند ۲- با سرکوب نویسندگان و قلم به دستان، "قدر قدرتی" خویش را به نمایش بگذارد.

ترس و وحشت رژیم از شادمانی و نشاط و همچنین آگاهی مردم مختص دیروز و امروز نبوده و نخواهد هم بود. بگذریم از این که مردم شهرستان تفت در استان یزد، در تب و تاب همین کش و قوسهای رژیم و دولت و امامان جماعتش که گویا به یک ملوک الطوایفی پنهان روی آورده اند، گوشمالی جانانه ای به آنها داده و با پافشاری و اصرار در کنسرت شهرام ناظری و حافظ ناظری شرکت کرده و کفن پوشان نوحه خوان ولایت را عقب زدند و بار دیگر بر این باور مهر تایید زدند که هرچا مردم پافشاری و اصرار کنند، رژیم چاره ای جز عقب نشینی ندارد.

در جهان موسیقی.....

هنرمند آمریکایی به کودکان افغان، گیتار آموزش می دهد



از این مقدمه که بگذریم، موسیقی را با موسیقی ادامه می دهیم. آنچه در ماه گذشته بر این هنر ارزشمند ایران و جهان گذشت از جمله آن بود که بنا بر گزارش "یورو نیوز"، مدرسه موسیقی "لنی کوردولا" (Lanny Cordola)، گیتاریست آمریکایی در کابل تشکیل شده است. براساس این گزارش، قدم زدن تا بالای تپه های کابل و نواختن گیتار با معلم موسیقی، به بهترین لحظه روز برای گروهی از دختران افغان تبدیل شده است که نزدیک به پنجاه کودک از

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۶

سخن سینما

تقدیر از لیلی امیرپور در ونیز



در ماه گذشته اخبار زیادی از سینما و موفقیت سینماگران و هنرپیشه های ایرانی داشتیم که به خلاصه ای از آنها بسنده می کنیم. اولین خبر آن است که بر اساس گزارشات خبری، فیلم "دسته بد" ساخته انا لیلی امیرپور، برنده جایزه "ویژه هیات داوران" جشنواره ونیز شد. فیلم "دسته بد" با شرکت "جیم کری"، "کیانو ریوز" و "سوکو واترهاوس" مدخل ۲۴ ساله انگلیسی، تماشاگر را به دنیای وهم انگیز و خشونت آمیزی می برد؛ به آرامش یک شهر خیالی در تگزاس که در آن رهبری خودپسند و مردم فریب، اهالی واژه ی شهر را که آوارگان، تیمان و بیماران روانی هستند، تشویق می کند که رویاهای خود را پیگیر باشند.

تایید حکم شلاق و زندان یک سینماگر

اما خبر بد سینمایی آن که بر اساس گزارش خودنویس، شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر دادگاه انقلاب تهران، حکم ۲۲۳ ضربه شلاق کیوان کریمی، فیلمساز کرد را تایید و محکومیت پنج ساله او را به ۵ سال تعلیقی و یکسال تعزیری تغییر داد. به گفته امیر ریسیان، وکیل مدافع کیوان کریمی، این حکم قطعی است و روز شنبه، یکم اسفندماه به او ابلاغ شده است. کریمی، پیشتر در دادگاه بدوی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به تحمل ۶ سال حبس و ۲۲۳ ضربه شلاق محکوم شده بود. وی در آذر ماه سال ۹۲ در پی ساخت فیلم "نوشتن بر شهر" بازداشت و بعد از ۱۲ روز با قرار وثیقه آزاد شد. این فیلم، یک مستند ۶۰ دقیقه ای است که به بررسی سیر تحولات اجتماعی سیاسی ایران پس از انقلاب ایران می پردازد.

نمایش فیلم "اسنودن" در جشنواره تورنتو

فیلم "اسنودن"، ساخته الیور استون Oliver Stone پس از مدتها انتظار در جشنواره تورنتو به نمایش در می آید. این فیلم بر اساس ماجرای ادوارد اسنودن، افشاگر برنامه های جاسوسی سایبری آمریکا ساخته شده است.

"اسنودن" که اولین بار در ماه ژوئیه در نمایشگاه فیلم "کمیک کن" سن دیگو حضور داشت، قرار است در سپتامبر ۲۰۱۶ در تمام سینماهای جهان به نمایش درآید. قرار است که تصویر این افشاگر مشهور نیز پیش از نمایش فیلم در جشنواره تورنتو روی پرده بیاید.



جشنواره بین المللی فیلم تورنتو یک جشنواره فیلم عمومی غیررقابتی است که هر ساله در ماه سپتامبر در تورنتو کانادا برگزار می شود. این جشنواره طی دهه های گذشته به یکی از معتبرترین رویدادهای هنری و سینمایی جهان تبدیل شده است.

در جهان ادبیات.....

کانون نویسندگان: حقوق ما سلب می شود

ماه گذشته را همانگونه که در خبرها خواندید با حمله نیروهای امنیتی به خانه یکی از نویسندگان و جلوگیری از گردهمایی سالیانه کانون نویسندگان آغاز کردیم که در این رابطه کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه به شرح ذیل خواهان احقاق حق خود در برگزاری مراسم و گردهمایی شد: "ما بارها اعلام کرده ایم نویسنده ایم و ما را با قدرت سیاسی کاری نیست، اما مخالف سانسور و خواهان آزادی بیان و اندیشه بی هیچ حصر و استثنا برای همگان هستیم و بدیهی است مجامع عمومی کانون نیز هدفی جز این را دنبال نمی کنند. اما طی ده روز اخیر سه تن از اعضای هیات دبیران کانون، فاطمه سرحدی زاده و اکبر معصوم بیگی، علی رضا عباسی و منشی کانون، قارن سوادکوهی و یکی دیگر از اعضای کانون، رضا خندان مهابادی به وزارت اطلاعات احضار و به آنان تاکید شده است از برگزاری مجمع عمومی کانون خودداری کنند.

شگفت این که حق تشکل و تجمع و حق امنیت در چهاردیواری مسکونی و خصوصی حتی به موجب همه قوانین جاری برای مردم تضمین شده و ممانعت از این حقوق، جرم و قابل تعقیب است. اما امروز دقیقاً همین حقوق سلب و لگدمال شده است. هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، ضمن اعتراض به جلوگیری از برگزاری مجمع عمومی کانون، اعلام می کند که برابر اساسنامه کانون، تا انتخاب هیات دبیران بعدی به وظایف خود عمل خواهد کرد."

یک ایرانی تبار نامزد جایزه ادبی

"آتوسا مشفق" نویسنده آمریکایی با تبار ایرانی بر اساس گزارش صدای آمریکا نامزد جایزه ادبی "من بوکر" شد.

کمیته بوکر که یکی از معتبرترین جوایز ادبی جهان است، ماه گذشته نامزدهای سال ۲۰۱۶ جایزه بوکر را شامل شش کتاب از نویسندگانی از کشورهای بریتانیا، کانادا، آفریقای جنوبی و آمریکا، معرفی کرد. یکی از شش نامزد امسال بوکر، کتاب "ایلین" نوشته "آتوسا مشفق"، نویسنده آمریکایی با تبار ایرانی است. این کتاب در باره زن جوانی است که در یک مرکز بازپروری مجرمان نوجوان در دهه ۶۰ میلادی و در "نیوانگلند" کار می کند.

آتوسا مشفق از مادری کروات و پدری ایرانی در شهر بوستون در ایالت ماساچوست آمریکا متولد شده است. او تا به حال دو رمان و چندین داستان کوتاه نوشته است.

شعر

و اما در شعر ماه سروده کوتاهی را می خوانید از امیر پرویز کارگر، شاعری خوش قریحه و رو به جلو:

دیروز

کارم پُرید

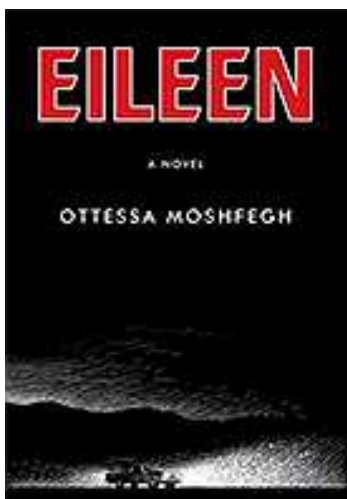
نامم گُم شد

پُر از خَسَم

انتقام نمی گیرم

اسیر نمی گیرم

حقم را می گیرم



دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

اعتراض و تجمع دانشجویان در محل سخنرانی معاون وزیر

بسیاری از دانشجویان و دانش آموختگان رشته تغذیه در حاشیه "دومین همایش بین المللی تغذیه ایران" با برپایی تجمع نسبت به سیاستها در مورد این رشته تحصیلی اعتراض کردند.

در این کنگره رییس سازمان غذا و دارو، معاون آموزشی وزارت بهداشت و رییس دانشگاه علوم پزشکی تهران شرکت داشتند و بیش از ۳۰۰ تن از دانشجویان و دانش آموختگان رشته تغذیه در حاشیه آن دست به تجمع زدند.

دانشجویان نسبت به اجرایی شدن آیین نامه دوره MDPHD در گروه تغذیه دانشگاه علوم پزشکی مشهد معترض هستند، زیرا با این آیین نامه دانشجویان پزشکی ترم آخر می توانند به طور مستقیم به دوره های دکترای تخصصی علوم پایه از جمله دکترای تغذیه وارد شوند. (خبرگزاری فارس، ۱۴ شهریور)

تجمع دانشجویان پیام نور مشهد در اعتراض به افزایش ناگهانی شهریه ثابت

جمعی از دانشجویان پیام نور مشهد با تجمع در برابر ساختمان شماره ۴ این دانشگاه به افزایش ناگهانی ۲۵ درصدی شهریه ثابت ترم تحصیلی جدید این دانشگاه اعتراض کردند.



این تجمع اعتراضی از آنجا آغاز شد که دانشجویان با مراجعه به سایت جامع گلستان پیام نور با افزایش ۱۸ درصدی شهریه ثابت رو به رو شدند که طبق روال سالهای گذشته برای بازگشایی سیستم انتخاب واحد آن را پرداخت کردند. اما فردای آن روز که برای انتخاب واحد اقدام می کنند، دوباره با پرتال مسدود به دلیل بدهی در پرداخت شهریه ثابت، خدمات و بیمه دانشگاه مواجه می شوند درحالی که روز گذشته شهریه ثابت را به طور کامل پرداخت کرده بودند و این اقدام موجب اعتراض جمعی از آنها شد.

یکی از دانشجویان معترض در این رابطه گفت: "زمانی که به پرتال خود مراجعه کردم، باید مبلغی علاوه بر شهریه ثابت به ازای خدمات دانشجویی، فرهنگی و بیمه درمانی پرداخت می کردم، در صورتی که این هزینه در ابتدای ثبت نام دانشجویان محاسبه می شود."

علیرضا اکبری، مسوول امور جاری دانشگاه پیام نور مشهد، در جمع دانشجویان حاضر شد و در باره اعتراضات صورت گرفته اظهار کرد: "دانشجویان در یک نامه مشخص، اصل اعتراض خود را بنویسند و ما نیز شماره و تاریخ این نامه را اعلام خواهیم کرد تا قابل پیگیری باشد."

بقیه در صفحه ۱۹

تجمع کردند. بعد از پیگیریهای مکرر دانشجویان رشته پرتو پزشکی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد برای جلوگیری از حذف این رشته و بیکار شدن دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته در مراکز درمانی و بیمارستانها، جمعی از این دانشجویان و فارغ التحصیلان صبح امروز در مقابل ساختمان وزارت علوم تجمع کردند. (خبرگزاری دانشجو، ۶ شهریور)



تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

بیش از ۹۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به لغو قانون سنوات مقابل دفتر ریاست دانشگاه تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسوولان دانشگاه شدند.



این دانشجویان در بیانیه ای اعلام کردند: "پیرو اجرای بی سابقه و شتاب زده قوانین سنواتی در دانشگاه تربیت مدرس و فشار جریمه های مالی، ما دانشجویان تحصیلات تکمیلی گردهم آمده ایم تا اعتراض خود را به این مساله بیان کنیم." این دانشجویان اعلام کردند: "ما تقاضا داریم برای رفع مشکلات مالی دانشجویان، دانشجویان ترم پنجم کارشناسی ارشد و ترم نهم دکترا مشمول قوانین سنواتی نشوند و جریمه های سنواتی را از ترم ششم کارشناسی ارشد و ترم دهم دکترا اعمال کنند. زیرا تنها دانشجویان در به تعویق افتادن دفاع از رساله پژوهشی مقصر نیستند، بلکه عواملی به ویژه کمبود منابع کتابخانه ای، آزمایشگاهی و فراهم نبودن امکانات لازم برای دفاع لازم از رساله و پایان نامه نیز در این امر دخیل اند."

گفتنی است قانون سنوات دانشجویی توسط مسوولان دانشگاه تربیت مدرس لغو شده و دانشجویان کارشناسی ارشد مجبورند هزینه ای اضافه بر هزینه ای که در طول ترم پرداخت می کنند، به دانشگاه بپردازند. (تسنیم، ۱۴ شهریور)

معاون استاندار گلستان: حاشیه نشینی یکی از آسیبهای جدی در زندگی دانشجویی است



معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: "برخی از دانشجویان به این دلیل که به لحاظ مالی امکان هزینه اجاره مسکن در شهرها و یا هزینه زندگی در پانسیونها را ندارند، در حاشیه شهرها زندگی می کنند که این یک آسیب جدی است."

علی اصغر طهماسبی در جلسه کمیسیون دانشجویی شورای تامین استان اظهار کرد: "حاشیه شهرها جایی است که مواد مخدر و بسیاری از آسیبهای دیگر اجتماعی در آن وجود دارد، از این رو از مسوولان دانشگاهها انتظار داریم به بررسی ابعاد این موضوع پرداخته و راهکارهای پیشگیری از حاشیه نشینی دانشجویان را در دستور کار خود قرار دهند." وی ادامه داد: "یکی دیگر از آسیبهایی که گریبانگیر جامعه دانشجویی ما شده، بحث اعتیاد و مواد مخدر است."

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار پیرامون گرایش دانشجویان به گروههای نوظهور گفت: "لازم است دانشگاهها حساسیت لازم را به این موضوع داشته باشند و گزارشات مستند خود را حتما به دستگاههای مرتبط ارسال کنند." (ایلنا، ۲ شهریور)

پایان تجمع سه هفته ای دانشجویان نفت

دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه صنعت نفت پس از سه هفته تجمع مقابل مجلس، صبح امروز در بیانیه ای ادامه تجمعات خود، به دلایل زیر را به صورت موقت پایان دادند.

"پیگیری از طریق رییس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، جناب حجت الاسلام و المسلمین محمدیان، که منجر به درخواست ایشان از وزیر محترم نفت و تاکید ایشان بر عدم نقض عهد از طرف وزارت نفت شده است و پیگیریهای نمایندگان مجلس شورای اسلامی"

همچنین گفته شده: "به علت طولانی شدن تجمع، امکان سوواستفاده از این حرکت حق خواهانه و کاملاً صنفی مطرح می باشد."

دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه صنعت نفت از روز یکشنبه ۱۷ مرداد ماه و در اعتراض به مساله استخدام شان مقابل مجلس تجمع کرده بودند و این تجمع تا روز دوشنبه ۱ شهریور ماه ادامه داشت. (تسنیم، ۲ شهریور)

تجمع اعتراضی دانشجویان پرتو پزشکی علوم تحقیقات

جمعی از دانشجویان رشته پرتو پزشکی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد مقابل ساختمان وزارت علوم

بازی بُرد - بُرد مُرتضوی و "آقا"یش

منصور امان

یکماه پس از آن که آقای سعید مُرتضوی، دژخیم محبوب آیت الله خامنه ای، خبر انتقال "اسنادی" از اقدامات خود به خارج کشور را به مقصد گیرندگان ارسال کرد، پروسه بسته شدن نهایی پرونده جنایی وی نیز روی غلتک افتاده است.

مقام پیشین ارشد قضایی جمهوری اسلامی، در یک نامه سرگشاده، با ژستی خودپسندانه و از موضع بالا، از خانواده های قربانیان خود در سیاهچال کهریزک "پوزش" خواسته است. وی برای کمرنگ کردن پُر اکراه آمیز خویش، عذرخواهی شوندهگان را به گونه نمایشی در انتهای لیستی قرار داده که با عنوانهای "تجمّلاتی" "امام زمان"، "امام راحل"، "رهبر عظیم الشان" و "ملت بُزرگ" آرایش شده است.

با این حال، آقای مُرتضوی توضیح نداده که بابت چه چیز "پوزش" می خواهد و بر مسوولیت "نظام" در ارتکاب کدام تبهکاری در کهریزک صحه می گذارد. او اما فراموش نکرده که جنایتهای سازمان یافته و مبتنی بر یک سیاست و رویکرد تبهکارانه در برابر اعتراضهای توده ای را "حادثه" توصیف کند و به این ترتیب زیر روایت ثابت دستگاه حاکم مبنی بر خودبه خودی بودن شکنجه، تجاوز جنسی و قتل بازداشت شدگان کهریزک و خودسر بودن عوامل اجرایی آن خط تاکید بکشد. این یک بازی بُرد - بُرد هم برای آقای مُرتضوی و هم برای اربابان او است. جلاد "نمونه" رژیم ولایت فقیه را نمی توان مُتهم کرد که در راستای تبریّه خود و "نظام" از جنایتهای ارتكابی تلاش نکرده است. او زمانی "ایست قلبی" را علت مرگ بازداشت شدگان اعلام می کرد و گاهی به اطلاع می رساند که در "منزیت" قاتل را شناسایی کرده است. گهگاهی نیز کتاهای پدر یکی از جان سپردگان در استفاده از ارتباطات خود برای آزادی فرزندش را عامل مرگ معرفی می کرد و در پرده آخر این نمایش دغلكارانه، او خود را از صحنه جنایت غیب ساخته و عُذر می آورد که در "مُرخصی تحصیلی" بوده است.

با اینکه همکاران آقای مُرتضوی در دستگاه قضایی دُرُوغهای موسمی او را شایسته دریافت پاداش بیگانهی از اتهام "معاونت در قتل" و "دادن گزارش خلاف" دانستند، اما این هنوز برای بستن پرونده کهریزک کافی نبود.

از بخت بد، پدر یکی از قربانیان او (مُحسن روح الایمنی)، یکی از نزدیکان "رهبر" و از اعضای باندهای نظامی - امنیتی زیر مجموعه بیت وی، از جمله "جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی" است. آقای عبدالحسین روح الایمنی به عنوان شاکی خصوصی، پیگرد آقای مُرتضوی را از "مقام مُعظم" درخواست می کرد؛ یک دادخواهی که چندان نیز با منافع باند حاکم ناسازگار نبود.

در همان حال که سایر خانواده های قربانیان و یا شاهدان زنده کهریزک با تهدید و تطمیع از شکایت و پیگیری پرهیز داده می شدند، شاکی "خودی" می توانست به گونه تبلیغی جای خالی دادرسی و شاکیان واقعی را پُر کند و فراتر از آن، پرونده این جنایت حُکومتی را به دعوا با شخص مُرتضوی کاهش دهد.

همزمان با آشکار شدن نشانه هایی از اینکه آقای مُرتضوی پس از هفت سال مشغولیت با بندبازی رووساییش در حال از دست دادن شکیبایی خود است و پای اسناد را به میان می کشد، راهکار "عذرخواهی" نیز روی میز قرار گرفت؛ یک سوراخ فرار آینده دار تر از "منزیت" و "مُرخصی تحصیلی" که به گونه تصادفی آقای روح الایمنی از ابتدا خواستارش بود و دادستان پیشین با لجاجت آن را رد می کرد. اگرچه وی اینک - هر چند با اکراه - به برداشتن گام مزبور رضایت داده است، اما این امر بدون تضمین مُعافیت از مجازات و مخومه شدن پرونده جنایت کهریزک به دست نیامده است.

عذرخواهی ریاکارانه آقای مُرتضوی، همچون مُحاکمه نمایشی اش، هیچ فاکتی را از جنایت تکان دهنده کهریزک تغییر نمی دهد و حتی یک برگ از پرونده آن را تا نمی زند. نقش شخصی این جلاد حُکومتی - به این یا آن صورت - فقط در کادر مُحاکمه آمران و سازماندهندگان بُردل جنایت که پُشت سر او پنهان شده اند، قابل بررسی و داوری است.

فراسوی خبر... سه شنبه ۲۳ شهریور

ابلاغیه وزارت علوم مبنی بر حذف این رشته و عدم پذیرش دانشجو در آن از سال ۹۵ مقابل دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تجمع کردند. براساس این گزارش، پس از رأی وزارت علوم مبنی بر حذف رشته «پرتو پزشکی» به منظور حفظ بازار کار پزشکان و رادیولوژیستها حاشیه هایی در فضای مجازی و نظرات بین دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته و رشته های پایه پزشکی ایجاد شد. اختلاف بین «رادیولوژیستها» و «پرتو پزشکیها» موجب دخالت وزارت علوم در این موضوع شده و وزارت علوم رأی به حذف رشته پرتو پزشکی داده که البته گفته شده دیگر «پرتو پزشکیها» هم در مراکز درمانی استخدام نشوند. (تسنیم، ۲۰ شهریور)

افزایش ۱۵ درصدی نرخ غذای دانشگاه علوم پزشکی اهواز



معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از افزایش ۱۵ درصدی نرخ غذای دانشجویی در سال تحصیلی جدید خبر داد و گفت: "افزایش قیمت براساس ارزیابی قیمت تمام شده است."

دکتر ساسان موگهی افزود: "در سال ۹۴ قیمت هر پرس غذایی که دانشجو پرداخت می کرد، ۹۵۰ تومان بود. امسال مطابق ابلاغ وزارتخانه به دانشگاه، قیمت هر پرس غذا با افزایش ۱۵ درصدی به ۱۱۰۰ تومان رسیده است."

وی درباره علت این افزایش ۱۵ درصدی با وجود تک رقمی شدن نرخ تورم ادعا داشت: "موضوع تورم جدا از محاسبه این نرخ است و قیمت هر وعده غذا برای دانشجویان با توجه به ارزیابی قیمت تمام شده اعلام می شود." (ایسنا، ۲۶ شهریور)

تجمع دانشجویان دانشگاه اصفهان

در اعتراض به هزینه سنوات

جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان ظهر امروز به دلیل تغییر مصوبات مربوط به سنوات تحصیلی دانشجویان کارشناسی و همچنین مشکلات خوابگاه و تغذیه دانشجویان ارشد و دکتری تجمع کردند. در این تجمع که در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه اصفهان برگزار شد، حدود ۱۰۰ تن از دانشجویان پیرامون مشکلات سنوات تحصیلی که از ترم ۹ به بعد برای انتخاب واحد دارند اعتراض کردند. برخی از دانشجویان ارشد و دکترا نیز به عدم تخصیص خوابگاه و هزینه زیاد آن معترض بودند.

مسوولان دانشگاه دانشجویان معترض را به داخل تالار "پیامبر اعظم" راهنمایی کردند تا با آنها گفتگو کنند. (خبرگزاری دانشجویان، ۲۸ شهریور)

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۸

وی اضافه کرد: "از جانب رییس دانشگاه نامه ای تهیه خواهد شد و به همراه نامه دانشجویان به تهران انعکاس داده می شود، حتما پیگیر پاسخ آن خواهیم بود." (ایسنا، ۱۶ شهریور)

تجمع دانشجویان دانشگاه پیام نور اهواز

در اعتراض به افزایش ۶۰ درصدی شهریه

دانشجویان دانشگاه پیام نور اهواز در اعتراض به افزایش ۶۰ درصدی شهریه ثابت این دانشگاه تجمع کردند. در این تجمع که در مقابل ساختمان نرمی برگزار شد، دانشجویان خواستار رسیدگی فوری مسوولان دانشگاه به این موضوع شدند. (خبرگزاری دانشجویان، ۱۶ شهریور)

پیام نور: افزایش هزینه علت افزایش

شهریه ثابت دانشگاه است

حسینی، معاون امور اداری و مالی دانشگاه پیام نور در واکنش به اعتراض دانشجویان این دانشگاه به افزایش شهریه ثابت برای سال تحصیلی جدید گفت: "افزایش شهریه متاثر از افزایش هزینه دانشگاه از قبیل آب، گاز، برق و... است. افزایش قیمتهدر کشور برای همه چیز است، به همین خاطر دانشجو را نیز شامل می شود. منتهی افزایش قیمت در دانشگاهها کمتر است."

حسینی در واکنش به خبر اعتراض دانشجویان دانشگاه پیام نور و تشکیل کمپین اعتراضی بیش از ۴۰۰ تن از آنها به افزایش شهریه ها و نوشتن نامه اعتراضی به دکتر رستمی، رییس دانشگاه پیام نور، اظهار داشت: "مگر قرار است هر کس اعتراضی می کند ما پاسخگوی آن باشیم؟ دانشگاه قانون را اجرا و در چارچوب آن حرکت می کند. این که دانشجویان به دکتر رستمی نامه نوشتند، خوب بنویسند، یا اینکه کمپین اعتراضی تشکیل داده اند، خوب تشکیل بدهند؛ ما نمی توانیم قانون را به خاطر اعتراض آنها بشکنیم و تغییر دهیم."

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس دست

به تحصن زدند

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به لغو قانون سنوات تحصیلی دست به اعتراض زده اند. آنها از روز ۱۴ شهریور در مقابل ساختمان ریاست دانشگاه تجمع کرده اند و دست به تحصن زده اند.

دانشجویان در اعتراض به لغو قانون سنوات تحصیلی، پلاکاردهایی با مضامین اعتراضی به دست گرفتند. بر روی این پلاکاردها نوشته شده است: "ریاست دانشگاه! کلید در دست توست"، "دانشگاه برتریم از همه بدبخت تریم"، "آیین چراغ خاموشی نیست" و "اعتراض ما صرفا صنفی است".

این اعتراض در حالی به سومین روز خود رسیده است که فضای دانشگاهها با وجود شعارهای دولت همچنان فضای بازی برای فعالیت های صنفی و سیاسی نیست و انجمنها و گروههایی که در دولت محمود احمدی نژاد زیر ضرب و فشار بودند، همچنان فضای چندانی برای فعالیت و عمل در اختیار ندارند. (ایلنا، ۱۷ شهریور)

تجمع اعتراضی دانشجویان رشته

پرتو پزشکی مقابل شورای انقلاب فرهنگی

جمعی از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته «پرتو پزشکی» روز شنبه ۲۰ شهریور در اعتراض به

از فرصت نوار صوتی باید سود جست

آرش رایجی

دروغین رژیم و ادعاهایش در پاکدستی و رافت اسلامی نام برد.

اما شاید مهمترین پیامد آن که در آینده احتمالا بیشتر در موردش خواهیم دید و شنید، به جان هم افتادن عمال رژیم است. بی شک با باز شدن پرونده های قضایی و همچنین با گسترش دامنه پرسشگری افکار عمومی، رویکرد جناحهای سیاسی به این مساله تغییرات اساسی خواهد کرد و عاملان کشتار، چه آنان که به کرده خود افتخار می کنند و چه آنان که کمتر اسم شان در میان است، با لو دادن پیشدستانه عاملانی که ناشناخته تر یا کمتر شناخته شده هستند، سعی در اثبات بی گناهی خود خواهند کرد و با ادامه این روند به زودی شاهد پر شدن لیستی بلندبالا از جلاان ریز و درشت رژیم و بیان حوادث و اتفاقاتی که تا به حال از عموم مخفی نگه داشته شده، خواهیم بود.

فعالان حقوق بشر و تمام کسانی که از لحاظ فکری نسبت به پیگیری این جنایات همسویی دارند، باید این فرصت مهم را غنیمت شمرده و از هر طریق نسبت به گسترش دامنه های آن و فشار بر رژیم تلاش کنند. تمام فعالان می بایست در درجه اول نهایت حمایت از احمد منتظری را به عمل آورند تا هزینه های این افشاگری برای او به حداقل کاهش یابد و بدین طریق افراد دیگری هم که قصد بیان ناگفته هایی را دارند ولی از عواقب آن می ترسند، شجاعت لازم را به دست آورند.

در درجه دوم فعالان می بایست با ادامه روند پرسشگری و جلوگیری از توقف روند حقیقت یابی و رو کردن نام عاملان جنایات و صد البته قربانیان آن، از موضوعات انحرافی که رژیم برای اخلاص در روند پیگیریها به میان می کشد بپرهیزند.

و آخرین موضوع این که کسانی که به نوعی در این رابطه دغدغه ای دارند، باید در روند هماهنگ با هم هر چه سریع تر با استفاده از ابزارهای ممکن یک روند منسجم قضایی را در جهت محکومیت رژیم دیکتاتوری ایران آغاز کرده و از طولانی شدن این روند که موجب فرسایش نیروها و کم اهمیت شدن تدریجی موضوع می شود، جلوگیری کنند.

تکذیب می کرد، این ظن را در ذهن پر رنگ تر می کند، به ویژه که او در روند قضایی توانسته بود اتهامات بسیار خطرناکی چون معاونت در قتل عمد را از سر بگذراند و تیریه شود.

مرتضوی چونان مهره ای کم ارزش به فرمان رژیم در راستای به انحراف کشاندن توجهات پرسشگران کشتار ۶۷ حاضر به پذیرش این عمل شده تا شاید دوباره جایی در حاکمیت بیاید اگر چه نه در لباس پیشین اش در سازمان قضایی، اما شاید در نهادی اقتصادی و یا حتی سیاسی؛ چونان سایر جلاان رژیم که پس از فراغت از امور قضایی و امنیتی و نظامی وارد امور



سیاسی اقتصادی می شوند. عوامل قتلهای زنجیره ای و یا سرداران سپاهی سابق، که حالا برج ساز و تاجر و نماینده مجلس و... هستند، نمونه هایی قابل ذکرند. به هر رو، رژیم چه از این طریق و چه از طرق دیگر به تلاش خود در جهت فراموشی و فراموشاندن این لکه خون دامنگیر در تاریخ خود ادامه خواهد داد. اما نکته مهم، اقدام شجاعانه آقای احمد منتظری و چگونگی مواجهه فعالان حقوق بشری و حامیان پیگیری قتلهای سیاسی با این اقدام است. از بزرگترین پیامدهای این افشاگری، می توان از شکستن تابوی صحبت در مورد اعدامهای ۶۷ افشای مستند نام عاملان اصلی کشتار، شجاعت یافتن سایر کسانی که به نوعی اطلاعاتی راجع به این جنایات دارند برای افشای دانسته های شان، شکستن قداست

پس لرزه های شدید افشاگری بی سابقه کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ توسط احمد منتظری در حالی همچنان ادامه دارد که واکنشها و نحوه مواجهه عاملان آن جنایات بیش از این افشاگری خبرساز بوده است!

هر روز که می گذرد، جناحهای مختلف رژیم دچار سراسیمگی و استیصال بیشتری می شوند و پاسخهای هیجانی و غیر عقلانی بیشتری از آنان نسبت به این رویداد مخاברה می شود. این واکنشها نشانگر عمق غافلگیری رژیم و عمالش از افشای این رویداد مستند و غیرقابل انکار است.

گذشته از این، یکسانی و شباهت بی اندازه واکنش جناحهای مختلف سیاسی رژیم به انتشار فایل صوتی جلسه محرمانه آیت الله منتظری با عاملان قتل عام زندانیان سیاسی، از میزان همدستی وهم سودی آنها در انجام این پروژه حکایت دارد.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که تمام جناحهای سیاسی اعم از "اصلاح طلب" و "اصول گرا" و همچنین تمامی افرادی که به نوعی در دستگاه حاکمیت صاحب مسند و مقامی بوده یا هستند، با شدت و ضعف گوناگون در جنایات رژیم که بزرگترین آن کشتار ۶۷ است، دست داشته اند. حتی نسلهای دوم و سوم مسوولان حکومتی و همفکران شان همچون حسن خمینی نیز با حمایت از این قتلها و عاملان اش به نوعی شریک جرم این قتل عام محسوب می شوند که البته خودشان هم بی هیچ ترس و واهمه ای به این حمایت افتخار می کنند که همین گواهی بر صدق ادعای ماست.

فارغ از واکنش عاملان این جنایت بزرگ و همفکران شان، نگارنده اعتقاد دارد که این افشاگری چنان هزینه زیاد و فشار سهمگینی بر رژیم وارد آورده که به هر شکلی سعی بر سرکوب افشاگران و حامیان شان و همچنین انحراف افکار عمومی نسبت به این تابوی ترسناک سی ساله دارد. از این نگاه، حتی اعترافات و عذرخواهی قاضی بدنام، مرتضوی، در رابطه با جنایات کهریزک در این مقطع چیزی جز تلاش برای انحراف افکار عمومی از پیگیری جریان قتلها ۶۷ نیست.

بی شک سعید مرتضوی جلااد مشهور و قاضی بدنام در بسیاری از جنایات و همچنین مفاسد اقتصادی در دو دهه اخیر دخالت مستقیم داشته است و صد البته گذشته رژیم اسلامی مملو از جرایم جنایی کوچک و بزرگی است که برای هر کدام می توان پرونده مستقلی در دادگاههای حقوق بشری باز کرد. لیکن این اعترافات در چنین برهه ای، آنهم در حالی که خود مرتضوی پیش از این، تمام اتهامات علیه خود را



کاش وقتی آقای منتظری می شنید که یک زن باردار اعدام شده عمامه به زمین می کوبید

شعله پاکروان



یک روز پیش از عید قربان ۱۳۹۳ بعد از اذان صبح از خانه به طرف قم حرکت کردیم. فریدون و من. خواستیم بدانیم چه شده که پاپ از واتیکان در فاصله چند هزار کیلومتری صدای ریحان مان را شنید اما مراجع و روحانیون شیعه در فاصله ای اندک (قم تا قرچک ورامین) با کمتر از ۱۳۰ کیلومتر، نشیندند. به دفتر روحانیون طراز اول مراجعه کردیم. به دفتر تک تک شان. بعضی تا فهمیدند چرا رفته ایم عذرمان را خواستند. اما بعضیهای شان پای حرف مان نشستند. گفتیم به دخترمان ظلم شده، بر ما ستم رفته، آمده ایم بگویم آن چه را بر ما گذشته و می گذرد. تا فردای قیامت که ریحانه مهمتتان می کند، نگویید خبر نداشتیم و نمی دانستیم.

با دختری جوان همراه شده بودیم. عکاس و خبرنگار بود. با این که نهار صرف کرده بودیم در منزل آقای احمد منتظری سفره ای پهن شده دیدیم که همسرش آراسته بود. هر سه بی آنکه حرفی از صرف نهار بنهیم بر سر سفره نشستیم و میهمان زن و شوهری بس آرام و انسان شدیم.

اینها را گفتم تا بگویم از آقای احمد منتظری و خانواده اش جز احترام و مهربانی چیزی ندیده ام. این روزها صدای پدر مرحوم شان پخش شده و نقل محافل است، با این که انگیزه ایشان را در نگهداشتن این فایل صوتی و انتشارش بعد از ۲۸ سال را نمی دانم، اما گفتگوها از نگاهی تکان دهنده است، مو بر تن راست می کند. درست است که این سند آب خنکی بر جگرهای سوخته بازماندگان همه اعدامهاست. اما انتظارات خیلیها را برآورده نمی کند.

آیت الله منتظری، تقریباً ۱۲ سال بعد از آن جلسه که حقایق تلخ در آن مطرح شد، در قید حیات بودند. بی شک این تنها جلسه نبوده و گفتگوهای بسیاری از ایشان باقیمانده که شاید ابعاد هولناک دیگری از آن روزهای پر اعدام را فاش می کند. کاش به پسرشان می گفتند: احمد آقا حالا که تکنولوژی به کمک انسان آمده، بیا و شرح جلسات را یکی یکی منتشر کن. یا اینکه قبل از حصرشان می گفتند امار دقیقی از اعدایمان دریاورند. بین دو رقم چهار هزار و سی هزار نفر فاصله ی زیادی وجود دارد. ۲۶ هزار انسان، که هر کدام پدری و مادری و خویشاینی داشتند. در ذهنتان تصویر کنید. ۲۶ هزار نفر که از امار حذف شده اند.

پس از انتشار این سخنان، کسانی صحبت از عذرخواهی و کسانی به دفاع از اعدامها پرداختند. کسانی هم سکوت کردند. گویی این فایل صوتی تبدیل به محکی شد برای مردم که شعارهای توخالی را بسنجند.

دروم آرام نمی گیرد. با یک فرمان، چوبه ها به پا شد تا سرنوشت جوانان محبوس با یک جمله روشن شود. "آیا سر موضع هستی؟" همه پدران و مادران می دانند که نوجوانان تا سنین جوانی سری پرشور دارند و باید سالها بگذرد تا به ثبات فکری برسند. نوجوان پانزده شانزده ساله چه می داند در آینده به چه ایده ای خواهد گروید؟ اصلاً مگر آنها محاکمه نشده بودند؟ مگر دوران حبس شان را نمی کشیدند؟ سی هزار مادر و پدر در سکوت به سوگ نشستند، چند تایشان با شنیدن خبر اعدام عزیزشان سکنه کردند؟ چند نفرشان اصلاً خبردار نشدند که چه بر سر نازنین فرزندشان آمد؟ برای چند جان بخته مراسم سوگواری گرفته شد؟ چرا بسیاری نتوانستند مراسمی بگیرند؟ چند زن حامله در میانشان وجود داشت؟ چند نفرشان هنگام دستگیری کمتر از ۱۸ سال داشتند؟ چند نفرشان دختر

ایشان نخواست با بار سنگین ریختن خون بیگناه، به دیدار خالق هستی رود.

اما، کاش مرحوم منتظری به شکل دیگری صحبت می کرد. به جای آن که بگوید در ماه محرم اعدام نکنید می گفت اعدام نکنید. کاش وقتی می شنید حتی یک زن باردار اعدام شده عمامه بر زمین می کوبید و پای برهنه تا تهران می آمد. کاش وقتی می شنید حتی یک نفر زیر ۱۸ سال اعدام شد، بر بام خانه اش می رفت و بلند بلند فریاد می زد و اذان می گفت. اذان. همان که یک عمر شنیدیم و از سوم ابان ۱۳۹۳، سحرگاهانی که ریحانم را به دار جفا کشیدند، تنم را می لرزاند. همان که برای مردم دور از اعدام نشانه وقت نماز است یا گشودن روزه. نشانه چرخش خورشید است. اما برای بازمانده اعدام نشانگر خفه شدن دلبندی نازنین است. هر شب لحظات بی خوابی مرا در تراس خانه ام می گذرانم. تا وقتی که مسجد محل اذان می گذارد، رعشه بر اندامم می افتد و حلق آویز کردن ریحانم را با تمامی وجودم بازسازی می کنم، این لحظات تنم را چنان می لرزاند که عرق می کنم. سراپا دردم، اما به اتاق باز می گردم تا شاید ساعتی بخواب روم، می خوابم در حالی که بسیاری خود را به خواب زده اند تا هیچ نگویند در باره ی اعدام، این نشانه ی بربریت.

منتشر شده در ۱۲ شهریور ۱۳۹۵



و چند نفرشان پسر بودند؟ گورهایشان کجاست؟ تک به تک دفن شدند یا دسته جمعی؟ آخر صحبت از هزاران انسان است.

برای سوالهای بیشمار پاسخی نمی یابم. نه مسئولان پاسخ می دهند و نه آگاهان از عمق ماجرا. بالاخره اینها محاکمه شدند یا بدون محاکمه اعدام شدند؟ وکیل داشتند؟ آیین دادرسی و تشریفات قانونی برای شان رعایت شد یا نه؟ بعضی هول شده و ابراز نظر کرده اند که این اقدام برای حفظ نظام بوده. این که بدترین نوع توهین به نظام است. چرا که مننای ضد خود را دارد. مگر نظام با اعدام حفظ شده است؟ چرا مقامات وقت سکوت کردند؟ آن زمان رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس مجلس و رییس قوه قضائیه داشتیم. آنان چرا هیچ نگفتند. اکنون چه دارند که بگویند؟

ریحانم آن زمان نه ماهه بود. همان زمان که داشتم بازیهای کودکانه می کردم با دخترم، دخترانی به چوبه سپرده می شدند. بی خبر از سرنوشت هزاران جوان، دندانهای شیری ریحانم را می شمردم. وقتی در آغوشم می گرفتم و حظ می کردم از بازیگوشیهایش، مادرانی در حسرت در آغوش گرفتن فرزندان اعدام شده شان بودند. چنان مشغول زندگی ام بودم که خبر نشدم مادرانی دست شان را روی دهان شان فشار می دهند تا صدای ناله های شان را همسایه هم نشنود. آیا اگر صدای شان را می شنیدم، می شنیدیم چه تغییری در سرنوشت دیگران ایجاد می شد؟ با خودم کلنجار می روم، آیا به سهم خود اعتراض می کردم، اعتراض می کردیم؟ اگر صدایمان درمی آمد، کار به اعدام ریحان و ریحانه ها می کشید؟ یا این که می گفتیم به ماچه؟ همانطور که در باره ی کردها و ترکمنها و سنیها و... گفتیم به ما چه. هنوز هم می گوئیم. اینجاست که ارزش کار مرحوم منتظری روشن می شود. آسان نیست گذشتن از بالاترین امکانات مادی. آسان نیست گذشتن از قدرت و ثروت. آسان نیست شکستن سکوت و در صف مدافعان انسانیت بودن.

جنبش دادخواهی ملت ایران

دکتر محمد ملکی

دفاع "اصلاح طلبان" از کُشتار زندانیان و حمله امنیتی به احمد مُنتظری

منصور امان

"اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی که تاکنون در برابر انتشار سند تازه ای از جنایت کُشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ سکوت کرده بودند، اینک زیر فشار بازتاب گسترده آن، به مصلحت خود دیده اند که بدان واکنش نشان دهند. حال اگر کسی می پندارد که این باند حکومتی دستکم در این مورد آشکار و به خون آغشته که شوربختانه هیچ خفیه ای برای توجیه و بندبازی تقدیم نمی کند از تبهکاری "نظام" فاصله می گیرد، موسسه خجّت الاسلام مُحمد خاتمی با کمال میل او را از این توهّم بیرون می آورد.

مُذیرعامل "بنیاد یاران"، یک اُتاقی فکر اصلاح طلبان حکومتی که توسط آقای خاتمی تاسیس شده است، به گونه رسمی به سکوت و به ظاهر بی طرفی طیف مزبور پایان داده و دفاع آن از جنایت مزبور را اعلام داشته است. این اقدام پس از آن صورت گرفت که یک تریبون نظامی - امنیتی (مخبرگزاری فارس)، با لحنی تهدید آمیز از "چپهای خط امامی" سووال کرد "چرا از امام خمینی در مُقابل مُنتظری دفاع نمی کنید؟".

آقای جواد امام کُشتار دسته جمعی هزاران زندانی را "کاملاً قانونی" معرفی کرده و این داوری را با "جرم مغفول مانده و اعمال مُجرمانه در حین تحمّل کیفر" مُدلّل کرده است. "اصلاح طلب" حکومتی به دلایل فهم پذیر توضیح نداده که چگونه آیت الله خمینی و دژخیمان مامور شده او "جرم مغفول" هزاران تن را یکباره و همزمان کشف کردند. او همچنین برشماری "اعمال مُجرمانه" ای که اسیران در زندان و "در حین تحمّل کیفر" مُرتکب شده بودند و چندان بزرگ بوده که فقط با اعدام و چوبه دار کیفر می یافته است را به مُخاطبان بدهکار مانده است.

بلاهت ورم کرده ای که از روزنه های این وصله پینه ناشیانه حقوقی بیرون زده، گویا بر اُتاقی فکر آقای خاتمی نیز آشکار بوده است، زیرا کمی جلوتر ایده توجیه جنایت را واگذاشته و شانس خود را با بیگناه جلوه دادن جنایتکار امتحان کرده است. موفقیت "جواد امام" در اینجا هم چندان چشمگیر نیست و در همان سطح عقلی پیشین حرکت می کند. او مدعی شده است که علت صدور فرمان قتل زندانیان از سوی آقای خمینی، "گزارشهایی است که به ایشان داده شده".

این تازه ترین و - مُصفاً باید گفت - مُبذّل ترین توجیهی است که تاکنون برای شستن خون از دست آیت الله خمینی روی بساط ماله کُشهای "دوران طلایی" گذاشته شده. حتی اگر فرض بر این گرفته شود که ریش آقای خمینی را اطرافیان در دست داشته اند و آنها او را به این سمت کشانده اند، این باز هم نه انرژ و پتانسیل تبهکارانه وی در صدور فرمان هزاران قتل به هر بهانه ای را می پوشاند و نه او را که حلقه اول در ارتکاب یک جنایت دسته جمعی بوده، تبریه می کند.

مُذیر بُنگاه آقای خاتمی فقط به صدور گواهی ایستادن "اصلاح طلبان" در صف قاتلان دیروز اکتفا نکرده، بلکه با پرورنده سازی برای آقای احمد مُنتظری به مدد گداهای عاریتی دستگاه امنیتی "نظام"، وفاداری بی گسست و فعال این طیف حکومتی به آیین سرکوب و کُشتار را به امام و عاملان مُعاصرش نیز یادآور شده است.

موضوعی "یاران" کُشتار ۶۷ بار دیگر به همگان نشان داده است که دفاع باند "اصلاح طلب" از سرکوب مُخالقان، دگرانديشان، اقلیتهای ملی و دینی، زنان و جُر آنها، بسا فراتر از یک اجبار برای بقای سیاسی است. "اصلاح طلبان" خود برای بقا و حفظ چشم انداز قدرت سیاسی به این سرکوب نیاز دارند و مُدافع آن هستند.

فراسوی خبر... سه شنبه ۲ شهریور

به این قتل عام و جنایت علیه بشریت افتخار می کنند و می گویند که باز هم به کار خود ادامه می دهند!!!

وای بر شما و وقاحت و بی شرمی تان... مطمئن باشید که به زودی اسرار دیگری از جنایات شما فاش خواهد شد و ملت بیش از پیش شما شیطان صفتان را خواهد شناخت و داد خود را از شما خواهد ستاند.

هموطنان؛ حال وظیفه مردم و خانواده های قربانی



داده چیست؟ و چه باید کرد؟

سردمداران "نظام ولایی" چنین تبلیغ می کنند که اینها می خواهند به بهانه افشاء شدن فایل صوتی، کشت و کُشتار راه بینازند و انتقام گیری کنند! نه، هرگز چنین نیست.

این شما بودید که از روز اول روی کار آمدن جناب خمینی و دار و دسته اش، شعار "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" سر دادید و با ایجاد ترس و وحشت و کُشتار در زندان و شکنجه و اتهامات مسخره، که بعضی از آنها را "دکتر مهدی خزعلی" فاش کرد، مردم را به فکر چاره جویی انداختند و مجبور کردند تا گروهی برای دفاع از خود، دست به اسلحه ببرند. نه! جانبان! دیگر آن دوره سپری شده،

در زمانی که عده یی از مردم، از جمله سازمانی که باشما می جنگید، شعار "لغو حکم اعدام" می دهد، شما آب در هاون می کوبید.

نویسنده ی این سطور خود یکی از موسسین "لگام" یعنی "لغو گام به گام حکم اعدام" می باشد.

امروز این شعار به حق مطرح شده، که جنبش دادخواهی باید برپا گردد، تا آنها که در طی ۳۸ سال ظلم و ستم بر مردم، جامعه را به این روز انداختند، جوابگوی اعمال خود باشند، آنهم نه تنها مسأله ی قتل عام سال ۶۷، بلکه باید اسرار مربوط به جنگ هشت ساله و چرایی و چگونگی آن نیز بر مردم روشن گردد. آینده همه چیز را روشن خواهد کرد.

بگذار تا صبح دولتت بدمد، کین هنوز از نتایج سحر است.

مردم ما اهل کشت و کُشتار و انتقام گیری نیستند، مردم ما فقط اجرای عدالت را می خواهند و به امید روزی هستند که در یک جامعه دموکرات، بدون ظلم و بی عدالتی، همه؛ زن و مرد، از حق برابر استفاده کنند، با زندگی انسانی و آرمانی زیست کنند.

پس بشتابیم به سوی برپایی جنبش دادخواهی در سراسر کشور و هر نقطه جهان که ایرانی وجود دارد. پروانه سوخت، شمع فرو مرد، شب گذشت.

ای وای من، که قصه دل نا تمام ماند.

زنده باد آزادی، پیروز باد "جنبش دادخواهی" محمد ملکی، شهریور ۱۳۹۵ - تهران

بسم الحق...

دیدید که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند.

هموطنان، دانشجویان، جوانان... آن روزها که پس از حدود پنج سال (۱۲ تیر ۱۳۶۰ تا اواخر مرداد ۶۵)

تحمّل زجر و شکنجه و توهین و تحقیر، که همراه با قیانی شدن، و بارها بوسه زدن کابلها بر پاهایم و مشت و لگد و سر به دیوار کوفتن و انواع شکنجه ها که نتیجه ی آن از دست دادن بینایی چشم چپ و شکسته شدن استخوانهای مچ دست راست و پاره شدن اعصاب آن در اثر آویزان شدن از سقف و شنیدن زشت ترین توهینها و بلاهای دیگری که بازجوها از جمله "کمالی" در شعبه ۶ زندان اوین و قزلحصار و حسین آباد بر سرم آوردند، مچاله و بیمار، با پستی خمیده و کلیه های آسیب دیده، که هر چند یکبار به جای ادرار خون دفع می کردم، ظاهراً از دست "جلادان مسلمان نما" رها شدم... ، بسیاری از افراد خانواده و حتی بچه محلیم مرا نمی شناختند و گاهی که برای بعضی به اصطلاح محرمها گوشه هایی از آنچه با من کرده بودند را می گفتم؛ کسی باور نمی کرد!!!

حزب اللهیها می گفتند؛ دروغ می گوید، و به حکومت "اسلامی!" تهمت می زند؛ و آنها که کمی منصف بودند، می گفتند؛ غلو می کند!

مگر ممکن است در "نظام ولایی" چنین اعمالی در زندانها صورت گیرد؟ و "جانبان" نیز به کلی منکر این حوادث بودند!

این روسیاهان خونریز می پنداشتند با دروغ و دغل و کتمان حقیقت، می توان این جنایات بزرگ را پوشاند، اما غافل از آن که افشای حقایق دیر یا زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد.

و دیدیم که پس از ۲۸ سال، با تمام تلاش آدم کشان، چگونه حقایق قتل عام ۶۷ در یک فایل صوتی افشا شد و مانند صاعقه به جان جنایتکاران بی شرم افتاد و آنها که تا چندی پیش، وقوع چنین فاجعه ای را تکذیب می کردند و آن را از دروغهای ساخته و پرداخته مجاهدین تبلیغ می کردند، امروز که پرده ها بالا رفته و حقایق پوشیده شده عریان گردیده است، مجبور به اعتراف شدند و بعضی نیز با کمال بیشرمی

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۵

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

به گزارش ایلنا، یکی از کارگران بایبان اینکه شب گذشته را در تهران سپری کردیم گفت: در حال حاضر یک سال تمام است که دستمزد نگرفته ایم و بلاتکلیفیم و در این یک سال دقیقاً هجده بار برای تجمع و اعتراض به ما داده نشده است. روز چهارشنبه ۳ پاسخ روشنی به ما داده نشده است. روز چهارشنبه ۳ شهریور، چهارمین روز از تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در تهران مقابل مجلس برگزار شد. این کارگران شب را در بهشت زهرا سپری کردند.

بامداد روز سه شنبه ۲ شهریور، کارگران قرارداد موقت بندر امام به همراه خانواده‌های شان در اعتراض به شرایط نامناسب مزدی مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، در این اجتماع اعتراضی نزدیک به ۷۰۰ تن از کارگران قرارداد موقت شاغل در واحدهای پتروشیمی بندر امام در اعتراض به تبعیض مزدی میان کارگران رسمی و موقت منطقه ویژه امام شرکت داشتند. کارگران قرارداد موقت خواستار اجرای مصوبه هیئت وزیران با موضوع: «ساماندهی حقوق و مزایای نیروهای قراردادموقت» هستند. تجمع اعتراضی کارگران و خانواده‌های آنان در روز چهارشنبه ۳ شهریور، با وعده رسیدگی خاتمه یافت.

روز چهارشنبه ۳ شهریور، اهالی قاین با تجمع در مقابل بیمارستان شهدای قاین اعتراض خود در نبود متخصص و پزشک مناسب در این شهرستان را به وزیر بهداشت اعلام کردند. به گزارش خاورستان، مردم پلاکارت‌هایی مبنی بر این که «بیماران ما موش آزمایشگاهی نیستند و ما به متخصص نیاز داریم» همراه داشتند.

تعدادی از کارگران کارخانه کاشی و سرامیک احسان میبد در اعتراض به عقب افتادن حقوق و مزایای شان، در روز چهارشنبه ۳ شهریور، مقابل فرمانداری میبد تجمع کردند.

به گزارش «میدخبر»، این تجمع اعتراضی در پی عملی نشدن وعده‌ها و قولهایی که به کارگران این کارخانه داده شده بود صورت گرفت.

صبح روز شنبه ۶ شهریور، کارگران شهرداری بروجرد دست از کار کشیدند و در اعتراض به ۶ ماه حقوق معوقه از میدان امام تا شهرداری را راهپیمایی کردند و مقابل شهرداری تجمع کردند. کارگران پس از چند ساعت به سمت فرمانداری بروجرد رفته و مقابل فرمانداری اجتماع کردند. به گزارش بازتاب بروجرد، کارگران شهرداری بروجرد تا کنون چندین بار مقابل شورای شهر و شهرداری به همراه خانواده‌های خود تجمع کرده‌اند.

صبح روز شنبه ۶ شهریور، بیش از ۳۰۰ کارگر معدن ذغال سنگ طرزه در اعتراض به معوقات مزدی خود مقابل ساختمان اداری این معدن در شاهرود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معدن ذغال سنگ البرز شرقی با اعلام این خبر گفتند: بیش از هزار کارگر هستیم که چهار ماه است مزد پرداخت نشده طلبکاریم و تا این لحظه با وجود برپایی چند نوبت اجتماع اعتراضی و مراجعه به مسئولان مربوطه هیچ تغییری در شرایط ما ایجاد نشده است.

روز شنبه ۶ شهریور، صدها تن از کارگران شرکت دی.ام.تی وابسته به پلی اکریل ایران با تجمع در مقابل فرمانداری مبارکه خواستار پرداخت حقوق و مطالبات خود شدند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران معترض این شرکت اظهار داشت: تمامی کارگران شرکت دی.ام.تی از فروردین ماه تا کنون حقوق و دستمزدی از شرکت دریافت نکرده‌اند. بقیه در صفحه ۲۴

امنیت شغلی کارگران تا پایان ماه جاری (۳۱ شهریور) همه مطالبات معوقه کارگران را یکجا پرداخت کند.

روز دوشنبه اول شهریور، تعدادی از کارگران بیکار شده کارخانه قند فسا در اعتراض به عدم راه اندازی کارخانه، مقابل فرمانداری فسا تجمع کردند که مقامات فرمانداری پاسخی به خواسته‌های این کارگران ندادند. به گزارش ایلنا، کارگران کارخانه قند فسا ضمن ابراز نگرانی از عدم امنیت شغلی شان به دنبال واگذاری مالکیت و مدیریت این واحد تولیدی به بخش خصوصی، گفتند: در حالی که از ابتدای سال جاری فعالیت این کارخانه متوقف شده و از حدود ۳۰۰ کارگر این کارخانه تنها ۶۸ نفر باقی مانده‌اند، مسئولان دولتی حاضر به تامین شکر خام برای از سرگیری فعالیت این کارخانه نیستند.

روز سه شنبه ۲ شهریور، تعدادی کارگران اخراجی کارخانه سیمان دهلران به همراه خانواده به دادگستری این شهرستان مراجعه کرده و ضمن تجمع خواستار اعمال قانون درباره حکم بازگشت به کار خود شدند. به گزارش مهر، یکی از کارگران اخراجی کارخانه سیمان دهلران گفت: با وجود رای بازگشت به کار دیوان عدالت اداری، دادگستری و اداره کار، متأسفانه کارخانه سیمان دهلران به احکام صادر شده تمکین نکرده است.

روز سه شنبه ۲ شهریور، جمعی از کارگران شهرداری رشت در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان دست به تجمع مقابل شهرداری مرکزی زدند. به گزارش دیار میروز، در حالی که شهردار رشت پادشاهی ۲۰ الی ۳۰ میلیونی به مدیران را در اولویت قرار داده، بی عدالتی است که حقوق کارگری که سقف آن نهایتاً یک میلیون تومان است پرداخت نشود اما پادشاهی میلیونی به مدیران پرداخت شود.

روز دوشنبه اول شهریور، کارگران شرکت آذیت تبریز در اعتراض به تعویق ۹ ماه حقوق و بلاتکلیفی در وضعیت شغلی برای سومین روز متوالی در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در این تجمع گفتند: ۹ ماه است که نه مزدی به ما پرداخت شده و نه تکلیف شغلمان روشن است برای همین از سه روز قبل در اعتراض به بی‌توجهی مجموعه مدیریت کارخانه به تهران آمده ایم تا از سهامداران اصلی کارخانه بیکگیر مطالباتمان بشویم. روز سه شنبه ۲ شهریور، کارگران این کارخانه پس از تجمع سه روزه مقابل ساختمان هلدینگ سیمان فارس و خوزستان در تهران، با وعده پیگیری مشکلاتشان به تبریز بازگشتند.

روز چهارشنبه ۳ شهریور، جمعی از کارگران اخراجی شرکت نیشکر میان آب برای بازگشت به کار دست به تجمع مقابل فرمانداری شوش زدند. به گزارش ایرنا، شرکت مذکور اخیراً تعدادی از کارگران فصلی بخش کشاورزی را به بهانه تعدیل اخراج کرده است.

روز چهارشنبه ۳ شهریور و در ساعاتی که معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار یزد برای افتتاح پروژه‌های هفته دولت در محل فرمانداری میبد حضور داشت؛ دهها نفر از کارگران یک کارخانه تولیدی کاشی و سرامیک برای پیگیری مطالبات و حقوق و مزایای شان، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش نارین نیوز، کارگران در این تجمع اظهار داشتند علیرغم وعده‌های داده شده، حقوق چندین ماه گذشته خود را دریافت نکرده‌اند.

کارگران کارخانه فولاد زاگرس در اعتراض به عدم پرداخت یک سال حقوق، در روز دوشنبه اول شهریور برای دومین روز متوالی مقابل وزارت کار تجمع کردند.

۱۲۸ حرکت اعتراضی

روز دوشنبه اول شهریور، تجمع کارگران کارخانه فولاد زاگرس در اعتراض به عدم پرداخت یک سال حقوق مقابل وزارت کار برای دومین روز متوالی ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران با بیان اینکه شب گذشته را در تهران سپری کردیم می‌گوید: در حال حاضر یک سال تمام است که دستمزد نگرفته ایم و بلاتکلیفیم و در این یک سال دقیقاً هجده بار برای تجمع و اعتراض به تهران آمده ایم، اما تا کنون هیچ پاسخ روشنی به ما داده نشده است.

روز دوشنبه اول شهریور، کارگران اخراجی شرکت لبنی کاله در اصل با تجمع مقابل درب ورودی شرکت، خواستار بازگشت به محل کار خود شدند. به گزارش دانا، دلیل اصلی اخراج و تعدیل نیرو شرکت لبنی کاله، کاهش تولید بخشهایی از این شرکت است. به علت قطع روابط سیاسی با برخی از کشورهای منطقه صادرات این شرکت تولیدی کاهش یافته است.

روز دوشنبه اول شهریور، تعدادی از کارگران خدماتی شهرداری یاسوج به دلیل اخراج از کار مقابل شورای اسلامی این شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، شهرداری یاسوج برای انجام برخی از کارهای خدماتی خود، آن را به مناقصه گذاشته و در این مناقصه پیمانکار با مبلغ پائینی مناقصه را برنده شده است. این پیمانکار به دلیل اینکه مناقصه را با قیمت پائینی برنده شده، برای جبران ضرر و زیان خود اقدام به اخراج ۴۳ تن از ۱۷۰ نیروی خدماتی شهر کرده است.

روز دوشنبه اول شهریور، جمعی از کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد برای چندمین بار در سال جاری با تجمع در مقابل استانداری لرستان خواستار دریافت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. به گزارش ایرنا، کارگران این کارخانه به رغم وعده‌های مسئولان تاکنون دستمزدی دریافت نکرده‌اند.

ظهر روز دوشنبه اول شهریور، کارگران بیکار شده کارخانه نازنخ در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل استانداری قزوین زدند. به گزارش صبح قزوین، این کارگران مطرح کردند: ۷ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده و به هر نهادی مراجعه می‌کنیم کسی پاسخگو نیست. به گزارش فارس، در بین کارگران معترض زن، مرد، میانسال و مسن دیده می‌شد. یکی از کارگران زن به نام ن.ع می‌گوید: قصه کارخانجات نساجی نازنخ استان قزوین و ندادن حقوق سالها زحمت و تلاش این کارگران برای اکثر شهروندان استان قزوین قصه تازه‌ای نبوده و بر کسی پوشیده نیست.

روز دوشنبه اول شهریور، کارگران شرکت آذیت تبریز در اعتراض به تعویق ۹ ماه حقوق و بلاتکلیفی در وضعیت شغلی خود برای سومین روز متوالی در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: ۹ ماه است که نه مزدی به ما پرداخت شده و نه تکلیف شغلی ما روشن است.

روز دوشنبه اول شهریور، کارگران کارخانه فولاد البرز در استان قزوین برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، کارفرمای این واحد صنعتی امروز به ۱۵۰ تن از کارگران اجازه نداد تا طبق روال همیشه وارد محل کار خود بشوند. تعدادی از کارگران این واحد صنعتی با اعلام این خبر گفتند: همکاران شان در واکنش به این رفتار کارفرما برای دومین روز متوالی تجمع اعتراضی برپا کردند. در این روز کارگران پس از امضای یک توافقنامه به اعتصاب خود پایان دادند. قرار است کارفرما ضمن تامین

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۵

بقیه از صفحه ۲۳

مدیرعامل شرکت به ما پاسخ درستی نمی دهد و در نهایت امروز برای نخستین بار مجبور شدیم در مقابل فرمانداری مبارکه تجمع کرده و حق و حقوق خود را درخواست کنیم.

روز شنبه ۶ شهریور، کارگران بخش خدماتی شهرداری منطقه ۲ آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست به تجمع مقابل ساختمان این شهرداری زدند. یکی از کارگران حاضر در این اجتماع اعتراضی گفت: پیمانکار، کارگران را تهدید کرده که در صورت تجمع و اعتراض، از کار اخراج می شوند. به گزارش ایرنا، کارگران حاضر در این اجتماع اعتراضی، می گویند که از دهم مهرماه تا بیستم بهمن ماه سال گذشته، مبلغ بیمه، عیدی و مزایای آنها پرداخت نشده است.

روز شنبه ۶ شهریور، تعداد زیادی از کارگران کارخانه فولاد یاسوج در محل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کبنا نیوز، این کارگران با بیان این که به سازمانهای مختلف مربوطه، فرمانداری بویراحمد و حتی استانداری کهگیلویه و بویراحمد نیز در این زمینه مراجعه کردیم، اظهار داشت: متأسفانه هیچ اقدامی برای ما کارگران صورت نگرفت و همچنان حقوق ما را پرداخت نمی کنند.

صبح روز شنبه ۶ شهریور، جمعی از کارگران کارخانه فولاد کاه جنوب در بندرعباس دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش فرهنگ کده، شرکت فولاد کاه جنوب که سهام دار عمده آن «بنیاد مستضعفان» است، نزدیک به ۸ ماه است که تولید فولاد را آغاز کرده، اما هنوز به طور رسمی افتتاح نشده و قرار بوده در شهریور امسال افتتاح شود. بنا به گفته یکی از کارگران این شرکت، در این مدت نه تنها مشکلات پرسنل رفع نشده بلکه امتیازهایی که داشته اند هم از آنان سلب شده است.

روز شنبه ۶ شهریور، هنرمندان فعالان فرهنگی هنری در پی تخریب احتمالی بزرگترین تالار فرهنگی و هنری جنوب کشور در مقابل تالار بزرگ هنر رو به روی ترمینال مسافری جنب پارک دولت تجمع کردند. به گزارش فرهنگ کده، تخریب پروژه در حال ساخت مجتمع فرهنگی هنری بندرعباس (تالار مرکزی) کاملاً جدی است و ممکن است به همین زودی اتفاق بیفتد و اوایل مرداد امسال از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری بندرعباس حکم تخریب این پروژه به علت فرار گرفتن در حریم ۶۰ متری دریا صادر شده است.

روز شنبه ۶ شهریور، جمعی از کارگران حمل و نقل خرده بار در خیابان شوش تهران، در اعتراض به مسدود شدن مسیر تردد خودروهای سنگین و نیمه سنگین حامل بار، تجمعی اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایرنا، به واسطه اجرای عملیات تعریض قسمتی از خیابان شوش در محدوده خیابان بعثت، عبور و مرور خودروهای سنگین و نیمه سنگین حامل بار برای مدت سه روز آینده متوقف خواهد شد و از آنجایی که این اتفاق تأثیر مستقیم بر معاش روزانه آنها دارد، نسبت به این مساله اعتراض کردند.

روز یکشنبه ۷ شهریور، حدود ۱۵۰ کارگر خدماتی شاغل در بخشهای مختلف شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست از کار کشیدند و مقابل سازمان منطقه آزاد اروند اجتماع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایرنا، کارگران حاضر در این اجتماع اعتراضی گفتند که حدود ۲۱۰ کارگر هستند که از ابتدای سال جاری با سه پیمانکار مختلف قرارداد بسته اند.

روز یکشنبه ۷ شهریور، کارگران و پاکبانان شهرداری رشت در اعتراض به عدم پرداخت ماه حقوق شان دست به تجمع در سبزه میدان این شهر زدند. به گزارش ۸ دی، معترضان مسیر سبزه میدان، شهرداری تا میدان صیقلان شهر رشت را به صورت اعتراضی پیاده روی کردند.

روز یکشنبه ۷ شهریور، تجمع اعتراض آمیز رانندگان حمل و نقل کالای شهرستان تاکستان نسبت به شرکت‌های حمل و نقل این شهرستان در ورودی شهرک میلاد شهرستان تاکستان صورت گرفت. به گزارش فارس، رانندگان حمل و نقل با مسدود کردن ورودی شهرک میلاد تاکستان نسبت به دریافت بار ۲۶ تنی که از سوی شرکت‌های حمل و نقل این شهرستان به رانندگان تحویل داده می‌شود، اعتراض کردند.

صبح روز دوشنبه ۸ شهریور، تعدادی از کارگران پتروشیمی رازی در هشتمین روز از اعتراض شان نسبت به عدم اجرای طبقه بندی مشاغل ممنوع الورد شدند. به گزارش ایرنا، در حمایت از ممنوع الورد شدن کارگران این شرکت در حمایت از ممنوع الورد شدن همکاران خود پشت درب مجتمع رازی تجمع نمودند و از ورود به آن مجتمع خودداری کردند.

روز دوشنبه ۸ شهریور، کارکنان و رانندگان شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس در اعتراض به خصوصی سازی و عدم پرداخت مطالبات شان برای سومین روز متوالی اقدام به اعتصاب و تجمع مقابل شرکت کردند. به گزارش مهر، به دنبال واگذاری شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس به بخش خصوصی در دو ماه گذشته، مشکلات زیادی گریبانگیر کارمندان و رانندگان این شرکت شده است.

عصر جمعه ۵ شهریور، جمعی از رانندگان کامیونهای باربری تاکستان در اعتراض به دریافت حق کمیسیون باربری اعتراض کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به این موضوع شدند. به گزارش مهر، حق کمیسیون متعارف ۱۳ درصد است که باربرها برای دادن بار، کامیون داران را مجبور به پرداخت ۳۰ درصد کرایه به عنوان حق کمیسیون می کنند. این دریافت‌های نامتعارف موجب شده رقابت منفی بین رانندگان کامیون اتفاق بیفتد و آنها برای این که باربرها، بار را در اختیار آنها قرار دهند کمیسیون بیشتری پرداخت کنند. روز دوشنبه ۸ شهریور، رانندگان کامیون برای چهارمین روز در اعتراض به این رویه و تعیین تکلیف این موضوع تجمع کرده و از بردن بار خودداری کردند.

پیش از ظهر روز دوشنبه ۸ شهریور، جمعی از رانندگان بخش حمل و نقل جاده ای قزوین در مقابل فرمانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، این رانندگان برای اولین بار نیست که برای بیان مشکلات خود تجمع می کنند و قبلاً نیز در باربری قزوین با تجمع اعتراض خود را منتقل کرده بودند اما نسبت به خواسته های آنها رسیدگی صورت نگرفته است. این رانندگان علت اعتراض خود را توزیع ناعادلانه بار برای رانندگان سازمان حمل و نقل و عدم اعلام بار از سوی پایانه‌ها به مدت ۲۲ روز مطرح کردند و گفتند نسبت به عملکرد ضعیف مدیریت اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان قزوین اعتراض دارند.

روز دوشنبه ۸ شهریور، کارگران شرکت سرمایه گذاری مدوار مقابل دفتر سرمایه گذاری تجمع کردند. به گزارش کارگران کرمان، کارگران دلیل اعتراض خود را حقوق معوق و تعطیلی واحد تولیدی خود عنوان کردند.

به گزارش مطلع الفجر، صبح روز دوشنبه ۸ شهریور، تعداد زیادی از زنان شهرک نشین حاشیه گیلانغرب به عنوان اعتراض به نبود زیر ساخت‌های رایج از جمله گاز، جاده آسفالت، شبکه فاضلاب و نبود جدول گذاری و عدم برخورداری از فضاهای سبز و حتی فضاهای آموزشی در فرمانداری گیلانغرب تجمع و خواستار رفع مشکلات خود به عنوان شهروندان گیلانغربی شدند.

صبح روز دوشنبه ۸ شهریور، تعدادی از کارگران پتروشیمی رازی در هشتمین روز از اعتراض شان نسبت به عدم اجرای طبقه بندی مشاغل ممنوع الورد شدند. به گزارش ایرنا، در همین روز سیصد تن از کارگران این شرکت در حمایت از ممنوع الورد شدن همکاران خود پشت درب مجتمع رازی تجمع نمودند و از ورود به آن مجتمع خودداری کردند. به دنبال این اعتراضات ممنوع الوردی ۱۰ کارگر معترض ملغی شد.

با وجود بازگشت همه معترضان به داخل محیط کار، اعتراضات کارگران مجتمع پتروشیمی رازی روز سه شنبه ۹ شهریور، برای نهمین روز ادامه یافت.

روز سه شنبه ۹ شهریور، جمعی از اهالی روستای کمندان شهرستان ازنا در استان لرستان در اعتراض به عدم تکمیل ساخت سد مخزنی در این منطقه در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. به گزارش تسنیم، در این تجمع اهالی روستای کمندان شهرستان ازنا پلاکاردی در مقابل درب ورودی مجلس نصب کرده بودند که بر روی آن نوشته شده بود: «۱۳ سال از آغاز ساخت سد مخزنی کمندان ازنا گذشته است و ۱۳ سال بلا تکلیفی مردم در کسب و کار و ممانعت از ساخت و ساز مسکن برای جوانان متأهل روستا به همراه داشته است.»

صبح روز چهارشنبه ۱۰ شهریور، کارگران بیکار شده قند فسا در اعتراض به تعطیلی و فروش این کارخانه، دست به تجمعات اعتراضی مقابل کارخانه و فرمانداری زدند.

این کارگران پس از چند ساعت تجمع مقابل کارخانه بطرف فرمانداری قفسا راهپیمایی کرده و مقابل فرمانداری اجتماع کردند. به گزارش فارس، اغلب این کارگران سن بالای ۵۰ سال دارند و این سالها در دوران نیمه تعطیلی و تعطیلی کارخانه در شرایط بد اقتصادی بسر می‌برند چرا که با توجه به سن آنان و البته بیماریهای جسمی بسیاری که ناشی از سالها کار در کارخانه است، مورد توجه کارفرماها حتی به عنوان کارگر روزمزد نیز قرار نمی‌گیرند.

روز دوشنبه ۸ شهریور، جمعی از کارگران خدمات شهری شهرداری رشت به دلیل احقاق مطالبات معوقه خود مقابل شهرداری منطقه یک این شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، حقوق کارگران بخش رفت و روب شهرداری رشت از تیر ماه امسال پرداخت نشده و این موضوع موجب تجمعات اخیر کارگران و اعتراضات آنها شده است.

روز چهارشنبه ۱۰ شهریور، پاکبانان شهرداری منطقه یک رشت در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در منطقه گلزار رشت جنب بیمارستان گیل گلزار برای بار دوم تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از پاکبانان گفت: سه ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده ایم و حق بیمه ما نیز قطع شده است.

روز چهارشنبه ۱۰ شهریور، دهها تن از صیادان بوشهری به درخواست دریابانی برای کاهش قدرت موتورهای اعتراض کردند و دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند. به گزارش جوان، دریابانی از صیادان خواسته از قایق‌هایی که موتورشان توان ۱۰۰ اسب بخار دارد، استفاده نکنند و توان موتور قایق‌هایشان را کاهش دهند. دریابانی علت جلوگیری از فعالیت این قایق‌ها را سرعت آنها عنوان و اعلام کرده در صورت تخلف می‌توانند از دست مأموران فرار کنند.

ظهر روز شنبه ۱۳ شهریور، کارگران کارخانه های فرنگ و نازخ در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل استانداری قزوین زدند. به گزارش تسنیم، به گفته کارگران این دو مجموعه حقوق آنها از سال ۸۸ و سنوات بازتسستی آنها از سال ۹۰ پرداخت نشده است.

پیش از ظهر روز شنبه ۱۳ شهریور، همسران کارگران شهرداری لنگرود در ساختمان شورای این شهر تجمع کرده و در صفحه ۲۵

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۵

بقیه از صفحه ۲۴

کردند. به گزارش لنگر خبر، دلیل این تجمع اعتراض به عدم دریافت حقوق و پرداخت معوقات به کارگران شهرداری بود. حقوق کارگران شرکتی توسط شرکت مربوطه که با شهرداری قرارداد دارد باید پرداخت شود ولی به دلیل تاخیر شهرداری در پرداخت مطالبات، شرکت نیز در پرداخت حقوق کارگران خود با مشکل مواجه شده است.

روز شنبه ۱۳ شهریور، جمعی از کشاورزان روستای «عرب حسن» شوشتر در یک تجمع اعتراضی خواستار حل مشکل مالکیت زمینهای خود در این روستا شدند. به گزارش ایرنا، روز چهارشنبه ۱۰ شهریور این کشاورزان اولین تجمع اعتراضی خود را مقابل فرمانداری شوشتر برگزار کردند. یکی از کشاورزان در این تجمع گفت: اختلاف ملکی در این روستا باعث شده برخی کشاورزان چهار سال از کشت و زرع محروم شوند.

روز شنبه ۱۳ شهریور، اهالی شهرستان عنبر آباد در اعتراض به تخریب واحدهای مسکونی برای دومین بار مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش سفیر جنوب، در حالی که به مردم شهرک خود آفرین امکانات آب، برق و تلفن داده شده، اما چند روز پیش از این تجمع واحدهای مسکونی آنها تخریب شد. خدادادی از اهالی این شهرک گفت: تخریب واحدهای مسکونی در شهرک خدا آفرین هدیه دولت تدبیر و امید در هفته دولت به ما بود. وی افزود: ما تمام دارایی مان را به واسطه کشاورزی از دست داده ایم و هم اکنون منازلمان در حال تخریب شدن است.

روز شنبه ۱۳ شهریور، اهالی کتاب بابل به علت قطعی ۳۴ ساعته برق مقابل شهرداری تجمع کردند. به گزارش بلاغ، طوفان و باران شدید سبب قطع شدن برق در برخی شهرهای مازندران شد و به همین دلیل اهالی کتاب بابل در اعتراض به قطعی ۳۴ ساعته برق و عدم توزیع ایرانیت، مقابل شهرداری این شهرستان تجمع کردند.

روز شنبه ۱۳ شهریور، اعتصاب کارگران شرکت عمران مارون (پروژه سد سازی) در اندیشمک وارد هفتمین روز خود شد. به گزارش هرانا، این کارگران در پنجمین روز اعتصاب خود در روز پنج شنبه ۱۱ شهریور موفق شدند سه ماه از طلبهای عقب افتاده خود را از مدیر عامل این شرکت و شرکت کارفرما (دز آب) دریافت کنند. اما خواسته آنها تسویه حساب کامل حقوق عقب افتاده تا پایان مرداد ماه است. در واپسین ساعات اداری روز شنبه ۱۳ مرداد، کارگران معترض با قول مساعد مسئولان این شرکت به طور مشروط به اعتصاب خود پایان دادند.

صبح روز یکشنبه ۱۴ شهریور، جمعی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی رازی در اعتراض به شکایت کارفرما از تعدادی از همکاران آنها مقابل ساختمان دادگستری این منطقه تجمع کردند. به گزارش اینلنا، کارگران تجمع کننده در نهایت با وعده مقامات مسئول مبنی بر این که کارگران احضار شده آزاد خواهند شد، به تجمع خود خاتمه دادند.

روز یکشنبه ۱۴ شهریور، حدود ۵۰۰ تن از کارگران بازنشسته پیش از موعد به منظور احقاق حق خود مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش تسنیم، این کارگران از سراسر کشور از نهادهایی مانند هلال احمر، مخابرات و بنیاد شهید حضور داشتند که علت اعتراض خود را عدم دریافت حقوق خود می دانند.

روز یکشنبه ۱۴ شهریور، اعتصاب کارگران شهرداری منطقه ۸ شهر اهواز وارد دومین روز خود شد. به گزارش هرانا، کارگران شهرداری منطقه ۸ شهر اهواز

در اعتراض به ۴ ماه معوقات مزدی خود از روز شنبه ۱۳ شهریور دست به اعتصاب و تجمع زدند.

روز دوشنبه ۱۵ شهریور، جمعی از متقاضیان واحدهای مسکن مهر پردیس در اعتراض به واگذار نشدن واحدهای خریداری شده بعد از هفت سال و عدم پاسخگویی دولت، به نشانه اعتراض مقابل برج وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند. به گزارش فارس، طبق اعلام نماینده متقاضیان، واحدهای مسکن مهر پردیس فاز ۹ با توجه به این که از قدیمی ترین فازها در مسکن مهر پردیس است، در زمان ابتدای کار دولت جدید ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت اما در زمان شروع کار دولت جدید تا امروز حتی یک خشت بر روی خشت دیگر در این فاز قرار نگرفته و در آستانه تخریب و مستهلک شدن قرار دارد.

روز دوشنبه ۱۵ شهریور، جمعی از کارگران شرکت سایبر (شرکت ساختمان سد و تأسیسات آبیاری) بیرگان کوهرنگ در اعتراض به عدم پرداخت بیش از یک سال حقوق دست به تجمع مقابل فرمانداری کوهرنگ زدند. به گزارش کوهرنگ خبر، یکی از کارگران اظهار کرد: حقوق کارگران از تیرماه سال گذشته پرداخت نشده و این موضوع موجب تجمع‌ات اخیر کارگران و اعتراضات آنها شده است.

روز دوشنبه ۱۵ شهریور، کارگران کارخانه چوکا به دنبال حضور مجدد مدیریت شرکت در کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اینلنا، در حالی که هنوز بیشتر از دو هفته از ابراز شادمانی کارگران کارخانه ایران چوکا به دلیل راه‌اندازی مجدد این واحد تولیدی نمی‌گذرد، شماری از کارگران این واحد تولیدی در اعتراض به عملکرد مدیریت کنونی تجمع کردند.

روز دوشنبه ۱۵ شهریور، جمعی از کارکنان بیکار شده فروشگاه کارنو مقابل استانداری همدان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، پرسنل واحد تجاری کار نو با حضور در محل استانداری همدان خواستار بازگشایی این واحد شدند.

روز سه شنبه ۱۶ شهریور، کارگران منطقه ۸ شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به تجمع مقابل ساختمان شورای شهر اهواز زدند. به گزارش بدر پرس، این تجمع به دلیل عدم پرداخت حقوق از سوی شهرداری منطقه ۸ است.

روز سه شنبه ۱۶ شهریور، کارگران کارخانه کاشی نیلو اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات دست به تجمع مقابل فروشگاه رئیس هیات مدیره زدند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران معترض گفت: عدم رسیدگی به حق و حقوق کارگران، عدم پرداخت حقوق ۱۲ ماهه کارگران شامل ۱۰ ماه حقوق پرداخت نشده و دو ماه عدم پرداخت عیدی به غیر از پرداخت سنوات از جمله مسائلی است که سبب تجمع کارگران این کارخانه شده است.

روز چهارشنبه ۱۷ شهریور، مردم دهستان هپرو از توابع شهرستان باغملک در سه راهی وحدت تجمع و با بستن جاده اعتراض خود را نسبت به آب شرب ناسالم به نمایش گذاشتند. به گزارش باغملک نیوز، در تابستان امسال مردم شهرستان باغملک و روستاهای اطراف نسبت به قطعی مکرر آب و کم آبی اعتراض داشتند علاوه بر این داشتند و تا جایی که برخی روستاها تا چند روز از داشتن آب شرب محروم بودند.

روز پنجشنبه ۱۸ شهریور، جمع زیادی از کارگران کارخانه سیمان ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات، کاهش حقوق و مزایا خود و ضعف مدیریتی برای چهارمین روز متوالی در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش داکرنیوز، مسئولان استانی و شهرستانی در مقابل این تجمع سکوت کرده و بعد از گذشت سه روز، اجمعی از مسئولان در محل فرمانداری سیروان در این خصوص جلسه تشکیل دادند.

روز چهارشنبه ۱۷ شهریور، کارگران شرکت پیمانکاری سایبر بیرنگان در استان چهارمحال بختیاری در ادامه بی‌توجهی کارفرما به معوقات مزدی شان مقابل فرمانداری شهرستان کوهرنگ دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اینلنا، کارگران شرکت سایبر خواهان آن بودند که فرماندار کوهرنگ به «وضعیت معیشتی» و «بلاکنیفی» آنها رسیدگی کند.

صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریور، کارگران معدن قلعه زری خوسف در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به تجمع مقابل استانداری خراسان جنوبی زدند. تعدادی از زنان و کودکان کارگران معترض نیز در تجمع حضور داشتند. به گزارش شبستان، معدن مس قلعه زری، در فاصله ۱۸۰ کیلومتری جنوب شهرستان بیرجند و حاشیه شمالی کویر لوت قرار دارد، این معدن بین شهرستانهای خوسف و نهبندان واقع شده و تعداد زیادی کارگر در آن مشغول به کار هستند.

کارگران شهرداری رشتخوار در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق، از عصر چهارشنبه ۱۷ شهریور، دست به اعتصاب زدند و جمع آوری زباله ها در کوچه و خیابانهای سطح شهر خود را کردند. به گزارش چهل ماه نیوز، این حرکت اعتراضی در روز پنجشنبه ۱۸ شهریور ادامه پیدا کرد. در این روز کارگران مقابل ساختمان اداری شهرداری اجتماع کردند.

ظهر روز چهارشنبه ۱۷ شهریور، جمعی از اهالی خیرآباد ضمن تجمع مسیر خیابان امام حسین در خیرآباد را با ریختن سنگ و چوب مسدود می کنند و اجازه تردد به وسایل نقلیه عبوری را نمی دهند و خواهان حضور مسئولان شهرستان در محل تجمع می شوند تا به نحوی مشکلات این مسیر را به مسئولان نشان دهند تا حادثه مرگ برای همشهریهای شان اتفاق نیفتد. به گزارش کاروانسرا، حوالی ساعت ۲۳ سه شنبه شب جوانی با موتورسیکلت خود در حال گذر از خیابان امام حسین خیرآباد به یکباره تعادل وسیله نقلیه خود را از دست می دهد و به شدت به زمین برخورد می کند و از ناحیه سر آسیب می بیند و در دم جان می سپارد. اهالی این محله علت حادثه را اسفالت غیراستاندارد و ناهموار مسیر عنوان می کنند.

روز پنجشنبه ۱۸ شهریور، کارگران کارخانه سیمان خاکستری نی ریز برای چندمین بار طی ۶ ماه گذشته در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش نبض نی ریز، عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران کارخانه سیمان خاکستری نی ریز مسبب اعتصاب دوباره کارگران این واحد صنعتی شد.

روز پنجشنبه ۱۸ شهریور، شماری از بازنشستگان عضو تعاونی مسکن شرکت برق منطقه ای کرمان با تجمع در استانداری خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند. به گزارش برق نیوز، فرماندار کرمان در حاشیه این تجمع گفت: این شرکت تعاونی زمینی را خارج از محدوده شهر برای ساخت مسکن تهیه کرده که در حال حاضر اتفاقاتی رخ داده و مشکلی برای احداث واحد مسکونی در آن ایجاد شده است.

صبح روز چهارشنبه ۱۰ شهریور، کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در اعتراض به محقق نشدن مطالبات خود از سوی کارفرما جدید در محوطه کارخانه و مقابل ساختمان اداری این مجتمع تجمع کردند. به گزارش اینلنا، این کارگران که به صورت رسمی، قراردادی و روزمزدی در این مجتمع مشغول کارند گفتند: نزدیک به دو تا چهار ماه مطالبات مزدی و حدود پنج ماه حق بیمه پرداخت نشده طلبکاریم و با وجود برپایی چند نوبت اجتماع اعتراضی تا این لحظه نه مدیریت و نه مسئولان به خواسته ما رسیدگی نکرده‌اند. اعتصابات کارگران نیشکر روز چهارشنبه ۱۷ شهریور، برای ششمین روز پیاپی در مقابل ساختمان مدیریت که در محوطه محل بقیه در صفحه ۲۶

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۵

بقیه از صفحه ۲۵

کارشان واقع است ادامه یافت. روز پنجشنبه ۱۸ شهریور، به دنبال اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران مجتمع نیشکرهفت تپه، کارفرمای شرکت ۳ کارگر معترض را ممنوع ورود به کارخانه کرد.

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۱ شهریور، کارگران کارخانه قند فسا مقابل این کارخانه و فرمانداری ویژه این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش فارس، این بار چندم است که کارگران فصلی این کارخانه دست به اعتراض و تجمع می‌زنند. در این تجمع نمایندگان کارگران به عدم ارسال نامه کارگران فصلی به مسئولان از جمله نماینده شهرستان فسا در مجلس، نماینده ولی فقیه در این شهرستان، فرماندار ویژه فسا، رئیس کارخانه قند فسا و رئیس سازمان اتکا وابسته به وزارت دفاع، اعتراض داشتند.

روز یکشنبه ۲۱ شهریور، جمعی از کارکنان صنایع هواپیماسازی ایران در اعتراض نسبت به اخراج و انتقال برخی از کارکنان هسا، دست به تجمع مقابل استانداری اصفهان زدند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان شامل دو دسته اند، عده ای که اخراج شده و نسبت به این موضوع معترض هستند و برخی دیگر که نسبت به نحوه جابجایی و انتقال شان شکایت دارند.

روز یکشنبه ۲۱ شهریور، کارگران شهرداری رابر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش صبح رابر، در پی اعتصاب کارگران شهرداری رابر و دست کشیدن از کار، با حضور شهردار و رئیس شورای شهر رابر در بین اعتصاب کنندگان، از پرداخت یک ماهه حقوق کارگران خبر داده شد.

صبح روز یکشنبه ۲۱ شهریور، تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه که از اسفند ماه سال ۹۴ تاکنون مشمول مقررات بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور هستند؛ در اعتراض به برآورده نشدن خواسته های خود مقابل ساختمان اداره کار و فرمانداری شوش تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده از جمله ۱۵۰ کارگری هستند که به دلیل داشتن شغل سخت و زیان آور مشمول بازنشستگی پیش از موعد شده اند اما چون هنوز کارفرما حق بیمه اضافی مربوط به سخت و زیان آور بودن شغل آنها را به حساب سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده است بیش از شش ماه است که حکم بازنشستگی آنها صادر نشده است.

ظهر روز یکشنبه ۲۱ شهریور، کارگران واحدهای منطقه عملیاتی پارسیان در اعتراض نسبت به تبعیض در پرداخت حقوق دست به تجمع در فرمانداری لامرد زدند. به گزارش ایلنا، این گروه از کارگران شاغل در منطقه عملیاتی پارسیان گفتند که در فیش حقوقی آنان باید آیتمهای مزدی ویژه شرایط کاری خاص مانند بدی آب و هوا، حق مسافت، حق ماموریت و... اضافه شود.

روز سه شنبه ۲۳ شهریور، کارگران کارخانه سیمان آریا اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق دست به تجمع جلوی درب ورودی کارخانه زدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض ضمن تجمع جلوی درب ورودی کارخانه مانع ورود سایر کارکنان به محل کار خود شدند.

عصر روز یکشنبه ۲۱ شهریور، کارگران سد تنگ سرخ یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ۱۵ ماه حقوق شان دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد

زدند. به گزارش فارس، این چهارمین تجمع کارگران سد تنگ سرخ یاسوج است. یکی از این کارگران در همین خصوص بیان کرد: از اوایل سال ۹۴ تا تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۵ که این کارگاه تعطیل شده هیچ گونه حقوق و مزایایی به ما پرداخت نشده است.

روز سه شنبه ۲۳ شهریور، کارگران پستهای فشار قوی برق در اعتراض به توخالی درآمدن وعده وزارت نیرو مبنی بر تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل ساختمان برق منطقه ای خوزستان زدند. به گزارش جبار پرس، یکی از کارگران پستهای فشار قوی برق ضمن اعلام این مطلب گفت: این تجمع در راستای احقاق حق اپراتورها در اعتراض به تبعیضات موجود در میان آنها و عدم اجرای وعده وزارت نیرو مبتنی بر صدور قرارداد کارگری دایم برگزار شده است.

بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه صنایع غذایی گلناز کرمان معروف به کارخانه روغن نباتی گلناز روز سه شنبه ۲۳ شهریور با تجمع در محل ورودی کارخانه خواستار دریافت حقوق معوقه خود شدند. به گزارش تسنیم، کارگران معترض صبح روز چهارشنبه ۲۴ شهریور با قرار دادن خودروهای خود جلوی درب ورودی کارخانه را بستند و پس از آن کارگران مقابل استانداری کرمان تجمع کردند.

روز سه شنبه ۲۳ شهریور، جمعی از کشاورزان چناران در اعتراض به قیمت پایین گوجه فرنگی مقابل فرمانداری چناران تجمع کرده و به مدت یک ساعت بزرگ راه آسیایی را مسدود کردند. به گزارش ندای چناران، کشاورزان با مسدود کردن بزرگراه آسیایی و ریختن گوجه فرنگیها در خیابان، به قیمت پایین این محصول واکنش نشان دادند.

روز چهارشنبه ۲۴ شهریور، اهالی سه روستای اوسا، مرسم و داریکلا با انتقاد از مطرح شدن طرح انتقال آب شرب مازیار چشمه برای هتل ماهان مراتب اعتراض خود را جلوی دهیار داریکلا اعلام کردند. به گزارش بلاغ، مدتی است که طرح احداث هتل گردشگری ماهان در شهرستان میانرود شروع شد، از کیفیت و چند و چون این طرح اطلاعاتی چندانی در دست نیست. اهالی این سه روستا اعلام کردند که این پروژه اگر نگران تامین آب هست یکی از چاههایی که داری آب کافی است برای تامین آب در نظر گرفته شود و زمینه تخریب و بهره برداری نامناسب از این چشمه فراهم نشود.

در ادامه اعتراضهای روزهای اخیر کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، روز چهارشنبه ۲۴ شهریور گروهی دیگر از کارگران در اعتراض به افزایش اجاره بهای منازل کوی سازمانی در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پیش از این هر یک از کارگران ساکن منازل مسکونی مجتمع نیشکر هفت تپه اجاره بهایی حدود ۱۸۵ هزار تومان به مدیریت مجتمع پرداخت می‌کردند اما اخیرا کارفرمای بخش خصوصی کارخانه با صدور بخشنامه ای جدید، اجاره بهای هر یک از منازل مسکونی کارگران را براساس کیفیت منازل به ۳۵۰ تا ۶۵۰ هزار تومان افزایش داده است.

صبح روز شنبه ۲۷ شهریور، جمعی از کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان در اعتراض به معوقات مزدی و نیز تعطیلی واحدهای زیر مجموعه این کارخانه مقابل ساختمان استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تعدادی از این کارگران گفتند: حدود ۶۰۰ کارگر هستیم و به نمایندگی از سوی مجموع ۲ هزار کارگر شاعل در کارخانه پلی اکریل اصفهان مقابل ساختمان استانداری اصفهان جمع شده ایم. پیش از این نیز کارگران پلی اکریل در روز چهارشنبه ۲۴ شهریور جمعی در محوطه کارخانه برگزار کردند و در جریان این کنش اعتراضی به صورت نمادین تابوتی را بر روی آن عنوان «مروح شرکت پلی اکریل ایران» نوشته شده بود را حمل و تشییع کردند.

کارگران راه سازی سواد کوه در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و ۲ سال مطالبات شان در روز شنبه ۲۷ شهریور، مقابل دفتر شرکت اویول تجمه کردند. به گزارش فارس، کارگران با اشاره به قولهای مسئولان مختلف برای پرداخت معوقات و عدم تحقق آن، خواستار رسیدگی فوری به مشکلات خود شدند.

ظهر روز یکشنبه ۲۸ شهریور، کارگران شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان مقابل ساختمان مدیریت شرکت در اسلامشهر تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران اظهار کرد: متأسفانه در راستای اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت حمل و نقل خلیج فارس که تحت مدیریت دولت بود به بخش خصوصی و با نازل ترین قیمت و به ثمن بخش واگذار شد و متأسفانه مدیریت جدید در اداره این شرکت توانایی انجام تعهدات خود را ندارد.

صبح روز یکشنبه ۲۸ شهریور، تعدادی از دستفروشان مرکز شهر اهواز با تجمع در مقابل استانداری خوزستان خواستار پایان بلاتکلیفی خود شدند. به گزارش ایرنا، یکی از نمایندگان دستفروشان که در این تجمع حاضر شده بود در این باره گفت: هشت ماه است که دستفروشان را از سطح شهر جمع آوری کرده اند و قرار بوده آنها را ساماندهی کنند ولی هنوز بلاتکلیف هستیم.

صبح روز دوشنبه ۲۹ شهریور، گروهی از کارگران شهرداری شهر لوشان، در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و مقابل شهرداری شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران در واحد اداری شهرداری لوشان و سازمانهای واسطه به آن به صورت پیمانی و قراردادی مشغول کارند.

روز سه شنبه ۳۰ شهریور، کارگران قراردادی شرکت ارسا ساختمان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، اعتراض این کارگران به جهت عدم دریافت مطالبات مزدی سال ۹۵ و اضافه کاری و سنوات سال ۹۴ است. کارگران تاکید دارند که با وجود کار در تونل و حجم عظیم گرد و غبار کارشان مشمول قانون سختی و زیان آور محسوب نمی شود که همین موجب شده از شرایط روحی مناسبی برخوردار نباشند. اعتصاب کارگران قراردادی شرکت ارسا ساختمان در روز چهارشنبه ۳۱ شهریور برای دومین روز متوالی ادامه یافت.

روز چهارشنبه ۳۱ شهریور، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران چندین شرکت پیمانکاری پتروشیمی ایلام در اعتراض به سه ماه معوقات مزدی و عدم تحقق وعده های کارفرما در داخل دفاتر شرکت پیمانکاری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پیش از این نیز در ماههای گذشته تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی کارگران بارها منجر به اعتراضات آنها شد.

روز چهارشنبه ۳۱ شهریور، برای دومین بار طی هفته اخیر، دستفروشان مرکز شهر اهواز در اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. به گزارش ایرنا، نماینده یکی از دستفروشان مرکز شهر اهواز گفت: در این دو اجتماع اعتراضی هیچکدام از مسئولان حضور نیافته و حاضر نشدند به خواسته دستفروشان پاسخ دهند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

قایم موشک بازی آمریکا و جمهوری اسلامی در عراق، سوریه و یمن

لیلا جدیدی

جدل لفظی و قایم موشک بازی بین جان کری و جمهوری اسلامی که این روزها شدت فزاینده ای گرفته، در تحلیل نهایی به این دو واقعیت ختم می شود:

از یکطرف، جان کری در امتداد سیاست مامشات، تهدید، سازش و نگاه زیر چشمی به جنایتهای جمهوری اسلامی، اهداف امپریالیستی آمریکا را پیش می برد. از سوی دیگر، کارگردانان و بازیکنان تیاتر ضد آمریکایی خامنه ای، سیاستهای ارتجاعی وی را با بازی با جان و امنیت مردم منطقه به امید درمان تن لرزه های عقب نشینی قهرمانانه وی، گسترش می دهند.

جان کری در جده و در کنار مقامات عربستانی می گوید "ارسال مهمات و تسلیحات نظامی از سوی ایران به یمن تنها تهدیدی برای عربستان سعودی نیست، بلکه آمریکا هم آن را یک تهدید محسوب می کند" و الیزابت تروود، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، از علت نزدیک شدن گشت دریایی سپاه پاسداران به شناورهای نظامی آمریکا و "افزایش بی دلیل تنشها" از سوی جمهوری اسلامی ابراز بی خبری می کند.

اما آنچه که برای مردم ایران روشن است، سیاستهای آمریکا در پیدا کردن هرگونه روزنه ای برای پیشبرد منافع خود است که از کودتای ساخته و پرداخته علیه دولت ملی دکتر مصدق گرفته تا نمونه های مامشات با رژیم پس از قیام، از دل دادن به دلرباییهای خاتمی تا گفتگوهای پنهانی در نیویورک با احمدی نژاد، قرار دادن سازمان مجاهدین خلق، اپوزیسیون سرسخت رژیم، در لیست تروریستی و یا به تازگی، آزادی ۵ زندانی با تبادل ۷.۱ میلیارد دلار را در برمی گیرد.

به این شواهد به ویژه باید شانه به شانه رژیم ساییدن در عراق و چشم پوشی و نظاره گر شدن جنایتهای آن در سوریه را نیز افزود. از این روست که ژست آقای جان کری و اظهار نظر وی در باره یمن را نباید جدی گرفت. آقای کری درحضور مقامات عربی و برای دلخوش کردن آنها لب به سخن در باره پایان جنگ و درگیری می گشاید.

همزمان، زمانی که صحبت از نیرنگ و فریب می شود، جمهوری اسلامی هم بازیکن پراسابقه ای است و هم دست طرف را خوانده. از همین رو است که به موازات بالا بردن توقعات خود از برجام، تنش و جنگ را از عراق تا سوریه و یمن گسترش می دهد.

ما مردم ایران با این قایم موشک بازی و دعوای زرگری آشنایی داریم. این صحنه سازیها بیپوده هستند و تاوقتی که آمریکا بند ناف خود را از جمهوری اسلامی پیچی نکند، ادعاهای آقای کری را جدی نمی گیریم.

فراسوی خبر... شنبه ۶ شهریور



جنبش ضد مجازات اعدام و دفاع جواد لاریجانی از اعدام

زینت میرهاشمی

بر اساس داده های آماری نهادهای بین المللی و مدافع حقوق بشر، ایران تحت حاکمیت ولی فقیه در زمینه اعدام و به ویژه اعدام کودکان یکی از چهار کشور ردیف اول است و نسبت به جمعیت از میان چهار کشور در رده اول قرار دارد. در جمهوری اسلامی کودکان زیادی زیر ۱۸ سال در زندان هستند که به اعدام محکوم شده و برخی از آنان بیش از یک دهه حبس کشیدن و طی کردن دوران جوانی خود زیر آزار و سایه اعدام، سرانجام به چوبه های دار آویخته می شوند.

علیرغم اجرای پیوسته، گروهی و پر شمار حکم اعدام زندانیان، وجود تعداد بسیار زیاد زندانیان محکوم به اعدام تبدیل به یکی از چالشهای نهادهای سرکوبگر رژیم شده است.

به دنبال مخالفتهای جهانی با اجرای ممتد حکم اعدام و به ویژه اعدام نوجوانان، موضوع اعدام، تبدیل اعدام به حکمهای دیگر، در میان پاپوران رژیم مطرح شده است. عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارتجاع، روز ۲ شهریور در رابطه با تعداد زیاد زندانیان زیر حکم اعدام گفت: «هم اکنون ۴ هزار و ۵۰۰ اعدامی بالاتکلیف در کشور داریم که باید برای حل مشکل آنها نیز چاره ای اندیشید». وی اعتراف کرد که بسیاری از این جرایم به دلیل «آسیبهای موجود در جامعه از جمله بیکاری» است. (ایلنا ۲ شهریور)

محمد جواد لاریجانی، دبیر نهاد ضد حقوق بشر، در پاسخ به مشکل ۴۵۰۰ زندانی زیر اعدام، بر اجرای حکم اعدام و کوتاه نیامدن از این مجازات غیر انسانی تاکید کرد. این داعشی معروف مانند همیشه به وجود و اجرای حکم قصاص افتخار کرد. وی بیشمارانه مجازات اعدام را هم کافی نمی داند. او ضمن مخالفت با حذف حکم اعدام، خواستار «تاثیر گذاری بیشتر قانون» ارتجاعی شد.

شکته، آزار و اذیت و حبس طولانی برای محکومان به اعدام قبل از اجرای حکم، مجازاتهای مورد نظر این پاپور مرتجع برای تاثیر گذاری بر قانون فراتر از حکم اعدام است.

راه حل دبیر ستاد ضد حقوق بشر مبنی بر اعدام در پاسخ به بالاتکلیفی ۴۵۰۰ زندانی زیر اعدام، از یک سو واکنش به موج گسترده مخالفت با اعدام و از سوی دیگر اعدامهای بیشتری را خبر می دهد.

فراسوی خبر آدینه ۵ شهریور

منتشر شد

زیر محک زمان قطعه نامه های

سه اجلاس شورای عالی سچفخا
(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن
برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید
NABARD/B.P. 77 / 91130 Ris
orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو

نبرد خلق

ارگان سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی
هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی،
زینت میرهاشمی
هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان،
زینت میرهاشمی، مهدی سامع
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۴ یورو

اروپا معادل ۳۵ یورو

آمریکا و کانادا ۴۰ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنبدراری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org



NABARD - E - KHALGH

No : 375- 22 September 2016 / Price: \$ 1 – 1.50 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION



فدایی شهید
رفیق مهرانوش ابراهیمی

یک مبارز علیه ارتجاع اسلامی جانشین احمد شهید

لیلا جدیدی

خانم عاصمه جهانگیر در حالی به عنوان جانشین آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، انتخاب شد که پیشینه درخشانی در دفاع از حقوق بشر، به ویژه علیه ستم بر زنان، اعدام و آزار اقلیتهای دینی و ملی دارد.

پیشینه فعالیتهای خانم عاصمه جهانگیر در زمینه های گوناگون انسانی و حقوق بشری که به طور مشخص زمینه های بارز نقض حقوق بشر در حکومت جمهوری اسلامی نیز هستند، او را انتخاب مناسبی برای جانشینی آقای شهید می کند.

بی دلیل نیست که دستگاه تبلیغاتی رژیم از هم اکنون علیه وی به کار افتاده و خشم و وحشت حکومت از ادامه بررسی پرونده سیاه خود را بازتاب داده است.

خانم جهانگیر سالها با سازمان ملل همکاری داشته و از فعالان سرشناس حقوق بشر و حقوق زنان در پاکستان است. وی اولین دفتر وکالت زنان پاکستان و فوروم "آقدام زنان" که علیه کم ارزش شمردن شدن شهادت زنان و یا اجبار زنان به اثبات تجاوز مبارزه می کند را بنیان گذاری کرده است. وی که علیه ادغام دین و دولت تحت حکومت کودتایی ضیاءالحق به اعتراض برخاست، در ایجاد کمیسیون حقوق بشر پاکستان نیز مشارکت داشته است. او همچنین در دوران حکومت ژنرال پرویز مشرف نیز فعالیت گسترده ای علیه نقض حقوق بشر داشته، تا جاییکه به زندان و حصر خانگی وی انجامیده است. خانم جهانگیر در سال ۲۰۱۰ رییس کانون وکلای پاکستان شد.

عاصمه جهانگیر که جوایز متعدد مدنی و حقوق بشری را در عرصه های ملی و بین المللی دریافت کرده، از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۴ گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر اعدام و آزادی عقیده و مذهب بوده است. در این زمینه وی بارها به سرکوب و پایمالی حقوق اقلیتهای مذهبی در ایران انتقاد کرده است.

با چنین پیشینه ای علیه ارتجاع و بنیادگرایی اسلامی، روشن است که جمهوری اسلامی که دست آلوده ای در گرداندن چرخه نقض حقوق بشر به ویژه علیه زنان و اعدام و ارتکاب به جنایت نسبت به مردم ما دارد، علیه وی به رجز خوانی بپردازد.

در نخستین واکنش غیر رسمی به انتخاب خانم جهانگیر، رسانه های حکومتی به طور سراسری نوشته ای را منتشر کردند که در آن با اشاره به عملکرد "به شدت منفی" احمد شهید در قبال ایران که "محصول" انتکای او به منابعی چون مناقبین و گروه های تجزیه طلب بوده، متذکر می شود که با انتخاب خانم جهانگیر "قرار نیست این روند تعدیل شود".

در این موضعگیری آمده است که اگر چه وی چهره ای محبوب و مشهور بین سکولارهای پاکستان است، اما "بدنه اجتماعی" این کشور او را یک عنصر "نامطلوب" می داند.

این تنها قشر متحجر مذهبی پاکستان نیست که جمهوری اسلامی از آنها به عنوان "بدنه اجتماعی" یاد می کند، این بخش ناچیز و خودفروخته در ایران نیز همواره "مردم" خطاب شده اند.

آقای احمد شهید که از سال ۲۰۱۱ توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل به عنوان گزارشگر ویژه ایران انتخاب شده بود، گزارشات متعددی - اگر چه نه همه جانبه و کامل اما منصفانه و صادقانه - از وضعیت حقوق بشر در ایران داد. ضمن تشکر و قدردانی از تلاشهای وی، امید است که خانم عاصمه جهانگیر نیز با رسیدگی مستمر و پیگیری موثر نقض حقوق بشر در ایران، باری که آقای احمد شهید به او می سپارد را چند گام جلوتر ببرد.

فراسوی خیر... شنبه ۱۳ شهریور

انتقال مجاهدین

از لیبرتی،

گامی بزرگ برای

جنبش ضد دیکتاتوری

زینت میرهاشمی

علیرغم همه توطئه های رژیم، از پرتاب موشک تا اجیر کردن تعدادی مزدور برای شکستن روحیه ساکنان لیبرتی، از گروگان گیری تا به قتل رساندن بیشمار از فرزندان ایران زمین در کمپهای اشرف و لیبرتی، سرانجام همه اعضای مجاهدین سالم از زندان لیبرتی خارج و به آلبانی وارد شدند. روز آدینه ۱۹ شهریور، یک پیروزی برای جنبش آزادیخواهان مردم ایران و یک شکست برای رژیم ولایت فقیه به ثبت رسید.

واکنشهای پایوران رژیم بعد از این انتقال، از یک سو غافلگیری آنها را نشان داد و از سویی دیگر بر باد رفتن همه سرمایه گذاربهایی که برای از بین بردن تشکیلات مجاهدین خلق شده بود را به حساب خامنه ای ثبت کرد.

احضار فرمانده نیروی قدس و سفیر رژیم در عراق به ایران، غافلگیری تیم عمل کننده سرکوب لیبرتی را نشان می دهد. اعتراف سرکردگان سپاه قدس در رابطه با چگونگی استفاده از نیروهای شبه نظامی عراقی و برنامه های موشکی در رابطه با به قتل رساندن ساکنان لیبرتی، سندی ماندگار از جنایتهای برنامه ریزی شده طی ۱۴ سال گذشته برای نابودی زنان و مردانی است که جرمشان ایستادگی در برابر دیکتاتوری و وفاداری به تشکیلات شان است.

استبدادی مذهبی حاکم که حتا تحمل چند میهمانی جوانان در شهرهای ایران را ندارد، در این خیال خام بود که می تواند با محاصره و موشک اراده ساکنان زندان لیبرتی را درهم شکند. این سیاست پایوران رژیم و در راس آنها خامنه ای شکست فاحش خورد و بر این منظر انتقال سالم، همگانی و سازمانیافته از لیبرتی به آلبانی گامی مهم در جنبش آزادیخواهان مردم ایران است.

شهدای فدایی در مهرانه

رفقای فدایی: چنگیز قبادی، محمدعی سالمی، حسین سید نوزادی، مهرانوش ابراهیمی، منوچهر بهایی پور، حسن حامدی مقدم، علی دبیری فرد، محمد رضا همتی، غلامرضا صفری، حسین علی زاده، رحمت شریفی، حسن جلالی نائینی، لقمان مدائن، جهانشاه سمیعی اصفهانی، محمدرضا فرشاد، ژیلای سیاب، پروین فاطمی، رحیم خدادادی، فرشاد فرجاد، پری ثابت، اسماعیل بیدشهری، تورج حیدری بیگوند، زهرا بیدشهری، مصطفی رسولی، سید احمد لاری، کرامت قبادی، زاهد سجادی، سیامک اسدیان (اسکندر)، مسعود بربری، علیرضا صفری، فریبا شفیعی، ابراهیم شریفی، علی حسن پور، محمد کس نرانی، غلامحسین رینی وندادنژاد، غلامرضا سالاری، سروش نیکخواه، عارف بلوکی، ماشا الله پورطرق، محمد سعید خراسی، احمد اسلامی جوزانی، حسن بشیری، محمد امین ترابی، محمود خدادادزاده، فاطمه رخ بین، فتح الله فرید، طاهره قاسمی، ناصر مرادی، محمد فیروزی، یدالله سالاری، موسی پیشداد، حسین روحانی، مهوش جوکار، پرویز عندلیبیان، مهدی خانزاده، خیرالله حسن وند، عبدالله یزدانی، علی محمدنژاد، عباس مکاری، مریم توسلی، فاطمه روغن چی، عزت الله معلم، قربان قربیسی، سید ربیع حسینی، رمضان قربانی، شمسوار شفیعی، جعفر دلیر، بهرام بهلولکی، روح الله الماسی، مهناز نجاری، غلامحسین مجیدی، احمد سلیمانی، عباس گودرزی، حسن سبعت، حسن جان لنگرودی، کامران علوی، فرشید فرجاد، احمد کیانی، فرسید راجی، ناصر مرادی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم